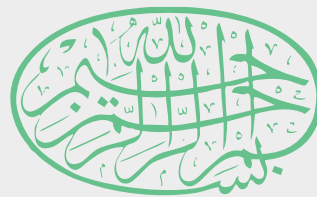


آموزش ابتدایی

رشد

برای آموزگاران دبستان، دانشجویان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان آموزشی
دوره‌ی نوزدهم/ بهمن ماه ۱۳۹۴ / شماره‌ی پی‌درپی ۱۵۴
مامانم‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

مدیر مسئول: محمد ناصری
سردبیر: اصغر ندیری
شورای برنامه‌ریزی:
فاطمه رضانی، سیده‌زهرای یاسینی، یدالله رهبری نژاد
صادق صادق‌پور
مدیر داخلی: شهلا فهیمی
ویراستار: کبری محمودی
طراح گرافیک: علیرضا پورحنیفه

نشانی دفتر مجله:
تهران، ایران شهر شمالی، پلاک ۲۶۶
صندوق پستی ۱۵۸۷۵ / ۳۳۳۱
تلفن: ۸۸۸۳۹۱۷۸
۰۲۱ - ۸۸۸۳۱۱۶۱ - ۹ (داخلی ۴۲۹)
نمبر: ۸۸۳۰۱۴۷۸

وبگاه: www.roshdmag.ir
roshdmag:
پیام‌نگار: ebtedayi@roshdmag.ir
تلفن پیام‌گیر نشریات رشد:
۸۸۳۰۱۴۸۲
کد مدیر مسئول: ۱۰۲
کد دفتر مجله: ۱۰۹
کد مشترکین: ۱۱۴
نشانی امور مشترکین:
تهران، صندوق پستی: ۱۱۱ / ۱۶۵۹۵
تلفن امور مشترکین:
۷۷۳۳۶۶۵۵ و ۷۷۳۳۶۶۵۶ - ۰۲۱
شمارگان: ۳۰۰۰۰
چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

عکاس روی جلد: اعظم لاریجانی



یادداشت سردبیر: برخورد با عاملی از زمان و زمانه / اصغر ندیری / ۲

گفت‌وگو: کارورزی بزرگ‌ترین فرایند بهسازی معلمان است / ام‌لیلا صمدی لولاکی / ۴

● برق این مرد شما را گرفته؟ / شهلا فهیمی / ۳۰

● جناب صدای همه‌چی‌دون! / معصومه حبیب‌پور / ۳۸

گزارش: تلخ و شیرین‌های آموزش در روستا / نصرالله دادار / ۶ ● آموزگاران دست خالی رها نشوند!

/ ام‌لیلا صمدی لولاکی / ۲۲ ● جست‌وجوگر امروز، پژوهشگر فردا / ائلدار محمدزاده صدیق / ۳۴

● تجربه‌ی سبز: راهپیمایی / اعظم حسنی / ۹ ● کتاب ممنوع / پروین نقیبی نسب / ۱۶

● ریاضی پایه‌ی چهارم / معصومه ابراهیمی / ۱۷

● توپ پارچه‌ای / عبدالرضا ساجدی رئیسی / ۲۷ ● جعبه‌ی سیاه آموزگار / نجمه دائمی / ۳۷

آموزش: عکس‌ها حرف می‌زنند / دکتر نیره شاه‌محمدی / ۱۰ ● گفت‌وگوشود کلاسی ابزاری برای انسان‌سازی

کلاس‌های درس ملیحه راجی / ۱۲ ● شیرینی یک پیروزی یا نلافی صد شکست / ترجمه‌ی زری آقاجانی / ۱۴

● مددجویان و تقلانندگان ساکت / افشین چمن‌آرا / ۲۰ ● آزمون‌های عملکردی / هدی هدایتی / ۲۸

● رنگ، شخصیت را به حرکت در می‌آورد / فرشته رنجبرورانی / ۳۲

تربیت بدنی و سلامت: آموزگاران و توسعه‌ی سواد حرکتی دانش‌آموزان / محسن وحدانی، دکتر مهرزاد حمیدی / ۱۸

هنر نوشتن: مراحل و طرح کلی نوشتن مقاله‌های علمی و تحقیقی / ناصر نادری / ۲۴

خاطره: طبابت کودکانه / زهرالطی / ۲۷

فناوری آموزشی: من و کلاس هوشمند / محمدصادق اسماعیلی فرونادیا غلامی‌پور / ۴۰

● افزایش «سلامت یادگیری» با پوشه‌ی کار الکترونیکی / بهمن قره‌داغی / ۴۲

کتاب خانگی مدرسه: کمک به کودکان برای بهبود مهارت‌های ارتباطی / منصوره محمدی پرفکر / ۴۴

اطلاع‌رسانی: تلنگر به بارنشست / ۴۵

همراهان ما: پاسخ به نامه‌ها و نوشته‌های خوانندگان / ۴۶

فعالیت آغازین: کلاسی با تفاوت‌های فردی / ۴۸

قابل توجه نویسندگان و مترجمان:

- مقاله‌هایی که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با اهداف و رویکردهای آموزشی تربیتی فرهنگی این مجله مرتبط باشند و نباید قبلاً در جای دیگری چاپ شده باشند. ● مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی هم‌خوانی داشته باشند و متن اصلی نیز همراه آن‌ها باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید. ● مقاله یک خط در میان، بر یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. مقاله‌ها می‌توانند با نرم‌افزار word و روی CD یا از طریق پیام‌نگار مجله ارسال شوند. ● نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. ● محل قراردادن جدول‌ها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. ● مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف‌ها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود. ● کلمات حاوی مفاهیم نمایه (کلید واژه‌ها) از متن استخراج و روی صفحه‌ای جداگانه نوشته شوند. ● مقاله باید دارای تیتراژ اصلی، تیتراژ فرعی در متن و سوتیتراژ باشد. ● معرفی نامه‌ی کوتاهی از نویسنده یا مترجم همراه یک قطعه عکس، عنوان و آثاری پیوست شود. ● لازم به ذکر است مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است. ● مقالات دریافتی بازگردانده نمی‌شود. ● آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.



برخورد با عاملی از زمان و زمانه

اصغر ندیری

۱. آیا شده است هنگامی که از خانه خارج می‌شوید، با عاملی از زمان گذشته یعنی تاریخ یا دیدنی‌های زمین‌شناختی و جغرافیایی برخورد کنید؟

شعر یا متنی خوشایند را چطور، آیا دیده یا شنیده‌اید؟ حتماً بسیار از پندها، ضرب‌المثل‌ها و جملات بزرگان دین و ادب و علم خودمان استفاده کرده‌اید! اگر به بازار سنتی و قدیمی شهر گذرتان افتاده است، نرمی و درشتی آجرها و سنگ‌فرش آن را زیر پا حس کرده‌اید؟ سقف‌های گنبدی و ضربی با گچ‌بری‌های استادانه‌ی قرن‌ها پیش! آیا این‌ها شما را، شمای که فرهنگی و آموزگار هستید، به درون گذرگاه زمان نبرده است؟ در آینه‌کاری آرامگاه‌های بزرگان هزاربار خود و دیگران را ندیده‌اید! آینه در آینه‌ای که به چشمک ستارگانی می‌ماند که حکایت میلیون‌ها سال را در سوسو زدن خود بیان می‌کنند.

در این آب و خاک، هرگاه از خانه بیرون می‌آییم، ذهنیتی علمی و فرهنگی ما را در احاطه دارد و هرگاه پا به معبر عام می‌گذاریم، با تاریخ و ادبیات و ریاضی و هنر و اخلاق روبه‌رو می‌شویم.

حیرت می‌افزاید، اما نیاز است برای درک بیشتر، راهنما، معلم یا بلدی حضور داشته باشد که با تلنگری چشمان خیره را به خود آورد. و ما چه شاد شدیم هنگامی که یک معلم هنر به نام **مجید کاظمی** در این گشت و گذار کوتاه همراهمان شد.

از در ورودی که داخل می‌شوی، بی‌اختیار نظر به بالا می‌افتنی، کتیبه‌هایی با خط عالی نستعلیق و کاشی‌کاری‌هایی با لعاب لاجوردی یا سیاه، هر کدام نمایی است از تاریخ و از صفویه تا قاجار و عمل دست هنرمندانی که متواضعانه در آن آستان اذن دخول قرائت می‌کردند و با سرفرازی هنر خود را بر دیوار یا طاق می‌نشانند. هنوز چشمانم بر کاشی‌کاری حلزونی و موزون سر در ورودی است که مرا با خود به بالا می‌کشد.

پس از آنکه از بقعه خارج شدم، هنوز فکرم آنجا بود. از خود پرسیدم، این همه جوان دور دور این بقعه و در غرفه‌های اطراف چه می‌کنند؟ این همه رفت و آمد از چیست؟ این دلدادگان در پس چه چیز چنین دست‌های ادب را به سینه می‌گذارند و در دل لابه کرده، اشک از دیده جاری می‌سازند. و پاسخ شنیدم که این هم از کارکردهای اجتماعی چنین مکان‌هایی است که آدمی را از هر جنس و قشر به خود می‌کشد. با خودم گفتم، خوشا به حال اهالی این شهر که در محاصره‌های خوشایند از حصار تاریخ و جغرافیا، آیین، ادبیات، هنر و معماری هستند. باید برای نوبتی دیگر به این بارگاه ارزشمند سر زد. اما بیرون از این آستان هم می‌توان با زمانه ارتباط ایجاد کرد. عکس‌ها، خبرها و سازه‌هایی که بیننده را می‌تواند از گذشته به حال آورد. حال شما با این همه دیدنی چگونه است؟

۲. چندی پیش فرصتی پیش آمد تا در شهر قزوین با آموزگاران هم‌نشین شویم که هر زمان قدم از قدم برمی‌دارند، در شهرشان با پدیده‌های رمزآلود و احساس‌برانگیز از تاریخ پربار این کشور برخورد می‌کنند. و معلمان این شهر مانند بسیاری جاهای دیگر ایران چه اندازه خوش‌اقبال هستند که می‌توانند بیرون از کتاب درسی و چارچوب کلاسی، فضایی آموزشی به بزرگی زمین را در اختیار داشته باشند!

میزبانان مهربان و خدوم محبت کردند و ما را به زیارت آستانی متبرک بردند که به گواهی مورخان و نویسندگان، مزار فرزند **امام رضا(ع)**، به نام **شاهزاده حسین بن علی بن موسی الرضا(ع)**، است. جایی که هنر در آن موج می‌زند. هر چند در نگاه اول عظمت مکین و مکان این آستان





داستان هواشناسی

نکشید که دخترم بهار آمد و کنترل را برداشت و شبکه را عوض کرد. خدای من، باز یک فیلم تکراری؛ از همان دسته که یکی مثل هاچ مادرش را گم کرده و گاهی تا یک متری گمشده می‌رود اما به او نمی‌رسد.

گفتم: «... عزیزم چه کار می‌کنی؟ اجازه بده ببینم وضع آب‌وهوا چگونه است؟»

دخترم که گویا منتظر همین بود، گفت: «مگر شما نگفتید این آقا بیشتر داستان تعریف می‌کند. پس به نظر من واقعیت را نمی‌گوید.»

گفتم: «مگر باید داستان‌ها واقعی باشند؟ آن‌ها می‌توانند تخیلی هم باشند.»

– بنابراین، امسال هم هوا خوب است و نیازی به پیش‌بینی نیست! – نه عزیزم. گفتند که ال نینو در راه است. وای... می‌دانی یعنی چه؟

من که داشتم پیازداغ خیر را زیاد می‌کردم، با تذکر بهار روبه‌رو شدم: «داستان بدجوری روی شما اثر گذاشته. نه؟ ال نینو یا آل‌پاچینو. فرقی ندارد. باباجان اگر می‌خواهید بخوابید، چرا بهانه می‌آورید؟»

به نظرم او درست می‌گفت. من باید می‌خواختم تا فردا به موقع و زودتر از شاگردانم به مدرسه برسم. چرت هم نزنم. با مطالعه هم به کلاس بروم و سعی کنم کلاس را طوری بچرخانم که خودم و کلاس هم جدی تلقی شوند. مرا چه به پیش‌بینی هوا؟ همه‌ی این‌ها فقط به‌خاطر چند کلمه‌ی خاص پیش آمد. اما مگر من نباید در کلاس خود از هر دری صحبت کنم تا بلکه راهی به دل دانش‌آموزانم باز کنم؛ آن‌هایی که هر کدامشان را از راهی و با شیوه‌ای باید شناخت و با هر کدامشان به‌گونه‌ای در خور سخن باید گفت.

○ از قدیم‌ترها گفته‌اند: «سالی که نکوست از بهارش پیداست.» به قول اهل فن نیز امسال سال آبی خوبی خواهیم داشت. در این چند سال آن قدر بی‌آبی فشار آورد که مسئولان محترم با اولین بارندگی دست‌ها را به نشانه‌ی شکر بالا گرفتند و گفتند: «راحت باشید. دیگر سال بعد مشکلی به‌نام کمبود آب نداریم.»

اما از قدیم هم گفته‌اند: «چه کسی فردا را دیده؟» این فردای ناآمده و نادیده آن قدر در باور ما اثر داشت که وقتی کارشناسان از سختی زمستان امسال سخن به میان آوردند، بعضی از ما به آن خندیدیم و عده‌ای دیگر از اهل فن را به میانه‌ی میدان کشانیدیم که بیایند و نظر بدهند آیا امسال بارندگی و زمستان و سرما شدیدتر است یا نه. وضعیت همان‌طور باید باشد که باید باشد!

آقای اهل فن هم در تلویزیون گفت: «زمستان زمستان است و هر چه سر جای خود!»

من که چندان از این عبارت دوپهلوی چیزی دستگیرم نشد، اما وقتی به فاصله‌ی دو سه روز باران پاییزی فرو ریخت و در آبان‌ماه برف و سیلاب را در نقاط مختلف کشور دیدم، دانستم که به یقین پاییز پاییز و زمستان زمستان است، اما باید به نظر دو نفر دیگر هم گوش کرد و احترام گذاشت.

○ من به گزارش هواشناسی یکی از کارشناس - مجری‌های تلویزیون خیلی علاقه‌مندم. آن شب هم زل زده بودم به صفحه‌ی تلویزیون و داشتم قصه‌ی شب هواشناسی را با اجرای کارشناس داستان‌سرا (با کمک و ادبیات دوستان قضایی بخوانید م. الف) گوش می‌دادم. به آرامی در هیروت خبرهای سرما و جنگ دو جبهه‌ی کم‌فشار و پرفشار بودم با نمادی از رنگ‌های آبی و قرمز به همان سیاق و شهرآورد‌های خودمان. به این فکر می‌کردم که چگونه بخاری سنگین را یک تنه از زیرزمین بالا بیاورم. طولی

دکتر نعمت‌الله موسی‌پور، معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشگاه فرهنگیان

کارورزی بزرگ‌ترین فرایند بهسازی معلمان است

ام‌لیلا صمدی لولاکی

کارورزی دانشجوی معلمان در دانشگاه فرهنگیان با چه کیفیتی انجام می‌شود؟ وجه تمایز برنامه‌های جدید کارورزی با برنامه‌های قبلی در چیست؟

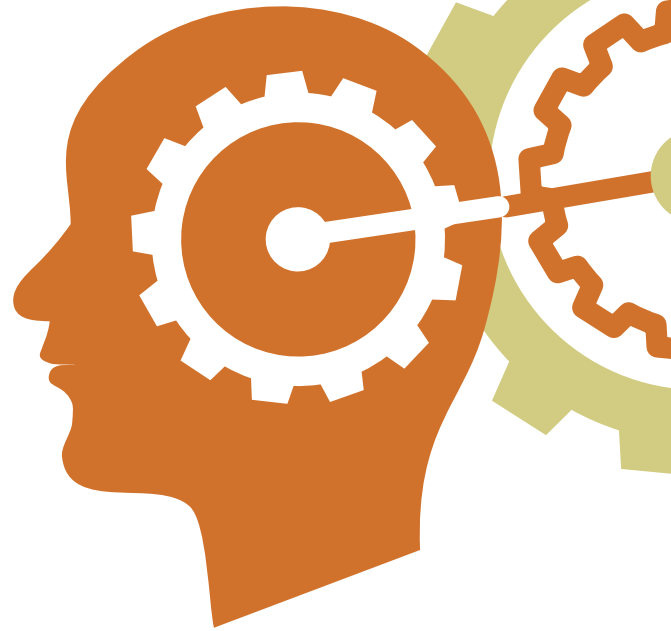
برنامه‌های کارورزی در دانشگاه فرهنگیان از حیث زمان و محتوا شرایط تازه‌ای پیدا کرده و محتوایی که قرار است کار شود، تحول یافته است. در برنامه‌های قبلی در آموزش رشته‌ی آموزش پیش‌دبستانی و دبستان که دو زیرمجموعه داشت، هفت واحد کارورزی پیش‌بینی کرده بودیم. در بقیه‌ی رشته‌های دبیری نیز عملاً چهار واحد کارورزی با عنوان تمرین دبیری داشتیم. یعنی از جنس کارورزی نبود، بلکه از جنس تمرین دبیری بود. در برنامه‌ی جدید برای همه‌ی این رشته‌ها کارورزی پیش‌بینی شده است. در برنامه‌های قبلی براساس مقررات مربوط، برای هر واحد، در هر نوبت و هر جلسه که دانشجو در مدرسه حضور پیدا می‌کرد، سه ساعت کارورزی در نظر گرفته شده بود، اما الان مقررات تغییر کرده است و به ازای هر واحد چهار ساعت در نظر گرفته‌ایم. پیش‌بینی کردیم دانشجوی معلمان در طول دوره‌شان، در چهار ترم و در هر ترم دو واحد کارورزی داشته باشند. یعنی دانشجو دو سال پایانی را تحت پوشش کارورزی است و عملاً در مدرسه حضور دارد. همچنین، پیش‌بینی کردیم برنامه‌ی کارورزی سالیانه باشد، یعنی دانشجو با شروع مدرسه در ابتدای مهرماه، به مدرسه می‌رود و تا پایان سال تحصیلی در مدرسه حضور دارد. دانشجوی معلمان در هر هفته، هشت ساعت یعنی یک روز کامل در مدرسه حضور دارد. در دوره‌ی دبیرستان می‌تواند این هشت ساعت را در یک روز بگذراند و در مدرسه‌ی ابتدایی این هشت ساعت را در دو روز در هفته سپری کند.

دانشجوی معلمان سال اول کارورزی را بیشتر به آشنایی با کلاس درس و مدرسه می‌گذراند و فعالیت‌هایی را انجام می‌دهد که به آن‌ها فعالیت‌های پیرامون تدریس می‌گوییم. مثلاً وضع مدرسه را به‌لحاظ عناصر آموزشی، نیروی انسانی و کیفیت مدیریتی مطالعه و بررسی می‌کند. درباره‌ی تدریس، مشکلات دانش‌آموزان و والدین، مشکلات مدرسه با جهان و محیط پیرامون و مواردی از این قبیل گزارش تهیه

اشاره

درس کارورزی در تربیت معلم جایگاه رفیعی دارد و تا آن‌جا اهمیت یافته است که آن را تنها عنصر محوکننده‌ی شکاف بین دانستن و توانستن قلمداد می‌کنند. از این‌رو، به سراغ دانشگاه فرهنگیان، مهم‌ترین نهاد تخصصی تربیت معلم در کشور و دکتر نعمت‌الله موسی‌پور، معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی این دانشگاه رفتیم تا از برنامه‌های این نهاد در حوزه‌ی کارورزی دانشجوی معلمان باخبر شویم. دکتر موسی‌پور متولد ۱۳۴۳، مدرک کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی خود را از دانشگاه تربیت معلم گرفته است که امروزه با نام خوارزمی فعالیت می‌کند (۱۳۷۰). مدرک دکترای برنامه‌ریزی درسی را نیز از دانشگاه تربیت مدرس (۱۳۷۶) گرفته است. وی در مسئولیت‌هایی چون معاونت آموزشی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر (۷۹-۷۶)، ریاست دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر (۸۲-۷۹) و ریاست مرکز توسعه‌ی منابع انسانی دانشگاه شهید باهنر (۸۵-۸۲) خدمت کرده است. تألیف کتاب‌های «مبانی برنامه‌ریزی آموزش متوسطه»، «درباره‌ی تدریس دانشگاهی»، «نگارش علمی: راهنمای تدوین و نگارش پایان‌نامه و...» (به همراه سید حمیدرضا علوی) و «چشم تیزبین» (به همراه فاطمه حری) نیز از جمله فعالیت‌های علمی او به‌شمار می‌روند. در گفت‌وگو با دکتر موسی‌پور، سؤالاتی درباره‌ی کارورزی دانشجوی معلمان مطرح کردیم که در پی می‌آوریم.





گاهی معلمان از اینکه یک فرد در کلاس آنان حضور یابد و نظاره‌گر باشد استقبال نمی‌کنند. با وجود این، آیا فکر می‌کنید همکاری لازم برای وارد شدن دانشجومعلم به مدارس و کلاس‌های عادی آموزش و پرورش صورت می‌گیرد؟

مطابق اساس‌نامه‌ی دانشگاه فرهنگیان، آموزش و پرورش مکلف است شرایط اجرای برنامه‌ی کارورزی را فراهم کند. شورای عالی انقلاب فرهنگی وزارت آموزش و پرورش را مکلف کرده است که این کار را انجام دهد. البته امروزه ما با این فرهنگ مواجه هستیم که معلمان محیط مدرسه را محیط امن خودشان و کلاس درس را حیطه‌ی اختیار خود قلمداد می‌کنند و اجازه نمی‌دهند کسی آن‌جا حضور پیدا کند. تا جایی که این اعتقاد و باور معلمان سبب شده است احساس کنند اگر کسی وارد مدرسه شود، آن‌ها نمی‌توانند کار خود را انجام دهند و تحت تأثیر قرار می‌گیرند. اما ما تلاش می‌کنیم این فرهنگ را اصلاح کنیم. زیرا معتقدیم کارورزی بزرگ‌ترین فرایند بهسازی معلمان آموزش و پرورش است، چرا که چند هزار معلم را تحت پوشش قرار می‌دهد و آن‌ها را آماده می‌کند نوع دیگری از مواجهه با همکاران خود را در محیط آموزشی تجربه و حتی قبول کنند. یعنی نوعی از مواجهه که کسی در کلاس باشد تا فرد را نقد کند، خبر این کلاس را به کلاس‌های دیگر ببرد، حتی گاهی اوقات فیلم بگیرد و فیلم‌ها را به نمایش بگذارد و به نقد بکشد. بناسبت که این فرهنگ کم‌کم حاصل شود. تلاش می‌کنیم دانشجومعلم را به عنوان دستیار معلم در کلاس معرفی کنیم. دسترسی که کمک اوست و در عین حال دست‌ورزی و کارورزی هم می‌کند. معلم نباید حس کند یک رقیب و یک مزاحم به کلاس آمده است. به عبارت دیگر، معلمان ما به تدریج یاد می‌گیرند چگونه کار مشترک را نه با همکار همتای خود، بلکه با شاگرد خود و همکاری که تحت آموزش آن‌هاست، در کلاس درس انجام دهند.

ارزشیابی واحدهای کارورزی با چه روشی انجام می‌شود و دانشجومعلم چگونه و توسط چه کسی تأیید صلاحیت می‌شوند؟

دو فرد عهده‌دار تربیت دانشجو در کارورزی هستند؛ یکی معلمی که در مدرسه است و دیگری استادی که در دانشگاه است. سعی داریم کارورزی را تا جایی گسترش دهیم که تأیید صلاحیت معلمی دانشجومعلم بر عهده‌ی معلمانی باشد که معلم راهنمای کارورزی هستند. یعنی معلم راهنما به‌علاوه‌ی استاد راهنما تأیید کند که این فرد صلاحیت معلمی دارد و می‌تواند در مدرسه به‌کار مشغول شود. به‌دنبال این هستیم تا مسئولیت معلم را در آزمون جامعی که در ارزشیابی پایانی پیش‌بینی کرده‌ایم لحاظ کنیم. یعنی این معلم است که در نهایت گواهی می‌کند فرد صلاحیت تدریس دارد. اگر این دانشجو معلم در آینده کارش را در مدرسه درست انجام نداد، مدرسه می‌تواند از معلم جویا شود که چرا فردی که وی معرفی کرده است، صلاحیت لازم را ندارد. به‌دنبال این هستیم تا سنت گذشته‌ی استادشاگردی را که در ایران قدیم رایج بوده است، وارد تربیت معلم و آموزش مدرسه‌ای کنیم. به این صورت که استادکار، یعنی معلمی که درس می‌دهد، در کنار شاگرد قرار می‌گیرد و تجربه‌ی خود را به‌صورت عملی و واقعی منتقل می‌کند.

می‌کند. دانشجو در کلاس حضور دارد، اما تدریس نمی‌کند. طرح درس آماده می‌کند. با دانش‌آموزان ارتباط دارد و در بررسی تکالیفی که دانش‌آموزان انجام می‌دهند، به معلم کمک می‌کند. در سال دوم کارورزی، دانشجومعلم در بطن تدریس وارد می‌شود و عملاً تحت‌نظر معلم شروع به تدریس می‌کند. در واقع دانشجو کار واقعی معلمی را در سال دوم انجام می‌دهد. افراد برای آموزش شنا کردن تحت‌نظر مربی در ابتدای آموزش در نقاط کم‌عمق وارد می‌شوند و با آب‌سازگار می‌شوند. در کارورزی هم همین اتفاق می‌افتد. معلمی که با دانشجومعلم کار می‌کند، در سال اول به آماده کردن آن‌ها می‌پردازد. دانشجومعلم در نیم‌سال اول بیشتر مشاهده می‌کند و در حاشیه‌ی تدریس عمل می‌کند. سپس در نیم‌سال دوم به بررسی، برنامه‌ریزی و حل مسئله می‌پردازد. در نهایت، در سال دوم کارورزی شروع به تدریس و عمل در کلاس می‌کند و تحت‌نظر معلم یاد می‌گیرد چگونه کار تدریس را به‌صورت واقعی انجام دهد.

آیا دانشجومعلم کارورزی خود را در طول دو سال در مدرسه‌ای ثابت و مشترک می‌گذرانند؟

گاهی ممکن است به سبب مشکلات اجرایی، مدرسه را عوض کنیم، اما در مجموع تلاش بر این است که دانشجویان در همان مدرسه کارشان را دنبال کنند.

آیا مدارس ویژه‌ای را برای حضور دانشجومعلم در آن‌ها و گذراندن واحد کارورزی مدنظر دارید؟

به‌لحاظ بنیادهای نظری، اصولاً کارورزی باید در محیط‌های طبیعی مدارس ایران انجام شود و نمی‌تواند در محیط‌های ویژه باشد. در نهایت، دانشجومعلم قرار است در همین جامعه و با همین مدارس و شاید در مدارس یا امکانات کم کار کنند. هم‌اکنون دانشجومعلم ما در مراکز استان‌ها آموزش می‌بینند، در حالی که بعداً ممکن است در موقعیت‌های محروم‌تر، مثلاً در روستا، در موقعیتی دورافتاده و مدرسه‌ای چندپایه تدریس کنند. بنابراین، از هم‌اکنون باید در محیط‌های واقعی و کاملاً طبیعی آموزش ببینند.

تلخ و شیرین‌های آموزش در روستا

گزارشی از دبستانی روستایی در منطقه‌ی طالقان

نصرالله دادار

عکاس: غلامرضا بهرامی



اشاره

دبستان شهید سیدخلیل حسینی در سال ۱۳۶۹ در روستای زیدشت طالقان تأسیس شده است. این مدرسه در حال حاضر ۴۸ دانش‌آموز دارد که ۱۷ نفر از آن‌ها افغانستانی هستند.

این دبستان را یکی از مدارس موفق منطقه می‌دانند که همواره در مسابقات علمی رتبه‌های برتر و عالی کسب می‌کند. در سفر به منطقه‌ی طالقان، گزارشی از این مدرسه تهیه کرده‌ایم که توجه شما را به آن جلب می‌کنیم.

از دانش‌آموختگان همین مدرسه، مربی پیش‌دبستانی هستند.»

کسب رتبه‌ی اول منطقه

الزامی می‌افزاید: «تعداد زیادی از دانش‌آموزان این مدرسه به درجات بالای علمی کشور در رشته‌هایی مانند پزشکی، مهندسی و حقوق دست یافته‌اند. آن‌ها هر سال در آزمون‌های علمی آموزش‌وپرورش شرکت می‌کنند و معمولاً در منطقه اول می‌شوند. در حال حاضر هم تعدادی از دانش‌آموزان مانند **مریم رضایی و محمد گلی‌تباری** به مدارس تیزهوشان کرج راه یافته‌اند.»

به گفته‌ی الزامی، مرکز طالقان از سال ۱۳۰۴ و روستای زیدشت از سال ۱۳۲۰ مدرسه داشته‌اند و به همین دلیل منطقه از نظر فرهنگی سوابق درخشانی دارد.

تعداد دانش‌آموزان فعلی دبستان

دبستان شهید سیدخلیل حسینی در حال حاضر ۴۸ دانش‌آموز دارد که ۱۷ نفر

حدود ساعت ۱۲ ظهر به روستای زیدشت وارد می‌شویم و به دبستان شهید «سیدخلیل حسینی» می‌رویم. آقای **مصطفی الزامی**، مدیر مجتمع آموزشی شهید فلاحی طالقان، خانم **سیده‌معصومه میرحسینی**، معاون آموزگار دبستان، به همراه دیگر همکاران و دانش‌آموزان مدرسه منتظر ورود ما هستند. پس از حال و احوال کردن‌های معمولی و متعارف، الزامی می‌گوید: «دبستان شهید سیدخلیل حسینی تحت پوشش مجتمع آموزشی شهید فلاحی است. مدرسه در حال حاضر، توسط یک معاون آموزگار و سه آموزگار اداره می‌شود.

اکثر آموزگاران این مدرسه برگزیده‌ی طرح‌های کشوری، استانی و منطقه‌ای مانند طرح‌های جابر، طراحی آموزشی، مهارت‌های زندگی و درس پژوهی هستند.

سیده‌معصومه میرحسینی معاون و آموزگار پایه‌ی ششم، **زینب سلیمیان** معلم پایه‌ی اول، **مژگان مهدی** معلم پایه‌های دوم و سوم و **سمیه رزاقی** معلم پایه‌های چهارم و پنجم و **معصومه خنجری**،

از آن‌ها افغان هستند. از این تعداد، ۱۳ نفر در پایه‌ی اول، ۹ نفر در پایه‌ی دوم، ۹ نفر در پایه‌ی سوم، ۸ نفر در پایه‌ی چهارم، یک نفر در پایه‌ی پنجم و ۸ نفر هم در پایه‌ی ششم مشغول تحصیل‌اند.

ارتباط خوب اولیا و مربیان

سیده‌معصومه میرحسینی معاون آموزگار مدرسه که ۲۶ سال سابقه‌ی کار دارد و کارشناس آموزش ابتدایی است، ضمن برشمردن ویژگی‌های این دبستان می‌گوید: «ارتباط ما با اولیای دانش‌آموزان بسیار خوب و صمیمی است. اولیا ارتباط کاملاً نزدیکی با مدرسه دارند و به این ترتیب از مسائل مدرسه آگاه می‌شوند.»

درس را نفهمیده‌اند، معلم را رها نمی‌کنند و گاهی اوقات برای یاد گرفتن مطالب درسی حتی التماس می‌کنند و می‌گویند خانم ما حاضریم بیاییم منزل شما کار کنیم تا در کنار شما درس‌ها را خوب یاد بگیریم.

صندلی داغ و کشف نگاه بچه‌ها به آموزگار

یکی از روش‌هایی که خانم سلیمیان برای درک بچه‌ها، کشف نگاه آن‌ها نسبت به آموزگار و پیشرفت کارهایش انجام می‌دهد، برقرار کردن «صندلی داغ» در کلاس درس است. او می‌گوید: «ماهی یک‌بار یک صندلی جلوی کلاس درس می‌گذارم و به بچه‌ها می‌گویم این «صندلی داغ» است. شما بیایید تک‌تک روی آن بنشینید و از هر کجا که می‌خواهید صحبت، درد دل و انتقاد کنید. از خود من شروع کنید. این کار باعث می‌شود که اولاً بچه‌ها تمرین کنند مسائل خود را بگویند و از نظر روانی تخلیه شوند، ثانیاً من بفهمم بچه‌ها از من چه درکی دارند.

دانش‌آموزی که مادرش می‌گفت چیزی نمی‌شود

پیام سیدعلی‌خانی دانشجوی فعلی رشته‌ی مهندسی مکانیک دانشگاه صنعتی شریف، یکی از دانش‌آموزان سابق دبستان شهید سیدخلیل حسینی روستای زیدشت منطقه‌ی طالقان بوده است که مادرش معتقد بوده او چیزی نمی‌شود، اما در اثر درک درست و برنامه‌ریزی مناسب معلمش (خانم سلیمیان) او مراحل تحصیل را به خوبی طی می‌کند، تا جایی که به دانشگاه صنعتی شریف راه می‌یابد. سلیمیان می‌گوید: «قصه از اینجا شروع شد که روزی در کلاس درس، وقتی به بچه‌ها گفتم بنویسید: «آب»، متوجه‌شدم «پیام» نمی‌نویسد، به‌اونزدیک‌شدم، گریه می‌کرد و دستانش می‌لرزید. به خودش می‌گفت آ یعنی چه؟ متوجه شدم او می‌ترسد. مادرش را به مدرسه خواستم و با او صحبت کردم. متوجه شدم مادرش نسبت به بچه‌اش خیلی حساس است. از او خواستم در خانه به پیام چیزی نگوید. خودم هم مدتی به او تکلیف ندادم تا از فشاری که روی پیام است، بکاهم. با همین کار، بعد از مدتی ترس و اضطراب



بعد به مدرسه‌ی شهید آیت (مدرسه‌ی کمپ سازمان آب) رفتم و از سال ۱۳۷۳ هم به این مدرسه آمده‌ام. روش من این است که در ابتدای سال با اولیا جلسه می‌گذارم و آن‌ها را توجیه می‌کنم تا در کارها با من همکاری کنند. سختی کار من تقریباً تا اوایل آذرماه است. پس از آن همه‌ی کارها به آسانی و خوب پیش می‌رود. دانش‌آموزان من همه‌ی کارها و تکالیف خود را در مدرسه انجام می‌دهند و هیچ اضطرابی ندارند. یکی از خوبی‌های نظام جدید این است که دانش‌آموزان در این نظام فعال هستند. نظام آموزشی گذشته معلم‌محور بود، ولی اکنون دانش‌آموز‌محور شده و این باعث شده است دانش‌آموزان در برنامه‌های آموزشی فعال باشند. همچنین آموزش و درس دادن کتاب‌های جدید راحت‌تر است و محتوای آن‌ها به مسائل زندگی خیلی نزدیک‌تر شده است.

انگیزه و پشتکار دانش‌آموزان افغان

همان‌طور که اشاره شد، ۱۷ نفر از دانش‌آموزان این دبستان افغان هستند. خانم سلیمیان که تعدادی از دانش‌آموزان کلاسش را بچه‌های افغان تشکیل می‌دهند، درباره‌ی آن‌ها می‌گوید: «اگرچه اکثر والدین دانش‌آموزان افغان بی‌سواد هستند، ولی این دانش‌آموزان تیزهوش، با استعداد و پرتلاش‌اند. این در شرایطی است که آن‌ها نسبت به دانش‌آموزان ایرانی امکانات رفاهی کمتری دارند. دانش‌آموزان افغان مسئولیت‌پذیرند، با محیط اطراف خود سازش دارند و به شدت قدردان هستند. آن‌ها تا وقتی



میرحسینی در ادامه می‌گوید: «ما در ابتدای سال جلسات انجمن اولیا و مربیان را تشکیل می‌دهیم. چند کمیته‌ی اختصاصی مانند کمیته‌ی تربیت بدنی، تربیتی و عمرانی داریم که کارهای مدرسه را به خوبی پی می‌گیرند. خیرین و شورای روستا در حل مسائل مدرسه به ما کمک می‌کنند.»

نظر آموزگاران درباره‌ی ویژگی‌های کتاب‌های جدید درسی

زینب سلیمیان، آموزگار پایه‌ی اول، از سال ۱۳۶۸ کارش را در روستای «گتته ده» شروع کرده است. او می‌گوید: «در روستای «گتته ده» ۳۰ دانش‌آموز در پایه‌ی اول داشتم. در آن زمان، روستا برق و آب لوله‌کشی نداشت.



پیام کم شد. احساس کردم او چند کلمه‌ای یاد گرفته است و خودبه‌خود در حال حرکت است. از آن به بعد بیشتر با او کار کردم. پیام روز به روز پیشرفت می‌کرد تا مشکل او به‌طور کلی حل شد و توانست مسیر تحصیلی را به خوبی طی کند.»

روان‌شناس بالینی

مژگان مهدی آموزگار پایه‌های دوم و سوم این دبستان است. او متولد سال ۱۳۵۱ در تهران و دارای مدرک کارشناسی در رشته روان‌شناسی بالینی است. اگرچه از سال ۱۳۸۴ وارد آموزش و پرورش شده است، ولی سه سال است که تدریس می‌کند. او می‌گوید: امسال اولین سالی است که آموزگار دو پایه شده‌ام. در ابتدای سال استرس داشتیم. فکر می‌کردم معلم دو پایه بودن سخت است و از عهده‌اش برنمی‌آیم، ولی چون دوره دیدم و این کار را شروع کردم، متوجه شدم می‌توانم معلم دو پایه‌ی خوبی هم باشم. سعی می‌کنم با دانش‌آموزان بیشتر به‌صورت عملی کار کنم. چون احساس می‌کنم بچه‌ها مطالب عملی را بهتر یاد می‌گیرند و آموزش عملی برای آن‌ها جذاب‌تر است. به همین دلیل سعی می‌کنم بچه‌ها را زیاد به حیاط مدرسه ببرم. بچه‌ها هم حیاط را بیشتر از کلاس دوست دارند. به‌نظر من، روحیه‌ی معلم در تدریس و آموزش بسیار مؤثر است و هر اندازه این روحیه شاد و پویا باشد، معلم در کارش موفق‌تر است.»

اثر پرورشی معلمان ابتدایی زیاد است

سمیه رزاقی، آموزگار پایه‌های چهارم و پنجم است. او متولد سال ۱۳۶۳ روستای ناربان طالقان و کارشناس رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی است. هفت سال سابقه‌ی تدریس در مدارس ابتدایی دارد. به اعتقاد وی، نقش پرورشی معلمان دوره‌ی ابتدایی خیلی بیشتر از نقش آموزشی آن‌هاست و به همین دلیل، کار آموزگاران را پراهمیت می‌داند. او می‌گوید: «دانش‌آموزان ابتدایی به آموزگار خود به‌عنوان مادر دوم نگاه می‌کنند و جزئی‌ترین مسائل خود و حتی خانواده را با او در میان می‌گذارند. با معلم درد دل می‌کنند

و او را امین خود می‌دانند. بنابراین، آموزگار ابتدایی نقش تربیتی و پرورشی بسیار مهمی دارد. دانش‌آموزان از معلم الگو می‌گیرند و بسیاری از رفتارها و خلق‌وخوی آن‌ها تحت‌تأثیر رفتار معلمانشان است.»

رزاقی در ادامه به روش تدریس خود در کلاس درس اشاره می‌کند و می‌گوید: «دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی مطالبی را که قابل دیدن و لمس کردن باشند بهتر درک می‌کنند و می‌فهمند. بنابراین، من در این چند سال تدریس همواره سعی کرده‌ام مطالب کتاب‌های درسی را برای دانش‌آموزان ملموس و قابل درک کنم. من معمولاً بچه‌ها را برای فهم بهتر متن درس‌هایی مانند علوم و جغرافیا به حیاط مدرسه، کنار کوه و سد طالقان می‌برم. تجربه‌ی چند سال گذشته‌ی من هم نشان داده است که بچه‌ها به این ترتیب مطالب درسی را بهتر یاد می‌گیرند.»

خاطره‌ای تلخ و شیرین

رزاقی در ادامه به خاطره‌ای اشاره می‌کند و می‌گوید: وقتی در روستای جوستان طالقان در پایه‌ی چهارم تدریس می‌کردم، دانش‌آموزانی داشتم که بسیار بازگوش بودند و اذیت می‌کردند. به‌خصوص یکی از آن‌ها اصلاً حرف گوش نمی‌داد، چون یک‌بار به او گفته بودم چرا تکلیف انجام ندادی؟

یک روز این دانش‌آموز واقعاً آشک مرا درآورد. آن روز کاملاً بریده بودم و فکر می‌کردم نمی‌توانم معلمی کنم. با ناامیدی به دفتر مدرسه رفتم و با همکاران صحبت کردم. آن‌ها مرا دل‌داری دادند و گفتند با این دانش‌آموز خیلی کار نداشته باش. این دانش‌آموز روی بچه‌ها نفوذ زیادی داشت

و دیگران هم از او تبعیت می‌کردند و من باید مسئله‌ی او را حل می‌کردم تا مسئله‌ی دیگران حل شود. بعد از مدتی به این نتیجه رسیدم که از در دوستی با او وارد شوم. بنابراین، روشم را تغییر دادم و با او دوست شدم. همین دوستی فوق‌العاده روی او اثر کرد و کم‌کم آرام شد. طوری که در ماه‌های آخر، هم درس او و هم اخلاقش عوض و بهتر شد. من هم بسیار خوشحال و امیدوار شدم و یقین پیدا کردم که می‌توانم کارم را ادامه دهم.» او در ادامه می‌افزاید: «کار با دانش‌آموزان ابتدایی شیرینی‌های خاص خود را دارد. به همین دلیل، وقتی تابستان شروع و مدارس تعطیل می‌شوند، من لحظه‌شماری می‌کنم تا دوباره مهر آغاز شود و به مدرسه بروم. چون هر روز از این بچه‌ها چیز جدیدی یاد می‌گیرم و کار با آن‌ها برایم کسل‌کننده نیست.»

شهید سیدخلیل حسینی

شهید سیدخلیل حسینی که دبستان به‌نام او مزین شده است، در سال ۱۳۴۲ هجری شمسی در خانواده‌ای ساده و مذهبی در روستای زیدشت طالقان به‌دنیا آمد. او در همین روستا تحصیل و مدرک دیپلم دریافت کرد. پس از آن، در مرکز تربیت‌معلم ادامه‌ی تحصیل داد و سپس به خدمت آموزش و پرورش درآمد و معلم شد.

شهید سیدخلیل حسینی در خدمت به نونهالان و آینده‌سازان انقلاب اسلامی تلاش بی‌وقفه‌ای کرد، اما به‌دلیل ضرورت و نیاز، به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل شتافت و در تاریخ شانزدهم دی‌ماه ۱۳۶۵ در عملیات کربلای ۵ در شلمچه به درجه‌ی رفیع شهادت نائل شد. روحش شاد.





راهپیمایی

اعظم حسنی
ناحیه‌ی ۱، قم



در دهه‌ی فجر، سرتاسر سالن و راه‌پله‌ها مملو از دانش‌آموزانی بود که در راهپیمایی ۲۲ بهمن شرکت کرده بودند. این نمایشگاه با معرفی ۲۲ اثر زیبا (به تشخیص شورای دانش‌آموزی) و تشویق آنان پایان یافت.

به دلیل تقارن برخی مناسبت‌ها با شیفت کاری دبستان و شرکت نکردن بعضی از دانش‌آموزان در برنامه‌هایی مانند راهپیمایی ۱۳ آبان، تصمیم گرفتیم با طرحی ابتکاری و کودکانه، همراه با تلفیقی از هنر «کلاژ»، هم زمینه‌ی آشنایی آنان و هم انگیزه‌ی شرکت و حضورشان را در چنین برنامه‌هایی فراهم کنیم.

تصویر ۱۳ دختر را برش دادم و روی مقوا چسباندم. تصویر صورت‌ها را عکس‌های دانش‌آموزان قرار دادم و آن‌ها را به صورتی چیدم که تصویری از راهپیمایی را نشان می‌داد. نفرات سیزدهم دفتر ثبت فعالیت کلاس‌ها، اولین شرکت‌کنندگان در «راهپیمایی کاغذی» بودند.

در دهه‌ی فجر این وظیفه را به صورت مسابقه به خود دانش‌آموزان واگذار کردم. هر کس، با هر سلیقه و اندازه‌ای که دوست داشت، عروسکی کاغذی ساخت و عکس صورت خود را روی صورت عروسکش چسباند و پرچمی با یک شعار به دست گرفت.



عکس‌ها حرف‌می‌زنند

عکس و تصویر در آموزش خلاق

دکتر نیره شاه‌محمدی

اشاره

کودکان از همان سال‌های اولیه‌ی زندگی مجذوب تصویرها و عکس‌های خود، خانواده یا دوستان می‌شوند. عکس‌ها و تصویرها حس خوبی را به آن‌ها منتقل و انگیزه‌ی صحبت را در آن‌ها ایجاد می‌کند. عکس‌ها و تصویرها با یادآوری خاطرات و اتفاقات جالب زندگی، موضوعات مناسب گفت‌وگو را ایجاد می‌کنند. همچنین، تصور دیداری از زندگی روزمره را فراهم می‌کنند که متداول و نمایشی هستند. تصویر خاطره یا مفهومی را که می‌تواند موجب خلق داستانی شود در خود ضبط می‌کند. آموزگاران گرامی می‌توانند فرصت تماشای عکس و گفت‌وگو و بازگویی مجدد وقایع زندگی را در کلاس به دانش‌آموزان بدهند. عکس‌ها همچنین تفسیر ذهنی کودک را نشان می‌دهند. از پیشنهاد‌های پایانی مقاله استفاده کنید و نتایج آن را بررسی نمایید.

کلیدواژه‌ها: عکس، تصویر، آموزش خلاق، نمایش گرافیکی

مفهوم و ماهیت تصویر

زبان تصویر قادر است مؤثرتر از هر وسیله‌ی ارتباطی دیگر، دانش بشر را نشر دهد. گرافیک نیز مجموعه‌ی بزرگی است که عکس، نمودار، نقشه، دیاگرام و تصویر را شامل می‌شود. در طراحی پیام‌های آموزشی دیداری مانند تصویر، از گرافیک استفاده‌ی شایانی می‌شود. زبان تصویر به انسان امکان می‌دهد تجربه کند و تجربیات خود را در شکلی قابل مشاهده مستند سازد. ویژگی‌های کلی زبان تصویری عبارت‌اند از:

– خلاقیت نامحدود؛

– جنبه‌ی عمومی یا جهانی تصویر؛

– سادگی سخن.

نمایش تصویری

نمایش تصویری شامل نقاشی، عکاسی و رسم هرگونه مطلب به صورت دیداری است که از طیف واقعی تا انتزاعی گسترده است. این‌گونه نمایش‌ها چندوجهی (چندمعنی) هستند، یعنی به‌طور هم‌زمان براساس عینی بودن نمایش، میزان ابهام اطلاعات آن، درک انفرادی و تفسیر بیننده، چندین معنا از آن‌ها استخراج می‌شود (کارنی، ۲۰۰۲).

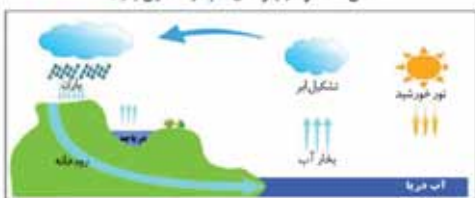
نمایش گرافیکی

نمایش‌های گرافیکی مانند دیاگرام‌ها، نقشه‌ها و جدول‌های موجود در متن هستند که با توجه به سطح تحصیل و زمینه‌ی محتوا، توانایی یادگیرنده در تفسیر معنی آن‌ها متفاوت است.

دیاگرام (نمودار)

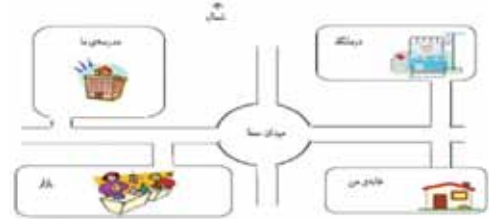
دیاگرام نمایش انواع اشیا، چرخه‌ها و فرایندها را شامل می‌شود و در ارتقای درک فضایی یادگیرنده تأثیرگذار است. دیاگرام‌های نمادین اشیا را با جزئیات بیشتر نشان می‌دهند، مانند نمایش کارکرد داخل میکروسکوپ. در دیاگرام‌های شماتیک، بسته به درجه‌ی واقع‌گرایی آن‌ها، اشیا و فرایندها معمولاً با استفاده از فلش یا خط نشان داده می‌شوند که نمایانگر ارتباط یا مراتب است.

شکل ۱. نمودار چرخه‌ی آب و تشکیل باران



نقشه

نقشه‌ها ویژگی‌های مخصوص به خود مانند فاصله یا شکل دارند تا ارتباط فضایی شکل‌ها را نمایش دهند (اسپرینگر و همکاران، ۲۰۱۰)



جدول

جدول با استفاده از ستون یا ردیف یا هر دوی آن‌ها، ارتباطات یا ارتباط داخلی را نشان می‌دهد. اطلاعات در داخل خانه‌های جدول ارائه می‌شوند. مفهوم به این طریق به دست می‌آید که اطلاعات داخل هر خانه با سر تیتر یا هر ستون یا ردیف مربوط به آن تعریف می‌شود.

نقش عکس و تصویر در آموزش

- برانگیختن انگیزه
- ایجاد زمینه یادگیری
- ایجاد داربست ذهنی و درک کلی از مفاهیم
- تعریف کلی یا جزئی برای ویژگی‌ها
- گسترش موضوع اصلی
- ایجاد دیدگاه‌های فردی
- تقویت متن با ایجاد ارتباط و انسجام
- کمک به ارتقای آموزش زبان و ادبیات
- ارتقای خلاقیت
- درک زیبایی هنری

از عکس‌ها و تصویرها می‌توان به شرایط زندگی خارج از مدرسه‌ی کودکان نیز پی برد. برای مثال، کودک می‌تواند روابط خود با پدر و مادرش و دیگران یا اتفاقاتی را که در زمان‌های متفاوت برای او روی می‌دهد، با عکس به تصویر بکشد و برای کلاس توضیح دهد. با عنایت به نقش عکس و تصویرها، آموزگاران می‌توانند چند دوربین عکاسی در کلاس داشته باشند و آن‌ها را در اختیار دانش‌آموزان قرار دهند تا به خانه بگردند. از سوی دیگر، به این ترتیب، کودکان،

نحوه‌ی کاربرد دوربین و نگهداری درست آن را نیز می‌آموزند.

معلم‌ان می‌توانند از عکس‌های جمع‌آوری‌شده‌ی خانگی و آرشیوهای تاریخی نیز استفاده کنند.

از عکس‌های کودکان می‌توان در زمان مطالعه و بازی در کلاس استفاده کرد. همچنین، می‌توان آن‌ها را به‌عنوان وسایل کمک‌آموزشی به کار برد. کودکان می‌توانند عکس‌ها و تصاویر را مرتب و با آن‌ها بازی کنند. عکس‌ها می‌توانند برای کودکان از کارت‌های بازی سودمندتر باشند. نیاز است معلم‌ان تصویرهای گرفته شده توسط کودک در مدرسه را تفسیر کنند. آن‌ها می‌توانند به‌منظور دیدن تصویر کودکان، پروژه‌کنکور تهیه کنند. کودکان می‌توانند، عکس‌هایی از مکان‌های متفاوت جمع‌آوری و طبقه‌بندی کنند. آن‌ها می‌توانند در گروه‌های کوچک، درباره‌ی عکس‌ها گفت‌وگو و آن‌ها را تفسیر کنند.

شیوه‌ی استفاده از عکس

- نمایش تعدادی عکس در محلی مناسب از کلاس برای جلب توجه بیشتر کودکان
- تهیه‌ی آرشیوی از عکس‌های دانش‌آموزان سال‌های پیش، مانند خواهر و برادرهای بزرگ‌تر
- قرار دادن عکس هر کودک در قسمتی خاص و گوش کردن به صحبت‌های کودکان
- درست کردن جدولی از عکس‌های کودکان و نوشتن یک جمله در مورد هر کودک (مانند رنگ مو، چشم، نام غذا یا حیوان مورد علاقه)

فعالیت‌های پیشنهادی

- از عکس‌ها می‌توان به‌عنوان کارت‌هایی منظم، به‌منظور آموزش فعالیت‌های

متفاوتی مانند پختن کیک، کوتاه کردن مو، بریدن کدوتنبلی یا داستان‌هایی از تجربه‌های زندگی واقعی استفاده کرد. این نوع فعالیت‌ها می‌توانند فرهنگ گفت‌وگو و روایت داستان را در میان کودکان ترویج دهند. عکس‌ها می‌توانند آغازگر روایت داستان شغلی خاص باشند.

• عکس‌ها را روی کارت‌هایی نصب کنید تا آن‌ها را با یکدیگر مطابقت دهند. نیاز است آموزگاران در فعالیت‌های حل‌کردنی، از هر عکس دو نمونه در اختیار داشته باشند. برای مثال، عکس‌هایی از آدم‌برفی‌های ساخته شده پس از بارش برف تهیه و چند نمونه از آن‌ها را چاپ کنید. یا دو عکس مشابه از کودکان بگیرد و آن‌ها را آویزان کنید و اسمشان را روی عکس‌ها بنویسید.

• عکس‌هایی از تجربیات فصل‌های مختلف می‌توانند پیشرفت علمی را در زمینه‌ی آب‌وهوا باعث شوند. طبقه‌بندی عکس‌ها می‌تواند برای کودکان جالب و مهم باشد. سایر عکس‌ها نیز از جمله عکس غذا در گروه‌های غذایی متفاوت، روش‌های حمل‌ونقل یا طبقه‌بندی رنگ‌ها، می‌توانند کارایی مشابهی داشته باشند.

• کودکان می‌توانند از عکس‌ها به‌منظور یادآوری فعالیت‌هایی که در اطراف مدرسه انجام می‌دهند، استفاده کنند. **شولر** و **تیلت** گزارش نحوه‌ی استفاده از دوربین‌های دیجیتال را که موجب پیشرفت ساخت زمین‌های بازی اطراف مدرسه می‌شود، توصیف کرده‌اند. کودکان به زمین بازی نگاه می‌کنند، به صحبت‌های کارشناسان گوش می‌دهند و ایده‌های خود را در مورد زمین بازی ایده‌آل بیان می‌کنند. کودکان می‌توانند ایده‌ی خود را در مورد زمین بازی دلخواه بیان کنند.

منابع

1. Carney, Russell N. & Levin, Joel R. (2002). Pictorial Illustrations Still Improve Students' Learning From Text. *Educational Psychology Review*, Vol. 14, No. 1.
2. Springer, Steve, Alexander, Brandy and Persiani-Becker, Kimberly. (2010) *The Creative Teacher: An Encyclopedia of Ideas to Energize Your Curriculum*, McGraw-Hill, London.
3. Olin Shrum, Ellen. (2010). *Illustrations in Social Studies Textbooks, Grades One through Three*. University of Virginia.
4. Clarke, Alan (2001), *Designing computer-based learning materials*. England: Gower Publishing Limited.

گفت و شنود کلاسی ابزاری برای انسان سازی

قسمت اول

ملیحه راجی

مدیر گروه فلسفه برای کودکان در پژوهشگاه علوم انسانی

اشاره

دگرگونی‌های مهمی که امروزه در نظام‌های آموزش و پرورش جهان شاهد آن هستیم، ریشه در تغییر نگرش نسبت به انسان و جایگاه او در جهان دارد که خود متعاقباً به بازتعریف نقش و جایگاه دانش آموز و آموزگار در مقام یادگیرنده و یاددهنده، مناسبات بین آن دو و در نهایت به دگرگونی روش‌های تدریس در نظام‌های آموزشی و شکل‌گیری الگو در آموزش و پرورش انجامیده است. این الگو با رویکردی نوین به آموزش و پرورش کودک و نوجوان، یادگیرنده یا دانش آموز را موجودی منحصر به فرد و یگانه می‌داند که سرشار از کنجکاوی و برخوردار از عقلانیت است. او طالب حق پرسشگری، اندیشه‌ورزی و سنجشگری و خواهان آن‌گونه روش‌های آموزشی است که متضمن خلاقیت، خودشکوفایی و خلق هر چه بیشتر معنا در او باشد (لیپمن، ۱۹۸۰). در چنین سرمشقی نقش سنتی آموزگار دیگر پاسخگوی چنین انتظاراتی نیست. او نیز باید به روش‌هایی مجهز شود که به کمک آن‌ها بتواند تعامل و مشارکت هر چه بیشتر دانش‌آموزان را فراهم سازد و به فضای ملالت‌آور و ساکن کلاس‌های درس نشاط و جان بیشتری بخشد. بدیهی است، در این راستا مناسبات معمول بین آموزگار و دانش آموز از قالب آمرانه و یکسویه خارج می‌شود و شکلی تعامل‌گرا، گفت‌وگومدار و همدلانه به خود می‌گیرد که مستلزم میزانی از تواضع، اقرار نادانسته‌های خود، عشق و همدلی نسبت به دانش آموز و شنیده شدن از سوی آموزگار است (فریره، ۱۹۷۰). در این معنا، نقش آموزگار بیشتر تسهیل‌گری است. او باید در برابر هر گونه تغییر، اصلاح و توضیحی تسلیم باشد. دانش آموز نیز بیش از آنکه دریافت‌کننده مطالب از پیش تعیین‌شده‌ی آموزگار باشد، فردی است که فعالانه در تعیین محتوا و فرایند آموزشی سهیم است. او به زودی درمی‌یابد، آنچه در این شکل از آموزش از او انتظار می‌رود تفکر و تعمق و خلاق بودن است تا پذیرندگی صرف. فرایند آموزشی مبتنی بر فهم و دریافت ارتباطاتی است که درون و مابین موضوعات تحت بررسی وجود دارد، و نه کسب صرف اطلاعات. آموزش شکل کندوکاوی را به خود می‌گیرد که بر مدار گفت و شنود دانش‌آموزان با یکدیگر و با آموزگار می‌چرخد.

از آن‌جا که شیوه‌ی گفت‌وگو در رویکردهای فلسفی - تربیتی چندی مورد تأکید قرار گرفته که جامعه‌ی ما نیز از تأثیرات بالقوه‌ی آن‌ها برکنار نبوده است، این مقاله بر آن است که جدا از هر گونه رویکرد تربیتی که چنین شیوه‌ای را به کار می‌گیرد، خطوطی کلی از اهمیت این شیوه‌ی آموزشی، امتیازات و محدودیت‌های آن، و ویژگی‌های گفت‌و شنود کلاسی موفق را برای آموزگاران ترسیم کند تا آنان بتوانند آن را همچون راهنمایی، با هر نوع محتوای آموزشی به کار گیرند.

کلیدواژه‌ها: گفت‌وگوی کلاسی، یادگیری گروهی، رهبری بحث

اهمیت گفت‌وگوی کلاسی

در بیان اهمیت گفت‌وگوی کلاسی می‌توان مواردی به شرح زیر برشمرد:

انسان‌ها می‌توانند به کمک گفت‌وگو رویدادها را به شکل شفاهی پردازش کنند.

گفت‌وگو شکلی مشهود و عینی به تفکر فرد می‌دهد.

گفت‌وگو شیوه‌ای برای آزمودن و کشف آرا و اندیشه‌های جدید است.

گفت‌وگو به دانش‌آموزان کمک می‌کند شناخت و دریافتی از دیدگاه‌های مختلف به دست آورند.

گفت‌وگو باعث افزایش آگاهی و شکیبایی دانش‌آموزان در برابر پیچیدگی مسائل می‌شود.

دانش‌آموزان به کمک گفت‌وگو بر فرضیات خود واقف و آن‌ها را تحقیق و بررسی می‌کنند.

گفت‌وگو دانش‌آموزان را به گوش دادن دقیق و مؤدبانه تشویق می‌کند و باعث افزایش تیزذهنی می‌شود.

در فرایند گفت‌وگو، دانش‌آموزان با موضوع یا مبحثی خاص مرتبط می‌شوند.

گفت‌وگو باعث رشد قابلیت ارتباط و مفاهیمی تمام‌عیار آرا و معنا می‌شود.

گفت‌وگو عادات یادگیری گروهی را پرورش می‌دهد.

گفت‌وگو به دانش‌آموزان کمک می‌کند مهارت‌های تلفیق و ترکیب را به دست آورند.

فایده‌های روش گفت‌وگو در آموزش

● **تأکید بر یادگیری به جای آموزش.** روش گفت‌وشنود بر فعالیت دانش‌آموز به صورت گفت‌وگو تأکید دارد نه صرفاً بر ارائه‌ی درس و سخنرانی توسط آموزگار. از این رو، بهتر است هر آموزگاری لااقل بخشی از کلاس درس خود را به گونه‌ای سازمان دهد که دانش‌آموزان در باب موضوع تدریس شده به گفت‌وگو بنشینند.

● **مشارکت تمام دانش‌آموزان در کلاس.** در روش گفت‌وشنود هر دانش‌آموز فعالانه با یادگیرنده‌ای در کلاس درس مشارکت دارد. از این رو می‌اندیشد و نظرات خود را بیان می‌کند. این شیوه برای یادگیری مطمئن است.

● **رشد و گسترش شیوه‌ی مردمی تفکر.** از آن جا که در این شیوه‌ی آموزشی هر فردی در گفت‌وگو مشارکت می‌کند و آرا و نظراتش مورد احترام جمع قرار می‌گیرد، لذا این روش در راستای رشد تفکر و تصمیم‌گیری به شیوه‌ی آزاد است و زمینه‌ساز تربیت شهروندانی بردبارتر است که خود را ملزم به رعایت حقوق دیگران می‌دانند.

● **یادگیری ژرف‌اندیشی.** از آن جا که مسائل و موضوعاتی که در بحث و گفت‌وگو مطرح می‌شوند می‌توانند از مسائل و مشکلات دانش‌آموزان درباره‌ی مسائل تاریخی-اجتماعی و فرهنگی جامعه‌شان برخاسته باشند. آنان با اندیشه در باب باورها و نظرات خود و هم‌کلاسی‌هایشان تعمق و ژرف‌اندیشی را فرامی‌گیرند. این به نوبه‌ی خود به فهم عمیق‌تر مسائل مطرح شده می‌انجامد.

● **یادگیری ابراز وجود.** در جریان گفت‌وگو از دانش‌آموزان خواسته می‌شود آرا و نظرات خویش را موجز و روشن بیان کنند. این آزادی بیان فرصتی کافی برای یادگیری ابراز وجود به دست می‌دهد.

● **جالب و گیرا شدن یادگیری.** آموزگار می‌تواند با به کارگیری روش گفت‌وگو، یادگیری برخی از درس‌های خسته‌کننده را برای دانش‌آموزان دلچسب‌تر کند. تجربه‌های برخی از آموزگاران نشان

می‌دهد، چنانکه دانش‌آموزی
با ماده‌ی درسی پیوند
برقرار نکند، درس
برای او ملالت‌بار و

فهم آن برایش دشوار خواهد بود.

اما روش گفت‌وگو به نوبه‌ی خود محدودیت‌هایی دارد.

- تمام موضوعات را نمی‌توان با این شیوه به دانش‌آموزان آموخت.
- این روش را نمی‌توان برای آموزش دانش‌آموزان خردسال به کار گرفت.
- برخی از دانش‌آموزان ممکن است از قواعد گفت‌وگو تبعیت نکنند.
- در حالی که برخی از دانش‌آموزان درصدد هستند گفت‌وگو را تحت‌الشعاع خود قرار دهند، سایر دانش‌آموزان ممکن است از مشارکت در گفت‌وگو بپرهیزند.

- هر آموزگاری ممکن است توانایی هدایت و رهبری بحث و گفت‌وگوی کلاسی را نداشته باشد.

ویژگی‌های کلاس یا حلقه‌ی گفت‌وشنودی کارآمد

کلاس گفت‌وشنود کارآمد کلاسی است که دانش‌آموزان بتوانند در آن به ابداع، خلق، تخیل، خطرپذیری و کندوکاو برای معناهای عمیق‌تر دست یازند. این شرایط تنها در کلاس‌هایی مهیا می‌شود که دانش‌آموزان در آن‌ها احساس امنیت کنند و بتوانند به راحتی نظرات خود را بیان کنند. آموزگاران قادرند چنین شرایطی یا فضاهایی را برای دانش‌آموزان خلق کنند، به شرطی که به شرایط اساسی آموزش تعاملی واقف باشند. برای ایجاد چنین شرایطی **واسرمان** چند رهنمود به دست می‌دهد که فهرست‌وار به این شرح هستند:

۱. گوش دادن، توجه کردن، فهمیدن.
 ۲. وضوح بخشیدن به آنچه منظور دانش‌آموزان است.
 ۳. زمان دادن به دانش‌آموزان.
 ۴. ارج نهادن به آرای دانش‌آموزان.
 ۵. تن در دادن به گفت‌وگوهای بی‌قطعیت.
 ۶. آموزش کلاس متعادل.
- در شماره‌ی بعد، قسمت دوم و پایانی این مقاله را بخوانید.



شیرینی یک پیروزی تلافی صد شکست

اشتباه؛ فرصت آموزشی منع شده

گردآوری و ترجمه‌ی: زری آفاجانی

داشته باشد. غالباً آموزگاران دانش‌آموزان را وادار می‌کنند دوباره و از اول شروع کنند. این کار خسته کننده است و به جای حل مسئله، مسئله‌گریزی به بار می‌آورد. بهتر آن است که در پاسخ‌های دانش‌آموزان کنکاش کنید و در آن‌ها ارتباطی هر چند جزئی با جواب درست پیدا کنید تا باعث دلگرمی و یادگیری آنان بشود. در زندگی انسان‌ها، چه کوچک و چه بزرگ، این یک اصل است که همیشه امکان اشتباه وجود دارد. در روال عادی زندگی، اشتباه برای ما روزمره شده است، اما در دایره‌ی آموزش، مانند یک گناه به آن می‌نگریم. با عادی‌سازی ارتکاب اشتباه در آموزش، به یاری دانش‌آموزان بیابید و باب گفت‌وگو را با آنان باز کنید. در چنین مواقعی، دانش‌آموزان به آموزگار حمایت‌کننده بیشتر از آموزگار ملامت‌کننده نیاز دارند. نکته‌ی جالبی که آموزگاران باید به آن توجه کنند، این است که سطح سواد و آگاهی به مقدار اشتباه ربطی ندارد. زمانی که مسئله‌ای را برای دانش‌آموزان طرح می‌کنید، به دنبال چه هدفی هستید؟ آیا فقط سطح دانش آنان را کنترل می‌کنید یا اهداف دیگری هم دارید؟ از اشتباه هم می‌توانید برای شناسایی اهداف آموزشی کمک بگیرید. غالباً در بطن اشتباه، یادگیری نهفته است. اشتباه شاگردان موجب بی‌اشتباهی هم‌سالان دیگر می‌شود. فرصت اشتباه کردن در ایجاد دیدگاه‌هایی برای حل مسئله بسیار کارساز است، زیرا تقویت خطاها به یادگیرنده فرصت می‌دهد بفهمد و

به یاد آورد چه چیزی را نباید انجام می‌داده است. شاید دقت کرده باشید که دانش‌آموزان حین بازی از اشتباه و شکست مأیوس نمی‌شوند و دوباره شروع می‌کنند. با استفاده از راهکار بازی در نظام آموزش یاد می‌دهیم که شکست بخوریم و دوباره شروع کنیم! با ذکر شکست‌های حماسی که در نهایت به موفق شدن

«تمام موفقیت‌های عظیم بر پایه‌ی شکست بنا شده‌اند» فلورانس اسکاول شن در تمام سال‌های تحصیل در جایگاه دانش‌آموز، از «اشتباه کردن» وحشت داشتیم و نگران تحقیر و تنبیه و گرفتن نمره‌ی تک بودیم. همین نگرانی‌ها همه‌ی توانایی‌های ما را دچار ضعف و بی‌اعتمادی می‌کرد. سال‌ها گذشت. در مقام آموزگار نیز به شاگردانمان اجازه‌ی اشتباه کردن نمی‌دادیم. باز هم از بی‌سواد ماندن شاگردانمان، نمودار پیشرفت تحصیلی و پاسخ‌گویی به مدیر مدرسه و اولیا وحشت داشتیم! به دلیل اینکه جرئت اشتباه کردن به ما داده نشد، ما هم راه و رسم جرئت‌بخشی را نیاموختیم! راستی مگر نه این است که انسان با اشتباه کردن می‌آموزد. اگر خطا نبود، چگونه صواب فرصت شدن پیدا می‌کرد؟

اشتباه‌ها، فرصت‌هایی برای یادگیری

آلبرت اینشتین متوجه شد که شکست بخش اجتناب‌ناپذیر اختراع است. در نقل‌قولی از وی آمده است: «کسی که هرگز اشتباه نکرده است، نمی‌تواند اختراع تازه‌ای انجام دهد.» دانش‌آموزان به همان اندازه که دچار مشکل می‌شوند، همان قدر هم می‌آموزند. بنابراین، اشتباهات دانش‌آموزان نباید عامل حقارت آنان شود. از آنجا که مینای پیدایش تمام اشتباه‌ها از ابتدا تصور «درست» بوده است، هر یک از ما اگر از اول «درست» را می‌دانست، به‌طور قطع مرتکب اشتباه نمی‌شد.

قصد آن نداریم که به حیطه‌ی فلسفه وارد شویم، هدف این است که بدانیم «اشتباه کردن» حق دانش‌آموزان است. همه می‌دانیم که زندگی پر از «برد و باخت» است، اما نباید با تعصب به «بردن» اندیشید و «باختن» را نوعی شکست و تحقیر تلقی کرد. نحوه‌ی نگرش آموزگاران به «باخت» بسیار تعیین‌کننده است؛ نگرش مثبت و استقبال از آن به مفید و سازنده بودن و نگرش منفی و طرد آن به یأس و تحقیر منجر می‌شود.

زمانی که دانش‌آموزان اشتباه می‌کنند، نحوه‌ی برخورد با آنان به مراتب از خود اشتباه مهم‌تر است. در این زمان، عملکرد آموزگار می‌تواند در توانمندسازی یا تخریب توانایی دانش‌آموز تأثیر جدی



این کار باعث می‌شود آنان بفهمند که اشتباه بخشی از زندگی همه‌ی افراد است. دانش‌آموزانی که با چالش‌ها مواجه می‌شوند و پیروز بیرون می‌آیند، نه تنها تاب‌آوری را می‌آموزند، بلکه در آینده جزو افراد موفق نیز می‌شوند.

چند نکته برای رویارویی با اشتباه‌های دانش‌آموزان

- دانش‌آموزان را نه به‌خاطر اشتباهشان، بلکه به‌خاطر تلاشی که برای برطرف‌سازی و حل آن انجام می‌دهند تحسین کنید.
- آنان را به چالش بیندازید تا بیندیشند و برای رفع مشکل و اشتباه ریشه‌های ناآگاهی را ترمیم سازند.
- برای آن دسته از دانش‌آموزانی که فعال نیستند، مسائل بحث‌برانگیز و تفکرساز طرح کنید و آن‌ها را به چالش بکشید.
- شاید تصور شما برای هم برای شما مضحک باشد، ولی گاهی درس را با طرح یک اشتباه شروع کنید. شک نکنید که اشتباه و شکست زمینه را برای رشد شناختی و بهتر دانش‌آموزان مهیا می‌سازند.
- سعی کنید بیشتر سؤال‌ها با «چرا» شروع شود، این کار باعث تفکر عمیق و یادگیری معنادار در شاگردان می‌شود.
- از نگرش آنان در مورد اشتباه کردن آگاه شوید، بدین صورت که از آنان بخواهید تمام مواردی را که در آن دچار اشتباه می‌شوند، در نظر بگیرند و بگویند قبل از اشتباه و بعد از آن چه احساسی داشتند. بدین ترتیب، گره‌های روانی آنان در اشتباه کردن یکی‌یکی باز می‌شوند و ترسشان برطرف می‌شود.
- توجه دانش‌آموزان را به جزئیات جلب کنید. پاسخ معمولاً در جزئیات نهفته است.
- دانش‌آموزان را در مسائل ناشناخته غوطه‌ور سازید.
- گاهی معلمان به‌طور ذاتی مانند والدین، حمایت‌گرایانه رفتار می‌کنند.
- همه‌ی افراد عذرخواهی کردن را بلد نیستند. به همین دلیل، دوستان و آشنایان زیادی را در زندگی از دست می‌دهند. عذرخواهی کردن را آموزش دهید. برای این کار ابتدا از خودتان شروع کنید.
- به آنان بیاموزید که ناامید نشوند و دوباره سعی کنند.
- نباید فقط اشتباه را دید و نقل کرد، بلکه باید روی آن تمرکز داشت و دقت کرد و راه‌های یادگیری از آن را آموخت.
- به آنان فرصت بدهید مسائل را به شیوه‌ی خودشان حل کنند. این کار باعث می‌شود احساس قدرت کنند و از همه‌ی توان خود برای رسیدن به جواب درست استفاده کنند.
- نقاط قوت دانش‌آموزان را در شرایط متفاوت به آنان یادآوری کنید. مطمئن باشید بازخورد آن را در طی فرایند یاددهی-یادگیری دریافت می‌کنند.

انجام‌دهنده، دانش‌آموزان را به دست‌وپنجه نرم کردن با مشکلات تشویق کنیم. چالش‌هایی را که نمی‌دانیم پاسخ دارند یا خیر، مطرح سازیم و موفقیت‌ها و شکست‌ها را با یکدیگر تقسیم کنیم. به این ترتیب، علاوه بر همراهی، معلم بهتری برای دانش‌آموزان می‌شویم.

عملکرد آموزگاران در برخورد با «اشتباه»

آموزگاران غالباً اشتباه کردن را تقبیح می‌کنند، شاگردان را از آن منع و به هر وسیله‌ای از آن دور می‌کنند. بدین ترتیب، به دانش‌آموزان یاد می‌دهیم اشتباه را عین «شکست» تلقی کنند و شکست را هم ناپودی! اگر قرار است به دانش‌آموزان یاد دهیم که اشتباه خود بیاموزند، ابتدا باید نگرش آنان را به شکست تغییر دهیم و به آنان بیاموزیم که شکست را طور متفاوتی ببینند. باید به آن‌ها بیاموزیم که «اشتباه‌ها فرصت‌هایی برای آموختن هستند». برای مثال، از دانش‌آموزان بخواهید برای پاسخ‌های اشتباه، سؤال مناسب طرح کنند تا بدین ترتیب پاسخ اشتباه درست از آب دربیاید. یا با دیدگاهی منعطف، پاسخ غلط را «مثال نامناسب» تلقی کنید و از دانش‌آموزان بخواهید مثال مناسب با سؤال شما را پیدا کنند. نکته‌ی شگفت‌آور در مورد اشتباهات این است که آن‌ها از همان ابتدا آموزنده‌اند. ما آموزگاران همه‌ی تلاشمان را به کار می‌بندیم که شاگردانمان اشتباه نکنند. غافل از اینکه خود اشتباه درس‌هایی در بطن خود دارد که در هیچ برنامه‌ی درسی قصد نشده است! هر وقت به اشتباه و شکست فکر می‌کنیم، ناخودآگاه نمره‌ی پایین در ذهن نمودار می‌شود، درحالی که اشتباه شاگردان معطوف به نمره نیست و شامل مخاطرات دیگر نیز می‌شود؛ مانند حل تکالیف و اوقات فراغت یا زنگ تفریح. در هر حال، اشتباه و اشتباه کردن بخشی از زندگی هستند و بیشتر افراد به دلیل ضعف نمی‌خواهند درباره‌ی اشتباه‌هایشان فکر کنند.

به‌عنوان آموزگار بدانید که از هر ۱۰ شکست پی‌درپی دانش‌آموزان، فقط اگر یک مورد موفق باشد، اثرگذارترین نقش یادگیری را در روح و جان آنان خواهد گذاشت. به‌عنوان معلم، خاطرات خود را در مواجهه با اشتباه‌های زندگی و درسی با دانش‌آموزان مطرح کنید.



منابع

1. www.innovationexcellence.com
2. www.nctm.org
3. www.edutopia.org

کتاب ممنوع

ایجاد علاقه به مطالعه با منع آن



پروین نقیبه‌نساب
دبستان شهید پرتانیان، سبزوار

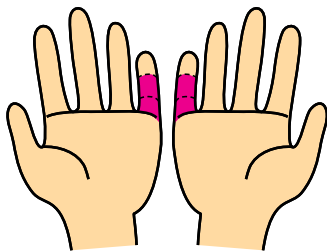
آن برای خودم کردم. در بعضی از قسمت‌های آن، عکس‌عملی متناسب با داستان از خود نشان می‌دادم تا اینکه نظر بچه‌ها به من جلب شد و از من خواستند کتاب را برای آن‌ها هم بخوانم و من از این کار امتناع کردم. خواستند کتاب را در اختیار آن‌ها قرار دهم، باز هم امتناع کردم. مدتی این کار را ادامه دادم. روز به روز حرص و ولع و علاقه‌ی بچه‌ها به خواندن کتاب‌های قفسه بیشتر می‌شد و من همچنان از دادن آن‌ها به بچه‌ها خودداری می‌کردم، تا اینکه بعد از چند هفته متوجه شدم آن‌ها به دیدن و خواندن رغبت زیادی نشان می‌دهند. آن موقع بود که به بچه‌ها کتاب دادم، ولی با زمان بسیار محدود. مدتی به این ترتیب با آن‌ها رفتار کردم تا اینکه در پایان سال شاهد خوانده شدن بسیاری از کتاب‌های قفسه شدم.

چند سالی است که در پایه‌ی دوم تدریس می‌کنم. به دلیل اینکه در کتاب فارسی به درست کردن کتابخانه‌ی کلاسی تأکید شده است، من نیز هر سال با کمک دانش‌آموزان کتابخانه‌ی کوچک در کلاس‌مان درست می‌کردم، ولی شور و شوق زیادی در بچه‌ها برای مطالعه‌ی کتاب نمی‌دیدم. آخر هر هفته، وقتی به آن‌ها کتابی به امانت می‌دادم، رغبت چندانی برای خواندن از خود نشان نمی‌دادند. راه‌های متعددی را برای علاقه‌مند کردن آن‌ها امتحان کردم، ولی دوام چندانی نداشتند. هدف من این بود که در درازمدت دانش‌آموز خودش کتاب را از من مطالبه کند. تا اینکه راهکاری در ذهنم جرقه زد. اتفاقاً درست در مقابل کلاس من قفسه‌ی کتابی وجود داشت که در آن بسته بود. یک روز یکی از کتاب‌های داستان آن را برداشتم و در کلاس هنر شروع به خواندن

ریاضی بند انگشتی

در پایه‌ی چهارم

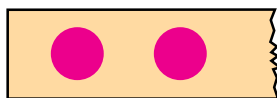
معصومه ابراهیمی



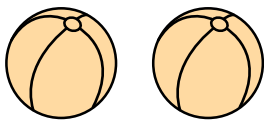
آموزگار: $\frac{2}{3}$ شش تا برابر است با چند تا؟
دانش‌آموزان: $\frac{1}{3}$ شش تا برابر است با ۴ تا.
آموزگار: آفرین، پس چه کسری از شش تا برابر است با ۴ تا؟

$$\square \times 6 = 4$$

دانش‌آموزان: $\frac{2}{3}$ شش تا
نکته: آموزگار در هر مرحله از دانش‌آموزان می‌خواهد پای تخته فرایند پرسش و پاسخ خود را به صورت عبارت جبری پای تخته بنویسند.
نکته: تمرین ارائه شده در کتاب پایه‌ی چهارم (فصل ۲ صفحه‌های ۳۳ و ۴۰) هم می‌تواند به درک بیشتر کمک کند.
دقت کنید، $\frac{1}{3}$ شکل بریده شده است. کل شکل از چند دایره تشکیل شده است؟



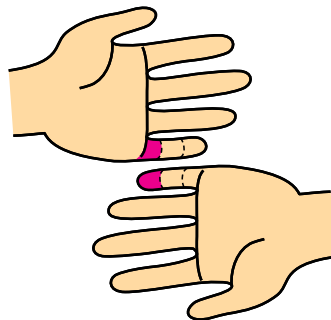
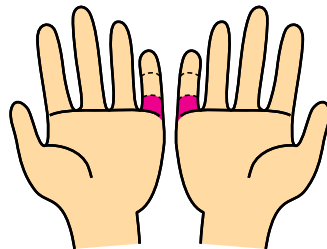
یا
مهدی تعدادی توپ دارد. $\frac{1}{3}$ توپ‌های او را در شکل می‌بینید. مهدی چند توپ دارد؟



پی‌نوشت

۱. کمک به کودکان در یادگیری ریاضی. ترجمه مسعود نوروزیان، (۱۳۹۱)، انتشارات مدرسه.

ماژیک رنگ کنند. سپس هر دو انگشت را کنار هم بگذارند و به سؤالات آموزگار گوش دهند.
توجه: آن‌ها می‌توانند خط‌های بند انگشت کوچک خود را پر رنگ کنند و به دو شکل کنار هم قرار دهند.



آموزگار از آن‌ها می‌خواهد بگویند چند بند انگشت در دو انگشت کوچک خود می‌بینند؟
دانش‌آموزان: ۶ تا
آموزگار: آفرین ۶ تا. چند چندم آن را رنگ کرده‌اید؟

دانش‌آموزان: $\frac{1}{3}$
آموزگار: $\frac{1}{3}$ شش تا برابر است با چند تا؟
دانش‌آموزان: $\frac{1}{3}$ شش تا برابر است با ۲ تا.
آموزگار: خوب حالا از هر انگشت کوچک خود ۲ تا بند رنگ کنید و به سؤالات من پاسخ دهید.

حالا چند چندم هر انگشت را رنگ کرده‌اید؟
دانش‌آموزان: $\frac{2}{3}$

هدف: آشنایی با دست‌ورزی برای درک مفهوم ضرب کسر در عدد

کسرها و اعداد اعشاری برای بسیاری از دانش‌آموزان مانند سنگ‌هایی لغزنده هستند. ممکن است یک دلیل این امر این باشد که ما با شتاب به سوی نمادین کردن اعمال و استفاده از آن‌ها پیش رفته‌ایم، بدون اینکه زیربنایی قوی از مفهوم اعداد و اعمال داشته باشیم (نوروزیان، ۱۳۹۱: ۲۲۸).

در بیشتر برنامه‌های درسی ابتدایی معانی متعددی از کسر (جزء و کل، خارج قسمت، نسبت و عملگرا) وجود دارند. در فصل دوم ریاضی چهارم، شاهد تمام معانی کسر هستیم. در این بین، یکی از پرچالش‌ترین معانی، معنی عملگرا بودن کسر در ضرب است. وقتی از دانش‌آموزی می‌خواهیم که بگوید مثلاً چه کسری از ۶ تا برابر است با ۴ تا، می‌بینیم که او درک اندکی از این معنی دارد و نمی‌تواند آن را تشخیص دهد و بازگو کند. دست‌ورزی ارائه شده در این بخش به درک بچه‌ها در این حیطه کمک می‌کند.

وسایل لازم: یک جفت دستکش یکبار مصرف، خودکار یا ماژیک

روش

آموزگار از دانش‌آموزان می‌خواهد قبل از دست کردن دست‌کش‌ها، بگویند هر انگشتشان چند بند دارد؟ پس از شنیدن پاسخ از طرف آن‌ها، اشاره می‌کند که دستکش‌ها را دست کنند. حین دست کردن دستکش‌ها، تکرار می‌کند پس هر انگشت دست ۳ بند دارند (به جز انگشت شست).

حالا از آن‌ها می‌خواهد به ۲ انگشت کوچک خود خوب نگاه کنند و از هر انگشت، یک بند را با

آموزگاران و توسعه‌ی سواد حرکتی دانش‌آموزان

محسن وحدانی
دکتر مهرزاد حمیدی

کودکانی که از نظر مهارتی و جسمانی غالباً ماهر هستند، از بازی لذت بیشتری می‌برند. این در حالی است که در سمت مخالف، کودکانی که توانایی و مهارت کمتری دارند، برای اصلاح و توسعه‌ی مهارت‌های خود فرصت کمتری دارند و به‌خاطر شکست و موفق نشدن از تلاش دست برمی‌دارند و اعتمادبه‌نفس و انگیزه‌شان کاهش می‌یابد. برای جلوگیری از این مشکل به توسعه و ارتقای سطح سواد حرکتی در دانش‌آموزان نیازمندیم.

این کار مستلزم همکاری همه‌ی افراد از جمله اولیا، مدیران و کارکنان مدرسه، انجمن‌های ورزشی، مدیران باشگاه‌ها و همه‌ی افراد درگیر است. آموزگاران نیز در این‌باره نقش مهمی ایفا می‌کنند.

آنچه آموزگاران باید بدانند؟

بازه‌ی سنی ۶-۹ سال برای پسران و ۴-۸ سال برای دختران، مرحله‌ای مهم برای یادگیری مهارت‌های بنیادین و توسعه‌ی سواد حرکتی است. در این‌باره آموزگاران نقش بسیار مهمی را می‌توانند

اشاره

سواد حرکتی ترکیبی از تسلط بر مهارت‌های بنیادین حرکتی و مهارت‌های اساسی ورزشی است که کودک را قادر می‌سازد حرکات مداوم محیط پیرامونش را نگاه کند و تصمیم‌گیری دقیقی براساس درکش از محیط داشته باشد. برای توسعه‌ی سواد حرکتی در کودکان، تسلط بر مهارت‌های حرکتی بنیادین نیاز است، اما دستیابی به این تسلط در همه‌ی آنان و به یکباره به‌وجود نمی‌آید. یادمان باشد، کودکان «بزرگسالان کوچک» نیستند، بلکه توسعه‌ی هر مهارت براساس گام‌ها و مراحل از رشد آنان صورت می‌گیرد. در دوره‌ی اول ابتدایی توصیه این است که برای توسعه‌ی سواد حرکتی دانش‌آموزان، هر روز آنان را به انجام بازی‌های بدون ساختار تشویق کنید.

کلیدواژه‌ها: سواد حرکتی، مهارت‌های

حرکتی بنیادین، دوره‌ی اول ابتدایی

مهارت‌های بنیادین حرکتی

برای داشتن جامعه‌ای سالم و فعال از کودکان، نیازمند رعایت اصول دقیق مهارت‌های ورزشی و حرکتی هستیم. این اصول «سواد حرکتی» نام دارند. سواد حرکتی توسعه‌ی مهارت‌های بنیادین حرکتی و ورزشی است که به کودک اجازه می‌دهد با انگیزه، اعتمادبه‌نفس و کنترل شده، طیفی وسیع از فعالیت‌های بدنی و موزون ورزش را انجام دهد و در برابر شرایط

محیطی موجود واکنش مناسب نشان دهد. یادگیری و تمرین مهارت‌های حرکتی بنیادین مبنای توسعه‌ی سواد حرکتی است. سواد حرکتی شرایط مورد نیاز کودک را برای توسعه‌ی موفقیت‌های ورزشی و دستیابی به سبک زندگی سالم‌تر فراهم می‌کند. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد، بدون توسعه‌ی سواد حرکتی، کودکان و نوجوانان در اوقات فراغت از فعالیت بدنی دور می‌شوند و سرگرمی‌ها و بازی‌های غیرفعال را انتخاب می‌کنند. غالباً دانش‌آموزان به آموزگاران می‌گویند که نداشتن مهارت برای بازی، دلیل اصلی دوری آنان از ورزش و فعالیت بدنی است.



ایفا کنند. توسعه‌ی مهارت کودکان در این سن، بهتر است از طریق ترکیبی از بازی‌های بدون ساختار در محیطی امن و با استفاده از طرح‌های چالش‌برانگیز صورت گیرد. هدف از این مرحله آن است که مهارت‌های حرکتی بنیادی، قبل از مهارت‌های ویژه‌ی رشته‌های ورزشی، تمرین شوند. تشویق برای مشارکت در طیف عظیمی از فعالیت‌های بدنی لازم است. مهارت‌های حرکتی بنیادین که «ABCS» ورزشی نامیده می‌شوند، چابکی، تعادل، هماهنگی و سرعت را در برمی‌گیرند که در این مرحله انجام می‌شوند. اگر کودکان در رشته‌ای خاص مشغول فعالیت هستند، مشارکت آن‌ها یک یا دو بار در هفته توصیه می‌شود. اما شرکت در ورزش‌های دیگر، برای توسعه‌ی مهارت‌های چندگانه، ضروری است. یادتان باشد، کودکان را هر روز به شرکت در بازی‌های بدون ساختار با دوستانشان تشویق کنید. حضور پدر و مادر و معلم در برنامه‌های تربیت‌بدنی مدرسه، به‌عنوان حامی، نقش بسیار انگیزاننده‌ای دارد.

برنامه‌هایی که آموزگاران می‌توانند پیاده‌سازی کنند

۱. فعالیت در برخی از رشته‌های پایه: فعالیت در رشته‌هایی از جمله ژیمناستیک، دو، شنا و دوچرخه‌سواری توصیه می‌شود. ژیمناستیک باعث افزایش تعادل، هماهنگی و سرعت در کودکان می‌شود. دوومیدانی باعث افزایش فاکتور سرعت و هماهنگی است. شنا علاوه بر توسعه‌ی اعتمادبه‌نفس در کودکان، به توسعه‌ی تعادل و هماهنگی منجر می‌شود. دوچرخه‌سواری هم توسعه‌ی تعادل و سرعت را در پی دارد.

۲. فعالیت‌های ماجراجویانه: این برنامه‌ها می‌تواند با توجه به خلاقیت معلم صورت گیرند و بهتر است در فضاهای باز و مفرح مانند پارک و فضاهای طبیعی انجام پذیرند. این فعالیت‌ها می‌توانند شامل برنامه‌های زیر باشند:

- غلبه بر چالش‌های طبیعت فیزیکی یا حل مسئله‌ای به‌صورت انفرادی و گروهی
- تعیین مهارت‌های ضروری برای فعالیت‌هایی که آن‌ها انجام می‌دهند، مانند

روبه‌رو هستند. به همین منظور، طرح «منطقه» در جهت استفاده‌ی دانش‌آموزان از مناطق باز و فضاهای آزاد همچوار، به توسعه‌ی بازی در مدارس و کاهش حوادث روزانه کمک شایان توجهی می‌کند.

۷. طرح حیاط پویا: فعالیت‌های بدنی بدون ساختار و غیررسمی مانند زنگ تفریح در از بین بردن استرس و فشارهای روانی نقش زیادی دارند و می‌توانند در پیشرفت تحصیلی نیز مؤثر باشند. بازی در زنگ تفریح در مدارس می‌تواند بین ۱۷ تا ۴۴ درصد از فعالیت‌های فیزیکی روزانه‌ی هر کودک را در برگیرد. این میزان فعالیت می‌تواند کمک قابل توجهی در توسعه و ارتقای سواد حرکتی و سلامت وی باشد. طرح حیاط پویا شامل ترسیم خط‌ها، شکل‌ها و جدول‌هایی بر کف حیاط و دیوارهای محیطی مدرسه است.

خواندن قطب‌نما، بستن طناب یا ساخت پناهگاه

● شناخت و یادگیری چگونگی انجام کارها به‌صورت ایمن و توجه به حفظ محیط‌زیست در زمان انجام فعالیت‌ها

● انجام مهارت‌های حرکتی در محیط‌های آشنا و ناآشنا

۳. فعالیت‌های رقابتی: فعالیت‌های

رقابتی به‌منظور رقابت بین یک فرد، گروه یا تیم با دیگران صورت می‌گیرند. اصول زیربنای استفاده از این نوع از فعالیت‌ها به‌طور کلی راهبردی و راهکاری و شامل رقابت در برابر دیگران است. یادتان باشد، رقابت را بدون در نظر گرفتن نمره برنامه‌ریزی کنید.

۴. ورزش صبحگاهی: این کار می‌تواند همراه با موزیک و همراهی مربی و معلم باشد و توسعه‌ی جنبش حرکتی در دانش‌آموزان و نشاط و شادابی در شروع کلاس‌های درسی را در پی داشته باشد.

۵. بازی برای یادگیری: این کار از طریق بازی‌های الکترونیکی و داستان‌های الکترونیکی در جهت آموزش و یادگیری مهارت‌های اساسی صورت می‌گیرد. این فعالیت‌ها را که با یادگیری آموزشی در علوم دیگر مانند ریاضیات، علوم و فارسی همراه می‌شود، می‌توان همراه با نرم‌افزارهای مخصوص در کلاس اجرا کرد.

۶. فعالیت در منطقه‌ی باز: بسیاری از دبستان‌ها به‌دلیل کوچکی حیاط و کمبود جا در ساعات بازی بچه‌ها، با حوادث زیادی

منابع

1. Castelli, D. M., Centejo, E. E., Beighle, A. E., Carson, R. L., & Nicksic, H. M. (2014). Physical literacy and comprehensive school physical activity programs. *Preventive medicine*.
2. Erwin, H.E., Beighle, A., Morgan, C.F., Noiland, M., (2011), August. Effect of a low-cost, teacher-directed classroom intervention on elementary students' physical activity. *J. Sch. Health* 81.
3. Silverman, S., & Mercier, K. (2015). Teaching for physical literacy: Implications to instructional design and PETE. *Journal of Sport and Health Science*.
4. Whitehead, M., (2001). The concept of physical literacy. *Eur. J. Phys. Educ.* 6 (2).
5. Whitehead, M., (2010). *Physical Literacy: Throughout the Lifecourse*. Routledge, New York, NY. World Health Organization.

مددجویان و تقلاکنندگان ساکت

حل مشکلات دانش آموزان ابتدایی



افشین چمن آرا

کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی

در این زمان، جسی مدتی به خانم دانهام نگاه کرد. در حالی که به آرامی آه می‌کشید و در صندلی خود فرو رفته بود، مجدداً با اخم به پاسخ دادن به برگه‌ی امتحان ادامه داد. هنگامی که دانهام با جسی در مورد مطالب صحبت کرد، دریافت که او برای فهمیدن خودش را سرزنش کرده است. ولی الن پاهوش بود و هنگامی که خانم دانهام همان مطلب را به او گفت، مجدداً سؤال کرد و بالاخره پاسخ صحیح را دریافت. همان‌طور که جسی و الن نشان می‌دهند، پیامد و تجربه‌ی دانش‌آموزان در یک کلاس درس مشابه، غالباً تحت تأثیر طبقات اجتماعی آن‌ها قرار می‌گیرد و دانش‌آموزان با پیشینه‌های متفاوت، به شیوه‌های متفاوت با مسائل برخورد می‌کنند. یعنی بچه‌ها روش‌هایی را اتخاذ می‌کنند که برگرفته از خانواده و طبقه‌ی اجتماعی آن‌هاست.

طبقه‌ی اجتماعی موجب اختلاف در یادگیری و عملکرد والدین می‌شود

برای توضیح نقش طبقه‌ی اجتماعی دانش‌آموزان در کلاس درس، علمای تعلیم و تربیت به خانواده و مدارس آن‌ها اشاره می‌کنند. آموزگاران بهترین‌ها را برای دانش‌آموزان خود می‌خواهند، اما آن‌ها نیز با مشکلات بسیاری مواجه هستند و نمی‌توانند تضمین کنند همه‌ی شاگردانشان از فرصتی برابر برای موفقیت برخوردار باشند. برای مثال، می‌دانیم که دانش‌آموزان خانواده‌های طبقه‌ی پایین اجتماع غالباً به مدارس می‌روند که منابع محدودی در اختیار دارند. حتی در همان مدارس، بچه‌های طبقه‌ی متوسط به ثبت‌نام در مدارس با عملکرد تحصیلی بالاتر یا ملحق شدن به گروه‌های استعداد برتر گرایش دارند. همچنین، شواهدی وجود دارد که آموزگاران خواسته یا ناخواسته میان دانش‌آموزان فرق می‌گذارند و برای طبقه‌ی متوسط و بالا، نسبت به طبقه‌ی پایین امتیاز ویژه‌ای قائل‌اند. علاوه بر این، خانواده‌های طبقات متفاوت اجتماعی، نسبت به یادگیری بچه‌ها و کنش‌های حمایتی یکسانی ندارند. این تفاوت‌ها موجب برتری دانش‌آموزان طبقه‌ی متوسط نسبت به دانش‌آموزان طبقه‌ی کارگر می‌شود.

آنت لاریو در کتابش با عنوان «فایده‌ی خانه، طبقه‌ی اجتماعی و مداخله‌ی والدین در امر آموزش و پرورش دوره‌ی ابتدایی»

به دنبال توسعه و رشد علوم و ظهور جامعه‌شناسی آموزش و پرورش به عنوان یکی از شاخه‌های فرعی علوم اجتماعی و تلاش برای ایجاد زمینه و امکانات برابر برای آموزش همگان، پرداختن به عوامل اجتماعی مؤثر در پیشرفت تحصیلی افراد امری مهم دانسته می‌شود. پس اهتمام به موضوع آموزش و کیفیت آموزش که از اصول اساسی در فرایند توسعه و پیشرفت همه‌جانبه به‌شمار می‌آید، می‌تواند مبنا و زیربنای عدالت اجتماعی قرار گیرد.

در مدرسه میراث فرهنگی هر قوم می‌تواند بهتر از هر جای دیگر منتقل شود، و استعدادهای بالقوه‌ی دانش‌آموزان پرورش یابد و آنان برای شرکت فعال در جامعه آماده شوند. موفق نشدن نظام‌های آموزشی در انجام این رسالت، در بسیاری از مواقع به صورت افت یا شکست تحصیلی بروز می‌کند.

ایجاد تغییرات مطلوب در سازمان‌دهی ذهنی دانش‌آموزان، به منظور تحول در رفتار انسان‌هاست و مهم‌ترین نقشی که آموزگاران می‌توانند در این فرایند داشته باشند، توجه به فرهنگ و طبقه‌ی اجتماعی دانش‌آموزان و ایجاد محیطی مناسب برای رشد استعدادهای آن‌هاست. به این داستان توجه کنید: «صبح یک روز سرد زمستانی، دانش‌آموزان پایه‌ی پنجم ابتدایی در کلاس خانم دانهام مشغول دادن امتحان ریاضی بودند. جسی، دانش‌آموز خانواده‌ی طبقه‌ی پایین ساکن حومه‌ی شهر، در حالی که اخم کرده و روی میز خم شده بود، مرتب با مدادش روی کاغذ ضربه می‌زد. خانم دانهام در حین قدم‌زنی در کلاس، از بالای سر دانش‌آموزان، آن‌ها را می‌پایید. در این حالت متوجه جسی شد. کمی در کنار میز مکث کرد، خم شد و به آرامی گفت: «رو به راهی؟» جسی در حالی که چیزی از سؤال ۵ نمی‌فهمید، به بالا نگاه کرد و با اشاره به سؤال ۵، با تردید و آهسته گفت: «این را نمی‌فهمم.» خانم دانهام سری تکان داد و توضیح مختصری به او داد. پس از اتمام توضیح خانم دانهام، جسی مجدداً اخم کرد، اما خانم دانهام توجه‌ی نکرد. به محض اینکه خانم دانهام پاسخ دادن به جسی را تمام کرد، الین که دانش‌آموزی از طبقه‌ی متوسط اجتماع بود، دستش را بالا برد و با صدای بلند گفت: «خانم دانهام»، خانم دانهام فوراً به سمت الین رفت. الین پرسید: «سؤال ۵ چه معنایی می‌دهد؟» خانم دانهام همان توضیح مختصری را که به جسی داده بود، به الین داد، اما الین قانع نشد و پرسید: «آیا باید ضرب کنیم؟» خانم دانهام به سمت الین رفت و پهلوی او چمباتمه زد و توضیحات بیشتر و طولانی‌تری در مورد جزئیات داد.



سؤالات آن‌ها را بر تنبلی یا بی‌احترامی حمل کنند.

آموزگاران چگونه می‌توانند در این زمینه کمک کنند؟

دانش‌آموزان حمایت‌طلب طبقه‌ی متوسط با جلب توجه و درخواست کمک از آموزگاران خود، نسبت به هم‌کلاسی‌های طبقه‌ی پایین، کارشان را با سرعت و دقت بیشتری انجام می‌دهند و همین تفاوت به نتایج آموزشی نابرابر منجر می‌شود.

این تنها روش‌های برخورد بچه‌ها نیست که به نتایج نابرابر منجر می‌شود، بلکه بیشتر پاسخ‌های آموزگاران به این روش‌هاست که چنین پیامدی در پی خواهد داشت. جو مدرسه و فشارهای کاری طول‌روز، مانع از بروز حمایت و کمک یکسان نسبت به همه‌ی دانش‌آموزان می‌شود یا کار را مشکل می‌سازد. آموزگاران گاهی می‌گویند: «ما دائماً درگیر پاسخ‌گویی به انجام کارهای کتبی، تغییرات برنامه‌ی درسی و شرکت در جلسات متعدد هستیم.» یکی از آن‌ها می‌گوید: «نه اینکه نخواهیم اهمیت بدهیم، موضوع این است که تمام مدت سرمان شلوغ است و داریم کارهایی انجام می‌دهیم و با درخواست‌های بی‌شماری مواجه هستیم که دقت و توجه ما را به خود مبدول می‌دارند. لذا دستیابی و پاسخ‌گویی به نیازهای تک‌تک دانش‌آموزان مشکل است و برای آن وقت کافی نداریم.»

برای بهبود این قضیه، برخی از آموزگاران می‌توانند شاگردانشان را به سؤال کردن، درخواست کمک و راهنمایی و شرکت فعالانه در پاسخ دادن به سؤالات در کلاس تشویق کنند.

به هر حال، این مسئله اهمیت به‌سزایی دارد تا آموزگاران به قدرت خود برای تغییر پیشینه‌ی طبقاتی دانش‌آموزان پی‌برند و به آن‌ها کمک کنند نه تنها از لحاظ درسی پیشرفت کنند، بلکه از لحاظ شخصیتی انسان‌هایی کامل‌تر و با اعتمادبه‌نفس بار بیابند.

نشان می‌دهد، در حالی که طبقه‌ی متوسط با توقعات مدرسه آشنا‌ترند و راحت‌تر می‌توانند در آموزش‌های مدرسه‌ای به بچه‌هایشان مداخله کنند، مداخله‌ی آن‌ها بر یادگیری بچه‌ها و عملکردشان اثرات مثبتی دارد و موجب نابرابری در نتایج (امتحانات) بچه‌ها خواهد شد.

بچه‌های طبقه‌ی پایین عموماً سعی دارند مشکلاتشان را خودشان حل و فصل کنند. آن‌ها این عمل را به دلیل تربیت‌های متفاوتی که از محیط خانه و خانواده‌شان برخاسته است بروز می‌دهند. این دیدگاه‌های متفاوت، به‌طور ناخودآگاه نابرابری آموزشی ایجاد می‌کنند و نابرابری وقتی بیشتر می‌شود که آموزگاران نیز به‌طور ناخودآگاه به تدابیر حل مسئله‌ی بچه‌ها پاسخ‌های متفاوت می‌دهند که باز به طبقات اجتماعی آن‌ها بستگی دارد.

طبقه‌ی متوسط جامعه را معمولاً خانواده‌هایی تشکیل می‌دهند که در آن‌ها حداقل یک والد تحصیلات (چهارساله) دانشگاهی و شغلی معتبر دارد؛ مثلاً آموزگار، وکیل، مهندس و رئیس اداره. البته بعضی از این خانواده‌ها ممکن است تجربه‌ی طلاق یا مشکلات اقتصادی، مثل از دست دادن شغل را هم داشته باشند، اما به هر حال زندگی‌های نسبتاً راحت‌تری دارند.

اما طبقه‌ی پایین جامعه شامل خانواده‌هایی می‌شوند که به‌طور کلی امتیازات اجتماعی کمتری دارند. تحصیلات کمتر، پرستیژ کمتر و مشاغل خدماتی دارند. والدین طبقه‌ی متوسط بچه‌هایشان را تشویق می‌کنند که با آموزگار مذاکره و مشورت کنند و از او کمک بگیرند، چرا که فکر می‌کنند پرسیدن بهتر از تصمیم بد یا اشتباه گرفتن است. در حالی که والدین طبقه‌ی پایین می‌گویند: «مزاحم آموزگار نشو، احترام بگذار و سعی کن خودت مشکلات کلاسی‌ات را حل کنی.» زیرا آن‌ها فکر می‌کنند پرسش زیاد از آموزگار، نوعی بی‌احترامی است و آموزگاران حداکثر سعی خود را انجام می‌دهند. بچه‌ها باید مسئولیت‌پذیر باشند، محترمانه رفتار کنند و مشکلاتشان را خودشان حل و فصل کنند. آن‌ها می‌گویند: «منی خواهیم هیچ‌وقت آموزگاران از بچه‌های ما شکایتی داشته باشند.» و دانش‌آموزان طبقه‌ی کارگر نگران‌اند که آموزگاران

منابع

1. Calarco, Jessica (2014) "help seeker and silent struggler" American Educator, winter issue, 25-28
2. Lareau, Annette (2003) home advantage: Social Class and Parental intervention in elementary school, New York: RoutledgeFlamer.





حاشیه‌های دوره‌ی تأمین مدرس کشوری کتاب‌های جدیدالتألیف پایه‌ی پنجم آموزگاران دست خالی رها نشوند!

ام‌لیلا صمدی لولاکی
عکاس: غلامرضا بهرامی

اشاره

دوره‌ی دوم تأمین مدرس کشوری کتاب‌های جدیدالتألیف پایه‌ی پنجم ابتدایی در سال جاری در مرکز «پردیس شهید چمران تهران» برگزار شد. در این دوره، تعداد ۱۷۵ نفر از مدرسان استان‌ها آموزش دیدند. این کلاس‌ها ۶ ساعت در هر روز و در دو نوبت صبح و بعدازظهر برگزار شد. ساعت‌های آموزشی این دوره به کتاب‌های جدیدالتألیف مطالعات اجتماعی، فارسی، علوم تجربی، هدیه‌های آسمان، قرآن، هنر و تربیت بدنی اختصاص داشت. کلاس‌های دوره بسیار پر شور و هیجان بودند و به صورت پرسش و پاسخ اداره می‌شدند. شرکت‌کنندگان نسخه‌ی چاپی کتاب را در اختیار داشتند و یادداشت برمی‌داشتند. علاوه بر حضور در کلاس‌ها، با تعدادی از سرگروه‌های درسی و مدرسان کشوری شرکت‌کننده در کلاس‌ها گفت‌وگو کردیم که شرح آن را در پی می‌آوریم.

از زبان سرگروه درسی

دکتر سیدمحمد دلبری، سرگروه درسی هدیه‌های آسمان، برگزاری دوره‌ی آموزشی برای کتاب جدیدالتألیف را قاعده‌ای کلی می‌داند که باید انجام شود و در اهمیت آن هیچ شک و شبهه‌ای نیست، اما شیوه‌ی انجام این کار را مهم می‌شمارد. وی معتقد است، اشکالاتی در کار وجود دارد که بهتر است برطرف شود. دکتر دلبری اولین و بزرگ‌ترین مشکل این دوره را در این می‌داند که یک مدرس برای چندین درس آموزش می‌بیند. همچنین، تأکید می‌کند که میزان ساعت آموزش باید با محتوای آموزش متناسب باشد. در حالی که اینجا چنین تناسبی وجود ندارد. مثلاً برای درس هدیه‌های آسمانی که کتابی ۱۲۰ صفحه‌ای است، فقط ۶ ساعت آموزش اختصاص یافته است. وی اشکال سوم این دوره را در آن می‌داند که مدرسان استانی هر سال عوض می‌شوند. او می‌گوید: «کاری که الان در حال انجام است، یک مرحله از مراحل اجرای برنامه‌ی درسی است و الان مرحله‌ی مربوط به پایه‌ی پنجم در حال انجام است. طبیعی است اگر مدرس از سال دوم تا پنجم ثابت باشد، مشکلات به مراتب کمتر و فهم مطالب خیلی ساده‌تر می‌شود. از تکرارها هم جلوگیری می‌شود. به این ترتیب، فضای بهتری برای ارائه‌ی محتوای جدید فراهم می‌شود.»

وی اشکال بعدی را در این می‌داند که دفتر تألیف نقشی در معرفی مدرسان ندارد. او همچنین نحوه‌ی تعامل پردیس شهید

چمران با عوامل اجرایی و مدرسان را نسبت به بقیه‌ی مراکزی که تا به حال در آن‌ها دوره برگزار شده است، مطلوب‌تر می‌بیند. دلبری یکی از نقاط قوت دوره را نیز این می‌داند که کتاب‌ها نسبتاً به موقع رسیدند و در اختیار شرکت‌کنندگان قرار گرفتند. البته کتاب هدیه‌های آسمانی چاپ نشد و جزوه‌ی آن در دسترس قرار گرفت. دکتر دلبری در ادامه از تولید محتوای آموزشی الکترونیکی برای این دوره خبر داد و گفت: «این محتوای الکترونیکی، هم به بخش تدریس و محتوای تک‌تک درس‌ها و هم به بخش ارزشیابی پرداخته است و راهنمای معلم به صورت قابل استفاده و غیرقابل استناد در آن قرار داده شد.» دکتر دلبری در حاشیه‌ی گفت‌وگو این نکته‌ی مهم را نیز یادآور شد که ضرورت دارد هر کتاب جدیدالتألیف دوره‌ی آموزشی داشته باشد؛ به خصوص در مورد کتاب دینی که هویت دانش‌آموزان به آن وابسته است. وی ابراز نگرانی می‌کند که برای کتاب جدیدالتألیف دینی پایه‌ی چهارم، هیچ کتاب و فیلم آموزشی در نظر گرفته نشد و آموزگار در این مورد دست خالی رها شد!

صدای مدرسان

عموم مدرسان شرکت‌کننده در دوره متعجب بودند که به‌عنوان مدرس مطالعات اجتماعی به این مرکز آمده‌اند، اما بعداً متوجه شده‌اند که باید شش درس را آموزش ببینند و آن‌ها را به معلمان دیگر انتقال دهند. همچنین، از این که دوره‌ها بسیار فشرده است





راضی نبودند. مدرسان استان گیلان همچنین ابراز ناخرسندی کردند از این که متأسفانه در استان گیلان مدرس میانی وجود دارد. به همین خاطر، اطلاعات دست دوم می شوند و ممکن است کم و زیاد شوند.

از صحبت های مدرسان کشوری می شد فهمید تنها چیزی که باعث شد در این دوره شرکت کنند، عرق به منطقه و شهرستانشان بود. وقتی وارد کلاس ها می شدیم، جمله های زیر مکرر به گوشمان می رسید: «کتاب عالی است اما وقتی معلم نتواند آن را پیاده کند، فایده ای ندارد»، «چطور ۱۲ فصل از علوم را در ۶ ساعت آموزش ببینیم؟! سرگروه های درسی بسیار خوب هستند، اما به دلیل فشرده بودن کلاس ها، نمی توانیم چندان استفاده ای کنیم»، «فقط علاقه ی خودمان ما را به این جا می آورد»، «تغییر کتاب ها، مخصوصاً مطالعات اجتماعی، عالی ست»، «با سرعتی که کتاب ها چاپ و دوره ها برگزار شدند، دچار مشکل شدن آموزگار در کلاس عجیب نیست»، «امسال، جای آقای متولی، مدرس گروه درسی مطالعات اجتماعی، خالی بود».

می دهد که این دوره زودتر از موعد شروع شد، در شرایطی که مرکز در تعطیلات به سر می برد. به همین خاطر، از نظر نظافت وضعیت مناسبی نداشت. کهنمویی معتقد است، با توجه به اینکه هر ساله کتاب های جدیدی تألیف می شوند، برگزاری این دوره ها قابل پیش بینی هستند. بنابراین می توان از قبل با برنامه ریزی مراکز مناسب تر را انتخاب کرد.

تو آنچه را اینجا گفتند بگو، اما من نمی توانم این طور باشم، نمی توانم کاری را سرسری انجام دهم. اگر قرار است تغییر و تحولی اتفاق بیفتد، باید بنیادی و عمیق باشد. اگر من به عنوان مدرس چیزی بلد نباشم که به معلمان استان خودم انتقال دهم، معلم چه تحویل بچه ها بدهد؟»

همصدا با مدرسان

روزبه کهنمویی، همکار تخصصی دوره، همصدا با مدرسان، گلایه دارد از اینکه مدرسان به اسم کلاس مطالعات اجتماعی پایه ی پنجم دبستان از سراسر کشور فرستاده شدند، در صورتی که فقط دو روز از پنج روز آموزش آن ها به درس مطالعات اجتماعی اختصاص یافت و این کار به آن ها شوک وارد کرد. کهنمویی همچنین از انتقاد مدرسان به کلاس هنر و تربیت بدنی می گوید که با وجود این که تخصصی است و قرار نیست این مدرسان آن را منتقل کنند، به آن ساعت آموزشی اختصاص یافته است. در حالی که با مدیریت صحیح می توان این دوره ها را بسیار آسان تر برگزار کرد. همچنین، توضیح

از مجلات رشد ایده گرفتیم

حسن فلاح، مدرس گروه درسی هدیه های آسمان، مجلات رشد را منبعی مفید برای افزایش صلاحیت علمی معلمان دانست. چرا که خود نیز در سال های اول کاری، از مجلات رشد ایده گرفت تا معلمی علمی و روش مند شود. او با اشاره به اینکه اکثر معلمانی که با مجلات رشد ارتباط دارند، از معلمان موفق مدارس هستند، ادامه داد: «مجلات رشد خود را شناسانده اند. معلمان را با خود همراه می کنند و به آن ها اطلاعات می دهند. اما بهتر است با برنامه به سمت استفاده از نشریات رشد برویم و ابزارهای انگیزشی را هم در نظر بگیریم تا آموزگار بیشتر آن را بخواند.»

این ها همه در دند!

خانم **پویا خصال**، یکی از مدرسان شرکت کننده از استان قزوین، از نگرانی ها و دلواپسی هایش در مورد دانش آموزان گفت. دغدغه و احساس مسئولیت او کاملاً محسوس بود. او می گفت: «چطور یک مدرس در یک هفته و در ۴۰ ساعت، شش درس را آموزش ببیند و بتواند به معلمان دیگر انتقال دهد! می خواهند هدیه ها را در شش ساعت به من آموزش دهند و من به همکارانم انتقال دهم! من چه می توانم بگویم؟ همکارانم می گویند

پله به پله تا مقاله‌نویسی

مراحل و طرح کلی نوشتن مقاله‌های علمی و تحقیقی

بخش دوم و پایانی | ناصر نادری

اشاره

شاید برایتان پیش آمده باشد که مقاله‌ای را بخوانید و بعد بگویید: این مقاله: - حرف تازه‌ای نداشت! مشوش و طولانی بود! رونویسی از یک مقاله‌ی اینترنتی بود! قبلاً محتوای آن را در یک کتاب خوانده بودم! این نظرها نشان‌دهنده‌ی وجود ضعف در مقاله است و البته نشانه‌ی انحراف نویسنده از هنجارها، اصول و شاخص‌های مقاله‌نویسی. در شماره‌ی پیش، به چپستی مقاله و انواع آن و نیز شرح جزئیات مقاله‌های عمومی (غیررسمی) پرداختیم. در این شماره، به مراحل نگارش، انواع و طرح کلی مقاله‌های علمی و تحقیقی (رسمی) خواهیم پرداخت.

مراحل نوشتن مقاله‌های علمی و تحقیقی

□ انتخاب موضوع مقاله با هدف گشودن گرهی از مشکلات ناگشوده‌ی معرفت بشری یا بهبود دانش و مهارت حرفه‌ای مخاطبان؛
 □ گردآوری منابع پژوهشی شامل کتاب‌ها، مقاله‌ها، موتورهای جست‌وجو در اینترنت، فهرست‌های الکترونیکی کتابخانه‌های معتبر با استفاده از اینترنت و...؛
 □ مطالعه و بررسی ابتدایی موضوع و طراحی ساختار نخستین مقاله (طرح مقدماتی مقاله)؛
 □ یادداشت‌برداری (فیش‌برداری) از منابع و مآخذ معتبر با ذکر دقیق مشخصات منبع (پدیدآورنده، عنوان منبع، شماره‌ی صفحات، ناشر و تاریخ نشر)؛
 □ تنظیم یادداشت براساس طرح نخستین و اصلاح احتمالی ساختار اولیه،
 □ نگارش بخش‌های گوناگون مقاله (مقدمه، بدنه، نتیجه یا پایان)، تنظیم نقشه‌ی مفهومی و تعیین عنوان‌های فرعی و زیر بخش‌های آن (پاراگراف‌بندی) و تدوین ساختار نهایی (سازمان‌دهی نهایی)؛
 □ نگارش نهایی با ذکر دقیق منابع در ارجاعات متنی و کتاب‌شناسی (منابع) در انتها.

انواع مقاله‌های علمی و تحقیقی

● **مقاله‌ی گردآوری (تألیفی) یا علمی - ترویجی:** گردآوری دیدگاه‌ها و گفته‌های دیگران درباره‌ی یک موضوع بدون شرح یا نکته‌ای تازه که به ترویج زمینه‌ای از علوم در بین جامعه‌ی علمی می‌پردازد؛
 ● **مقاله‌ی دانش‌نامه‌ای یا دایرةالمعارف:** گردآوری اطلاعات جامع و روشن از منابع موثق درباره‌ی یک موضوع، همراه با تلخیص، ترکیب و فشرده‌سازی آن‌ها به‌عنوان یک «مدخل» دانش‌نامه؛
 ● **مقاله‌ی گزارش پژوهش‌های تجربی و علمی:** ارائه‌ی گزارش مکتوب از یافته‌های علمی در پژوهش‌های اصیل و ابتکاری، در چهاربخش: «مقدمه»، «روش»، «نتایج» و «بحث»؛
 ● **مقاله‌ی علمی - مروری:** نقد، ارزیابی و تحلیل نوشته‌هایی که پیش از این درباره‌ی یک موضوع منتشر شده‌اند. این نوع مقاله با ارزیابی روند پژوهش در نوشته‌های مرتبط، علاوه بر اطلاع‌رسانی، به تفسیر موضوع نیز می‌پردازد.
 ● **مقاله‌ی نظری (تحلیلی):** بسط، گسترش و تحلیل اندیشه یا نظریه و یا به‌کارگیری یک روش تازه.
 این نوع مقاله با بهره‌گیری از منابع پیشین، نظریه‌ی تازه‌ای را در رشته‌ای خاص مطرح می‌کند یا با شواهد و مستندات تازه، برتری یک نظریه را بر دیگر نظریه‌ها نشان می‌دهد؛
 ● **مقاله‌ی علمی مطبوعاتی:** گاهی پژوهشگری حاصل تحقیق خود را علاوه بر تدوین در قالب نوشتار علمی مفصل (پژوهش، رساله یا پایان‌نامه)، در قالب مقاله‌ی مطبوعاتی (مجله یا روزنامه) عرضه می‌کند. اگر این مقاله‌ها در مجلات علمی با هدف کسب امتیاز ISI چاپ شوند، باید معیارهای ارزیابی این دسته از مجلات را براساس قواعد در بانک اطلاعاتی مؤسسه اطلاعات علمی «ISI» دارا باشند.
 مقاله‌ای که در مجلات تخصصی آموزشی، همچون مجلات آموزشی رشد - که با رویکرد آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی منتشر می‌شوند - ارائه می‌شود، باید هدف از انتشار آن، اصلاح نگرش علمی، توسعه‌ی دانش مفهومی و کاربردی و تقویت و روزآوری مهارت‌های حرفه‌ای معلمان و مدیران و مشاوران و مربیان باشد.

طرح کلی نوشتن مقاله‌ی علمی - تحقیقی (رسمی)

● عنوان اصلی مقاله

بهترین ابزار برای ترغیب خواننده به مطالعه است و باید به نکته‌ی اصلی مقاله مرتبط باشد. به کوتاهی و فشردگی و خالی از حشر و زواید (جامع و مانع) باشد.

● مقدمه

در ورودی مقاله است و هدف از آن عبارت است از: معرفی موضوع مقاله و ارائه‌ی پیشینه‌ی آن، شرح کلی مقاله و نکته‌ی اصلی آنکه پدیدآورنده در پی اثبات یا توضیح نفی آن است و ایجاد آمادگی ذهنی در مخاطب برای مطالعه‌ی مقاله. در مقدمه سؤال و مسئله شکافته و ذهن‌ها و پرسش‌ها به شکل مبسوط مطرح می‌شود.

● مشخصات پدیدآورنده / پدیدآورندگان

شامل نام و نام‌خانوادگی، عنوان علمی و نشانی پیام‌نگار

● نتیجه‌گیری و پیشنهادها

ذکر نتایج به‌دست آمده از تحقیق و اهمیت آن، ارائه‌ی پیشنهادهای بعدی و چشم‌انداز بحث.

● پی‌نوشت‌ها

مستندات نقل قول‌ها (ارجاعات برون‌متنی) یا توضیحات خارج از متن اصلی (معادل خارجی اصطلاحات، معنی واژه‌ها و...)، البته امروزه کاربرد روشن «ارجاعات درون‌متنی» (ذکر نام و نام‌خانوادگی پدیدآورنده، سال نشر و شماره‌ی صفحه درون متن) بیشتر رایج است.

● کلیدواژه‌ها

فهرستی از کلمه‌های مهم (مفهوم و نام) که در مقاله بحث شده‌اند. هدف از آن، ذخیره کردن و بازیابی مقاله در رایانه‌هاست و شامل ۳ تا ۷ واژه‌ی کلیدی و پربسامد (پرتکرار) و یا دارای بیشترین اهمیت می‌شود.

● عنوان فرعی

پیونددهنده‌ی عنوان اصلی مقاله با عنوان‌های فرعی‌تر و زیربخش‌هاست.

● بدنه (متن)

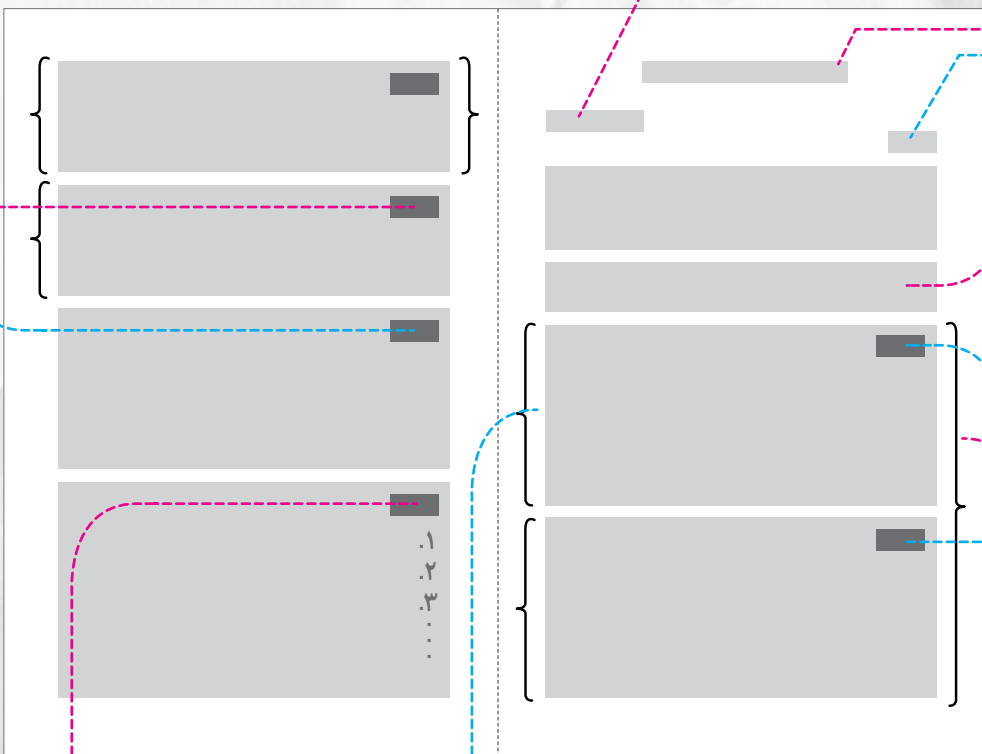
اصلی‌ترین بخش مقاله و شرح موضوع و نکته‌ی اصلی با نظم منطقی و در چارچوبی خاص، با ذکر دلایل و شواهد. این بخش به بدنها (پاراگراف‌ها) تقسیم می‌شود و با عنوان‌بندی (تیتربندی)، سیر منطقی آن رعایت می‌شود. کف و قاعده‌ی هرم موضوعی مقاله، بدنه است و موضوع مقاله در آن به بیشترین گستردگی و شرح می‌رسد. در متن، هر عنوان فرعی بر حسب اهمیت و حجم به یک یا چند بند تقسیم می‌شود.

● پاراگراف (بند)

هر نوشته به بخش‌هایی تقسیم می‌شود. هر یک از بخش‌ها، مجموعه جمله‌هایی هستند که بین آن‌ها ارتباط و همبستگی لفظی و معنایی بیشتری وجود دارد و روی هم مطلب و مفهوم نسبتاً کامل و جداگانه‌ای را در بردارند. این بخش‌های متن را پاراگراف یا بند می‌نامند. پاراگراف‌ها در حکم حلقه‌های زنجیره‌ی کلام هستند.

● منابع

فهرست منابع (کتاب، مقاله و...) و توجه به ذکر مشخصات پدیدآورنده، عنوان اثر، مشخصات نشر: محل نشر، ناشر و سال نشر ضروری است.



سرودی برای پاکی

قیصر امین پور

دفتر تبدیل شوند. من پاییز را جارو می‌کنم، زمستان را پارو می‌کنم و تابستان را می‌شویم تا همیشه بهار باشد.

من رفتگرم؛ آفتاب و آب و باد و باران همکاران من هستند. اما من هر روز صبح، زودتر از خورشید، از خواب برمی‌خیزم و به سر کار می‌روم.

خورشید هم رفتگر است؛ او هر روز صبح برمی‌خیزد و زباله‌های تیره‌ی شب را از کوچه‌های شهر جارو می‌کند. او هم می‌تابد و همه‌چیز را پاک می‌کند.

آب هم همه‌چیز را می‌شوید و پاک می‌کند.

باد هم آسمان را از ابرهای تیره جارو می‌کند و آن‌ها را به باران تبدیل می‌کند.

همه‌ی ما رفتگریم، اما نمی‌دانم چرا بعضی از رفتگرهای دیگر خودشان را بالاتر و برتر از من می‌دانند؟ آیا آن‌ها از من رفتگرترند؟ چرا مرا پایین‌تر از همه می‌دانند؟

من رفتگرم. اگر در نیمه‌های شب که هوا تاریک است، یا در گرگومیش صبح، یک علامت راهنمایی را دیدید که حرکت می‌کند و در تاریکی می‌درخشد، آن لباس مخصوص من است که نشان می‌دهد من مشغول کار هستم.

من هر روز و هر شب به در خانه‌ها می‌روم و زباله‌ها را جمع می‌کنم، اما کاش من می‌توانستم دل‌های مردم را هم آب و جارو کنم تا خودشان را برتر از دیگران ندانند. این جور آدم‌ها به‌نظر من کیسه‌های زباله‌ای هستند که راه می‌روند. این جور آدم‌ها فقط کارخانه‌ی متحرک تولید زباله هستند. این جور آدم‌ها کیمیاگرانی هستند که در یک چشم‌به‌هم‌زدن می‌توانند باغ سبز، آب پاک، گل زیبا، میوه‌ی رسیده و نان گرم و تازه را به زباله تبدیل کنند.

می‌ترسم روزی برسد که کره‌ی زمین به یک کیسه‌ی زباله‌ی بزرگ تبدیل شود. آن وقت دیگر کاری از من ساخته نیست. اگر آن روز برسد، باید یک رفتگر مریخی بیاید، کره‌ی زمین را با بیل برقی بردارد و در سفینه‌ی حَمَلِ زباله بیندازد و آن را ببرد تا در کوره‌ی خورشید بریزد!

پی‌نوشت

۱. بی‌بال بریدن (۱۳۷۰). قیصر امین پور. افق. تهران.

من رفتگرم. همه مرا می‌شناسند، اما هیچ‌کس تا حالا چیزی درباره‌ی من ننوشته است.

شاعران و نویسندگان معمولاً درباره‌ی گل‌ها و درختان یا جویباران و چشمه‌ساران شعر می‌گویند، ولی اگر کمی دقت کنند، می‌توانند مرا هم در میان سبزه‌زاران، در زیر درختان و در کنار جویباران ببینند. شاید حق داشته باشند! آخر چه کسی حاضر است غزلی زیبا برای زباله بسراید؟ یا قافیه‌های قصیده‌ای را با سطل‌های زباله ردیف کند؟ یا با یک قطعه‌ی ادبی لطیف، آشغال را توصیف کند؟ ولی من که زباله و آشغال نیستم. من رفتگرم.

رفتگر یعنی کسی که آلودگی‌ها را می‌روید و پاک می‌کند. پس همه‌ی مردم رفتگرند. چون بالاخره هرکسی از فقیر گرفته تا ثروتمند، در زندگی چیزی را تمیز می‌کند. مثلاً همه‌ی مردم هر روز دست و صورت و بدنشان را تمیز می‌کنند؛ ظرف‌ها، سفره‌ها، لباس‌ها و خانه‌هایشان را تمیز می‌کنند.

پزشک و پرستاری که غده‌ای را از بدن بیمار بیرون می‌آورد. دندان‌پزشکی که دندان‌های آلوده و کرم‌خورده را از دهان مردم بیرون می‌کشد. آموزگاری که آلودگی جهل را از ذهن بچه‌ها می‌روید و غلط‌های املا و انشای آن‌ها را تصحیح می‌کند. پاک‌کنی که گردوغبار اشتباه ما را فوت می‌کند و لاکِ غلط‌گیری که خط‌خوردگی‌های کوچک را می‌پوشاند.

پس چه فرق می‌کند؟ همه‌ی ما آلودگی‌ها را پاک می‌کنیم. تازه، مردم تنها خود و خانه‌ی خود را تمیز می‌کنند. من علاوه بر آن، کوچه و محله‌ی دیگران را هم تمیز می‌کنم. آیا کسی که فقط کار خودش را انجام می‌دهد بهتر است، یا آنکه کار دیگران را هم راه می‌اندازد؟ اگر دیگران چند روز نباشند، زباله‌ی کمتری تولید می‌شود، اما اگر من چند روز نباشم، زندگی مردم در زیر زباله‌ها دفن خواهد شد.

من نمی‌دانم (اگر کارها را از روی فایده‌ی آن‌ها می‌سنجند) کار چه کسی مفیدتر است؟ کار کسی که همه‌چیز را به زباله تبدیل می‌کند؟ یا کسی که همه‌جا را از آلودگی پاک می‌کند؟ من نمی‌دانم کسی که کار دیگران را مشکل می‌کند بهتر است یا آنکه کار مردم را آسان می‌کند؟

دیگران که درس خوانده هستند، کتاب‌ها و دفترها را به زباله تبدیل می‌کنند و من آن‌ها را جمع می‌کنم تا دوباره به کتاب و

طبابت کودکانه

زهرا لطفی، رباط کریم



روزهای اول خدمتم در روستای گلستان بود. بعد از چند دقیقه تدریس، در حالی که همه ساکت بودند، تنها صدایی که شنیده می‌شد صدای سِکسِکِه‌ی یکی از دانش‌آموزان بود. ناگهان دو تا از دانش‌آموزان شروع به بگومگو کردند. پرسیدم: چه اتفاقی افتاده است؟ فریبا گفت: خانم، معصومه مدادم را برداشته است. معصومه که از شنیدن این حرف داشت منفرج می‌شد و از شدت عصبانیت به نفس نفس افتاده بود، گفت: «خانم، ما این کار را نکردیم». بعد هم با همان نفس زدن‌ها از خود دفاع می‌کرد. بعد از لحظاتی، فریبا در حالی که می‌خندید، گفت: «راست می‌گه خانم، ما فقط خواستیم با یک دروغ شاخ‌دار سِکسِکِه‌اش بند بیاد که بند آمد.»

توپ پارچه‌ای

تجربه‌ی سبزه

عبدالرضا ساجدی رئیسی

نوشهر، آموزگار پایه‌ی اول دبستان امام‌علی (ع)

سابقه‌ی پایین و کم‌تجربه همچنان باقی است. من برای حل این مسئله، توپ پارچه‌ای کوچکی (اندازه‌ی توپ هندبال) تهیه کرده‌ام و در دقایق میانی کلاس، زمانی که خستگی به اوج خود می‌رسد و افت یادگیری پدیدار می‌شود، توپ را در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهم. آن‌ها چند دقیقه‌ای در کلاس با توپ بازی می‌کنند. توپ را در هوا برای همدیگر پرتاب می‌کنند و به همدیگر پاس می‌دهند. با انجام این فعالیت، نه تنها خستگی دانش‌آموزان برطرف می‌شود، گردش خون و تنفس نیز تنظیم می‌شود و آن‌ها، بیش از پیش به ادامه‌ی کلاس مشتاق می‌شوند.

یکی از مسائلی که معمولاً در پایه‌ی اول برای بچه‌ها پیش می‌آید، خستگی آن‌ها در دقایق میانی کلاس، خصوصاً در رنگ‌های ریاضی، است که عملاً در این دقایق یادگیری به حداقل می‌رسد و دانش‌آموزان را دچار مشکل می‌کند. انرژی زیادی هم برای تفهیم درس از آموزگار می‌طلبد. از طرفی هم با توجه به حجیم بودن کتاب‌های درسی پایه‌ی اول، کوتاه کردن زمان کلاس در عمل امکان‌پذیر نیست. البته آموزگاران باتجربه‌تر، در کمترین زمان، تدریس خود را به نحوی مناسب و مطلوب به پایان می‌رسانند، ولی این مشکل برای آموزگاران با

شبیه‌سازی واقعیت

آزمون‌های عملکردی



هدی هدایتی

فرض کنید در منزل تنها هستید و بوی دود به مشام شما می‌رسد. به اداره‌ی آتش‌نشانی تلفن می‌زنید و من به تلفن شما جواب می‌دهم. با من صحبت کنید، آن‌گونه که در موقعیت واقعی صحبت خواهید کرد. هر چه را لازم می‌دانید، برای من توضیح دهید تا به کمک شما بشتابم. با گفتن الو شروع کنید!

نمونه‌های آزمون انجام عملکرد در موقعیت‌های شبیه‌سازی شده:

پایه‌ی دوم

درس علوم:

● با توجه به مطالبی که در درس هوا یاد گرفتیم، فکر می‌کنی کدام شمع دیرتر خاموش می‌شود؟ چرا؟



● در آزمایشگاه، به وسایلی که معلم نشان می‌دهد نگاه کن. از کدام یک برای سنجش سردی و گرمی هوا استفاده می‌کنیم؟ این وسیله را به حیاط ببر و دمای هوا در سایه و آفتاب را اندازه بگیر و یادداشت کن.

پایه‌ی سوم

الف) درس علوم

● با توجه به شکل‌های صفحه‌ی بعد، انواع ریشه، ساقه و برگ را نام گذاری کن:

● دانه‌هایی را که از آن‌ها در پختن آش استفاده می‌کنیم، نام ببر. این دانه‌ها دولپه‌ای هستند یا تک‌لپه‌ای؟

اشاره

در شماره‌های قبل آزمون‌های عملکردی را تعریف و آن‌ها را دسته‌بندی کردیم. آزمون‌های عملکردی انواعی از آزمون‌ها هستند که عملکرد دانش‌آموزان را به‌طور مستقیم و در تکالیف زندگی واقعی می‌سنجند. دو نوع آزمون عملکردی کتبی و شناسایی را نیز بررسی کردیم. آزمون کتبی برای سنجش مهارت‌ها با فعالیت‌های واسطه‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد. تهیه‌ی نمودار ستونی، نوشتن داستان کوتاه و ساختن نقشه (چارت) از نمونه‌های آزمون‌های عملکردی هستند. در آزمون شناسایی، فراگیر از طریق شناسایی عیب و اشکال وسیله، توانایی و مهارت عملی خود را آشکار می‌سازد. طبقه‌بندی اشیاء، جانوران یا تشخیص تلفظ درست و نگارش صحیح کلمات زبان خارجه، از نمونه‌های آزمون شناسایی هستند. در این شماره، آزمون انجام عملکرد در موقعیت‌های شبیه‌سازی شده را تعریف می‌کنیم و مثال‌هایی از آن را برای دانش‌آموزان دوره‌ی دبستان می‌آوریم.

آزمون انجام عملکرد در موقعیت‌های شبیه‌سازی شده

در آزمون شبیه‌سازی یا انجام عملکرد در موقعیت‌های شبیه‌سازی شده، از یادگیرنده خواسته می‌شود در موقعیتی شبیه‌سازی شده یا مصنوعی، همان اعمالی را انجام دهد که در موقعیت‌های واقعی ضروری هستند. از این روش برای ارزشیابی توانایی‌ها و مهارت‌های یادگیرندگان در انجام کارها (فراپند یادگیری) و تولید بازده مطلوب (فراورده‌های یادگیری) نیز می‌توان سود جست. مثلاً کار در آزمایشگاه یا کارگاه، در درس علوم یا حرفه‌وفن، به‌صورت عملکرد در شغل واقعی شبیه‌سازی شده است. در بعضی مواقع نیز برای آموزش از این آزمون استفاده می‌شود، مثل آموزش راندگی یا آموزش خلبانی که در محلی شبیه اتومبیل یا هواپیما انجام می‌گیرد.

نوشتن نامه و پست کردن فرضی آن در درس فارسی، طراحی مدار الکتریکی ساده یا انجام تنفس مصنوعی بر مصدوم در درس علوم، ضربه زدن به توپ و انجام حرکات شنا در بیرون از آب در درس ورزش، و ایفای نقش در درس‌های گوناگون، از نمونه‌های آزمون عملکرد در موقعیت‌های شبیه‌سازی شده هستند. مثال دیگر مانورهای فرضی هستند. مانورهای زلزله، اورژانس یا آتش‌سوزی از این دسته‌اند. برای مثال، می‌توان چنین موقعیتی را برای دانش‌آموزان شبیه‌سازی کرد:

● پول توجیبی یا پول‌های عیدیه‌ات را در نظر بگیر. جدولی تهیه کن و میزان درآمد، هزینه‌ها و پس‌اندازت را در طول یک ماه در آن بنویس. به‌نظر خودت، از پولی که داشته‌ای، درست استفاده کرده‌ای؟ چرا؟

پایه‌ی پنجم الف) درس علوم



● در ابتدای فصل بهار دو گل‌دان انتخاب کن و در هر کدام تعدادی دانه‌ی گندم بکار. یکی از گل‌دان‌ها را در فضای باز قرار بده تا از آب باران استفاده کند. گل‌دان دیگر را خودت آبیاری کن. روش کشت هر کدام از این گل‌دان‌ها چیست؟ رشد آن‌ها را با هم مقایسه و نتایج را یادداشت کن.

ب) درس جغرافیا

● نام استانی که آخرین بار به آن سفر کرده‌ای چیست؟ پوشش گیاهی، جمعیت و میزان بارندگی در این استان چگونه بود؟ مشاهدات خودت را بنویس و بعد با آنچه در کتاب درسی‌ات خوانده‌ای مقایسه کن.

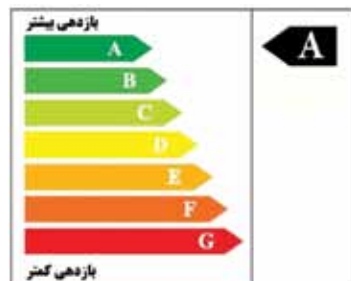
ج) درس علوم

● چند ابزار اهرمی را که به‌طور روزانه از آن‌ها استفاده می‌کنیم نقاشی کن و هر قسمت از اهرم را روی آن‌ها نشان بده.

پایه‌ی ششم

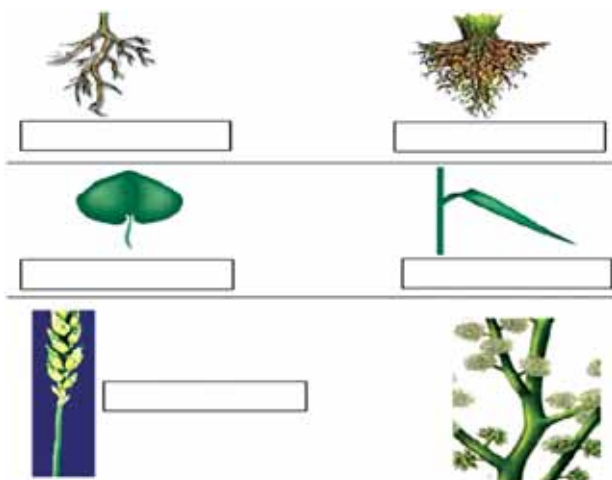
الف) درس علوم

● یک تکه میوه را داخل کیسه‌ی دربسته و در جای گرم و نسبتاً تاریک قرار بده. هر روز به میوه نگاه کن و مشاهداتت را بنویس. چه چیزی روی میوه رشد می‌کند؟ میوه چه تغییری می‌کند؟
● یک کیسه‌ی جدا برای زباله‌های خشک در آشپزخانه بگذار و از اعضای خانواده خواهش کن زباله‌های خشک را به مدت یک هفته در آن بریزند. بیشتر زباله‌های جمع شده چه جنسی دارند؟ کدام زباله‌های خشک قابل بازیافت و کدام‌ها غیرقابل بازیافت هستند؟



ب) درس اجتماعی

● در خانه، دو وسیله‌ی برقی را که برچسب انرژی دارند پیدا کن. بین مصرف انرژی آن‌ها کم است یا زیاد؟ به غیر از وسایل برقی، چند وسیله‌ی دیگر را هم پیدا کن که برچسب انرژی داشته باشند.



● با استفاده از این وسایل، یک دماسنج بساز و با کشیدن شکل، مراحل ساخت آن را نشان بده. بطری، نی، خمیر، جوهر، کاغذ و آب.

ب) درس هدیه‌های آسمان

● در گروه‌های سه نفره، نماز را تمرین کنید. به این صورت که یکی از افراد گروه یک نماز دو رکعتی بخواند و دو نفر دیگر اشکالات او را تذکر بدهند.

ج) درس اجتماعی

● یک کاغذ را از وسط تا کن تا به شکل یک کتاب دو برگی در بیاید. اطلاعاتی را که درباره‌ی زندگی خودت آموخته‌ای، در این کتاب یادداشت کن و برای هر کدام یک نقاشی بکش. برای کتابت یک عنوان انتخاب کن و آن را روی جلد آن بنویس.

پایه‌ی چهارم

الف) درس علوم

● مقداری از هر کدام از مایعات زیر بردار، آن‌ها را دو به دو روی هم بریز و مشاهدات خود را یادداشت کن. مشخص کن کدام یک از آن‌ها با هم مخلوط می‌شوند و کدام محلول تشکیل می‌دهند. شیر، روغن، آب، مایع ظرف‌شویی، آب‌لیمو، چای.



ب) درس اجتماعی

● در یک روز که به مهمانی رفتی یا مهمان به خانه‌ی شما آمد، مواردی را که باعث شده است حقوق همسایه‌ها رعایت نشود، در برگه‌ای یادداشت کن.

برق این مرد شما را گرفته؟

صحبت با امین کوهساریان، آموزگاری دلسوز از سیب‌چال

شهلا فهیمی

ابوالفضل فرامرزبان را هم بگویید.
ابوالفضل از دانش‌آموزان همین روستاست. در حادثه‌ای که منجر به سوختگی شدید او شد، دچار مسائل و محدودیت‌هایی شده است. خانواده هم چندان قادر به تأمین هزینه‌های درمانی او نیستند. این پسر به دلیل بیماری منزوی و پرخاشگر بود، اما در عین حال استعدادی داشت که دیدم حیف است به خاطر این مشکلات در پس پرده بماند.

بیشتر توضیح دهید که وضعیت ابوالفضل چگونه بود و شما چه کردید؟
با شناخت او و استعدادش در نقاشی، سعی کردم به این دانش‌آموز گوشه‌گیر نزدیک شوم. در واقع، با این توجه، استعداد او بیش از گذشته شکوفا شد. او با همکاری خانواده‌اش تغییر رفتار داد و اکنون فرد فعالی شده است.

ابوالفضل اوایل روی برگه‌های باطله نقاشی می‌کشید و به دلیل برخوردار نبودن، ابزار طراحی را حتی لمس هم نکرده بود، اما اکنون با معرفی اداره، به عضویت کانون پرورش فکری در آمده و با دوستانش ارتباط خوبی دارد و به آن‌ها نقاشی می‌آموزد.

عکس‌العمل پدر و مادر ابوالفضل چیست؟

احساس خوبی دارند و همواره از من تشکر می‌کنند و خوشحال‌اند که به ابوالفضل توجه دارم و کارهایش را پیگیری می‌کنم. آن‌ها به بنده اعتماد کامل دارند و هر وقت لازم باشد این اجازه را به من می‌دهند که ابوالفضل را به منزل ببرم.



کوهساریان چگونه توانسته است به تدریس مسلط شود و آن کار ویژه‌اش چه بوده است؟ بنابراین، با ایشان وارد گفت‌وگو شدیم. این گفت‌وگو را با هم بخوانیم.

آقای کوهساریان چه کار کرده‌اید که نظر معاون آموزشی استان را جلب کرده‌اید؟
البته دوستان لطف دارند.

از جایی که رشته‌ی تحصیلی من با شغلم مرتبط نیست، سعی کردم از راهنمایی‌های آموزگاران مجرب استفاده کنم. همچنین در کلاس‌های ضمن خدمت شرکت می‌کنم و با مطالعه‌ی کتاب‌های روان‌شناسی تربیتی و رشد سعی می‌کنم مهارت‌های لازم را کسب کنم. در جشنواره‌ی الگوهای برتر تدریس هم شرکت کرده‌ام و در سال جاری رتبه‌ی اول تدریس ریاضی شهرستان را به دست آورده‌ام.

البته می‌دانیم این همه‌ی ابعاد فعالیت و تلاش‌های شما نیست! قصه‌ی

اشاره

معاون آموزش ابتدایی استان گلستان، آقای فرج‌الله رزاقی، تلفنی تماس گرفت و گفت در استان ما هم آموزگارانی هستند که علاوه بر وظایف رسمی خود، فعالیت‌های تربیتی و آموزشی خاص انجام می‌دهند. او اضافه کرد: «برای نمونه می‌توانم امین کوهساریان را مثال بزنم. از سال ۱۳۸۹ وارد آموزش و پرورش شده است. خودش هم درس می‌خواند و حالا دارد مدرک کارشناسی ارشد خود را در رشته‌ی برق می‌گیرد. او همچنان آموزگار است و با وجود سختی شرایط و دوری مسیر، از محل سکونت خود در شهر ۷۵ کیلومتر مسافت را طی می‌کند تا به دبستان روستای «سیب‌چال» آزادشهر برسد. او در چند پایه برای ۲۰ دانش‌آموز پنجم و ششم تدریس می‌کند.»
بسیار علاقه‌مند شدیم ببینیم



خانواده‌ی شما با ابوالفضل چگونه رفتار می‌کنند؟

خانواده‌ی من نیز مثل خودم به دانش‌آموزان مناطق محروم علاقه دارند و بارها با من به روستای سیب چال آمده‌اند تا از نزدیک با بچه‌ها آشنا شوند. حتی زمانی که من کار دارم، همسرم ابوالفضل را به کانون می‌برد و مراقب اوست.

آیا در این زمینه هزینه‌هایی متحمل شده‌اید؟

برای اینکه ابوالفضل بتواند با کانون ارتباط داشته باشد، باید مسافت زیادی را طی کند. این امر به دلیل نبود وسیله‌ی نقلیه و خطر جاده مقدور نبود. در نتیجه، من ابوالفضل را با خودم به سرویس و بعضی مواقع با وسیله‌ی شخصی به منزل خودم می‌برم تا بتواند به کانون برود. البته این امر هزینه‌ی ناچیزی در برابر اجر معنوی کارم دارد که قابل گفتن هم نیست.

به نظر شما کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان تأثیری در توانمندسازی این دانش‌آموز داشته است؟

از آنجا که ابوالفضل نقاشی خود را فقط با خودکار رسم می‌کرد و ابزار رنگ‌آمیزی نداشت، توانایی او در رنگ‌آمیزی کم بود. او بعد از ارتباط با کانون، توانایی رنگ‌آمیزی را کسب کرد. همچنین، ابوالفضل تا قبل از ارتباط با کانون بیشتر طرح‌ها و شخصیت‌های کارتونی را می‌کشید، ولی بعد از رفتن به کانون می‌تواند نقاشی‌هایی با موضوع‌های متفاوت بکشد و این باعث خلاقیت وی شده است. در ضمن، ابوالفضل در کانون با کتاب‌خوانی نیز آشنا شده و علاقه‌ی زیادی به خواندن کتاب پیدا کرده است.

● او می‌خواهد در آینده از هنرش چه استفاده‌هایی کند؟

ابوالفضل می‌گوید، اگر در آینده نقاش بزرگی شد و توانست درآمدی داشته باشد، از درآمد نقاشی‌اش به نیازمندان کمک می‌کند تا آن‌ها مثل خودش آرزوی داشتن وسایل را نداشته باشند.



رنگ

شخصیت را به حرکت در می آورد

کودک، نقاشی و شناخت رنگها

فرشته رنجبر بورانی



اشاره

امروزه روان‌شناسان تجربی بر این باورند که رفتارهای کودک در دوران رشد او، به تحولات ارثی و رشد نظام‌های مغزی او بستگی کامل دارد و ما با بررسی نقاشی کودک می‌توانیم اطلاعات ارزنده‌ای درباره‌ی کودک در اختیار مربیان و والدین بگذاریم. بهره‌گیری از این فعالیت هنری می‌تواند در بهداشت روانی، تعدیل و درمان مشکلات روانی-عاطفی و رشد خلاقیت، کارایی و اعتمادبه‌نفس و درمان اختلالات آموزشی مؤثر باشد.

کلیدواژه‌ها: نقاشی کودک، تفسیر نقاشی، شناخت کودک

سطوح نقاشی

نقاشی کودکان همیشه پیام دارد. این پیام شامل آن چیزی است که کودک نمی‌تواند به زبان آورد. تفسیر نقاشی با مصاحبه و پرسش از کودک شروع می‌شود. در اینجا باید حداکثر اطلاعات را از کودک گرفت، چرا که خود او بهتر از هر کسی می‌داند نقاشی‌اش بیانگر چه چیزی است.

نقاشی کودکان برای دریافت بهتر شخصیت آن‌ها، معمولاً در سه سطح تفسیر و بررسی می‌شود:

۱. سطح گرافیک ۲. سطح ساختارهای شکل ۳. سطح محتوا و مضمون

گرافیک

چگونگی به‌کارگیری مداد و رسم نقاط و خطوط مستقیم یا گرد و حلقوی، بیانگر قدرت‌های روانی حرکتی و امکانات عاطفی نقاش است. در خطوط نقاشی، باید فراوانی یا وسعت و همچنین نیرو، از یکدیگر تمیز داده شوند. خطوط رسم‌شده با حالتی گسترده که قسمت بزرگی از صفحه‌ی کاغذ را پر می‌کنند، بیانگر نوعی گستردگی حیات‌اند و تمایلات متنوع را نشان می‌دهند. برعکس، اگر حالت‌ها گسترده نباشند و با خطوط کوتاه رسم شوند، می‌توان به نوعی حالت وقفه در گستردگی حیات و تمایل قوی برای در خود فرو رفتن اندیشید. قوت خطوط یا ضخامت آن‌ها با درجه‌ی سیاه بودن یا پررنگ بودن که روی کاغذ می‌گذارند، تعیین می‌شود.

مثلاً زمانی که فراوانی و گسترش حالت‌های گسترده‌ی حیاتی، فرد را به نقاشی از شخصیت‌های نسبتاً بزرگ و می‌دارد، ممکن است نقاشی حتی از حدود صفحه نیز بگذرد. این حالت می‌تواند علامتی از یک گستردگی واکنشی باشد که نشانگر نوعی نبود تعادل است. برعکس، زمانی که نقاشی در صفحه خیلی کوچک رسم می‌شود، بیانگر نوعی کاهش در حالت گستردگی است و نوعی وقفه در تمایلات را نشان می‌دهد.

جالب‌تر از همه آن است که خطوط در یک بخش از نقاشی جمع شده باشند و فرد یا شیئی، مثلاً خانه، بزرگ‌تر از بقیه‌ی عناصر نقاشی شود، در این حالت می‌توان نتیجه گرفت که شخص نقاش به آن موضوع توجه خاص داشته و این در بررسی بسیار ارزشمند است. با توجه به برداشت کلاسیک موجود درباره‌ی نمادگرایی فضاها، منطقه‌ای از صفحه که نقاشی اشغال کرده است، از نظر گرافیک ارزش زیادی دارد. در کنار کودکانی که در نقاشی تمامی صفحه‌ی کاغذ را به کار می‌گیرند، گروهی نیز قرار دارند که به قسمت کوچکی اکتفا می‌کنند. به هر حال، باید در زمان تفسیر نمادگرایی فضاها محتاط بود، زیرا تعبیر واقعی را زمانی می‌توان استنباط کرد که با سایر عناصر نیز مطابقت داشته باشند. از سوی دیگر، همواره باید در نظر داشت که فضاهای خالی و سفید که هیچ‌گونه خطی در آن‌ها کشیده نشده است، واقعاً فضای خالی نیستند که نتوان درباره‌ی آن‌ها چیزی گفت، بلکه این فضاها عبارت‌اند از مناطقی ممنوعه که خود باید جداگانه تفسیر شوند.

ساختارهای شکل

ترسیم آدمک به‌وسیله‌ی هر کودک، تصویر جسمانی خود نقاش را نیز بیان می‌کند. این نگاه درونی به جسم خویشتن، به تدریج و بر حسب پیشرفت سن، تکامل می‌یابد. در اینجا باید توجه کرد که هر قسمت از بدن چگونه رسم شده است. جست‌وجو برای یافتن اندازه‌ها، تناسب بین قسمت‌های گوناگون و وجود پوشش و سایر زیورآلات نیز باید مورد توجه باشد.

با کمک گرفتن از ادراکات روانکاوانه می‌توان گفت، سن تحصیلی با رشد ساختارهای واکنشی شخص مشخص می‌شود که به جای خواست‌ها و آرزوهای غریزی، قواعد را می‌سازند و به اطفال حالتی از

کودکان، قسمت‌های مخفی از اشیاء و یا اشخاصی که قابل رؤیت نیستند، به وضوح و به‌طور کامل نشان داده می‌شوند.

رنگ

انتخاب رنگ از نظر روان‌شناسی مفهومی بی‌چون و چرا دارد، هر قدر کودک کوچک‌تر باشد، رنگ‌هایی که به‌کار می‌گیرد، زنده‌ترند و با افزونی سن و سال و آموزش مدرسه و تکامل او در راه شناخت منطقی، رنگ‌های سرد و رنگ‌هایی را که کمتر خشن هستند به‌کار می‌برد (آبی‌زاده، ۱۳۷۵: ۲۰).

مفهوم رنگ‌ها

استفاده از رنگ‌های متفاوت نیز تا حدود زیادی بیانگر شخصیت درونی فرد است و هر رنگ نماد حالت درونی خاصی است. **آبی:** به معنای آرامش است و از دیدگاه فیزیولوژیکی معنای خوشنودی را می‌دهد. یعنی خوشنودی از وضعیت آرامش، همراه با لذت بردن از آن.

سبز: نشانگر وجود شرایط روحی (اضطراب و انعطاف‌پذیری) است. انتخاب‌کننده‌ی این رنگ در انجام کار، اراده، پشتکار و استقامت دارد. شخصی که رنگ سبز را انتخاب می‌کند، مایل است عقاید خویش را به کرسی بنشاند.

قرمز: قرمز یعنی لزوم به‌دست آوردن نتایج موردنظر و کسب کامیابی. نشانگر آرزوی شدید برای تمام چیزهایی است که شدت زندگی و کمال تجربه را در پوشش خود دارند. قرمز یعنی محرک، اراده برای پیروزی و تمام شکل‌های شور زندگی و قدرت.

زرد: صفات اصلی رنگ زرد روشنی، بازتاب، کیفیت درخشان و شادمانی زودگذر است. زرد نمایانگر توسعه‌طلبی، بلامانع، سهل گرفتن یا تشکیل خاطر و نشانگر تسکین و انبساط خاطر است. از نظر فیزیولوژی، تسکین خاطر به معنی رها شدن از مسئولیت‌ها، مشکلات، آزارها یا محدودیت است. زرد دلخواه یک فرد ممکن است گردبادی از فعالیت باشد، ولی پشتکار او در فاصله‌های کوتاه ظاهر می‌شود.



منابع

۱. نقیبیان، مرتضی. در تحلیل روان‌شناختی نقاشی کودکان. معین. ۱۳۷۳.
۲. مختاری، فرحناز. روان‌شناسی نقاشی کودکان. آگاه. ۱۳۷۶.
۳. آبی‌زاده، ویدا. روان‌شناسی رنگ‌ها. نگار. ۱۳۷۵.
۴. تقی منشی طوسی، مرتضی. اختلالات رفتاری در کودکان. مرکز دانشگاه. ۱۳۶۹.
۵. صرافان، عبدالرضا. «نقاشی کودکان و مفاهیم آن». آگاه. ۱۳۷۶.



خشکی و قوانینی مستقیم تحمیل می‌کنند. در این حال، کودک توجه بسیاری را به نقاشی تقلیدی که باید زیاد رسم کند، مبذول می‌دارد.

محتوا و مضمون

در نقاشی خانواده، وقتی از فرد خواسته می‌شود خانواده را برحسب تخیلاتش نقاشی کند، می‌توان انتظار داشت که ابتدا در ذهنش توافقی با اصل واقعیت داشته باشد. اگر فرد، خانواده‌ی واقعی خود را ترسیم کند، از اصل واقعیات اطاعت می‌کند و برعکس، کسی که خانواده‌ی تخیلی بکشد، تحت تأثیر اصل لذت یا نبود لذت قرار دارد.

برون‌فکنی از طریق خط، فضا و رنگ

خط

خط می‌تواند به اشکال مختلف ظاهر شود، ضخیم، نازک، خط نقطه، خط مداوم، عمودی، افقی، زاویه‌دار و مارپیچ. بنابراین، خط به تنهایی می‌تواند حالت‌هایی روانی مانند غم، شادی، اطمینان، اضطراب یا خستگی را نشان دهد. مثلاً ترکیب چند خط شعاع‌دار، نمادی از نور چراغ است. برای تحلیل و تعبیر خطوط یا خط، قواعدی ساده و معتبر وجود دارند: وقتی کودک راحتی و خوشحالی حرکات را وسیع و پرحاشیه می‌کند، نتیجه‌اش خطوطی بازتر و بلندتر است. ضعف عصبی یا فشرده‌گی و کوتاهی خطوط، پرخاشگری با قطعه قطعه کردن و متغیر کردن و مبهم کردن و پیچیدن خطوط نمودار می‌شود و احساسات با خطوط نازک و حرکات ملایم در آن‌ها نشان داده می‌شود. کودکان پیشرفته‌تر، خطوطی به اشکال گوناگون و با حفظ تعادل میان قسمت‌های مختلف، و کودکان خجالتی خطوط کوتاهی مثل چیزی که منع شده باشد، ترسیم می‌کنند.

فضا

به‌طور کلی کودکانی که با رعایت تناسب بر کاغذ نقاشی می‌کنند، کودکانی آرام هستند. کودکان خجالتی و کمرو نیز در گوشه‌ی کاغذ یا در قسمت محدودی از فضای کاغذ و یا روی تکه‌ی کوچکی از کاغذ نقاشی می‌کنند.

کودک برای ترسیم خانه، اگر داخل و خارج خانه برای او مهم باشد، هر قسمت را نشان می‌دهد و اگر فقط داخل خانه برایش مهم باشد، فقط آن قسمت را روی کاغذ می‌کشد. بنابراین، در نقاشی‌های

چهارمین جشنواره‌ی کشوری جابربن حیان
و اولین جشنواره‌ی دانش‌آموزان مؤلف دوره‌ی ابتدایی برگزار شد

جست‌وجوگر امروز پژوهشگر فردا

ائتدار محمدزاده صدیق
عکاس: غلامرضا بهرامی



و ایجاد زمینه‌ی پرسشگری و تفکر از اهداف این حرکت است که می‌کوشد جریان‌ی فرهنگی - علمی در میان دانش‌آموزان دبستانی ایجاد کند. آنچه در ادامه می‌خوانید، نظرات مسئولان برگزاری این جشنواره و معرفی چند پژوهش و تألیف برتر دانش‌آموزی است.

پژوهش: طبقه‌بندی و نوآوری

صادق صادق‌پور، مدیر کل دفتر آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش، در این باره گفت: در این جشنواره «دانش‌آموزان به کمک آموزگار و مشاور، پژوهش و بررسی کردن را می‌آموزند، به‌طوری‌که در پایه‌ی اول ابتدایی، با جمع‌آوری اطلاعات و طبقه‌بندی آشنا می‌شوند و در پایه‌های بعد به آزمایش و طراحی و ساخت می‌رسند.»



اشاره

می‌پردازد، در واقع از کلاس درس شروع می‌شود و به سطح استان و کشور می‌رسد. در کلاس، دانش‌آموزان به کمک آموزگار و مشاور پژوهش کردن را می‌آموزند و گروه‌های برتر به سطح کشوری می‌رسند. تقویت روحیه‌ی علمی، تقویت اعتماد به نفس

چهارمین جشنواره‌ی کشوری جابربن حیان و اولین جشنواره‌ی دانش‌آموزان مؤلف دوره‌ی ابتدایی در اردوگاه شهید باهنر تهران برگزار شد. این جشنواره که به پژوهش‌های دبستانی

صادق‌پور از جمله‌ی اهداف برگزاری این جشنواره، در کنار توسعه‌ی فرهنگ پژوهش و نوآوری و تقویت روحیه‌ی کار جمعی، به ایجاد زمینه‌ی کنجکاو، تفکر، ابتکار عمل، اعتمادبه‌نفس و تقویت ضریب طاقت شکست دانش‌آموزان اشاره کرد و گفت: «برگزاری این جشنواره در راستای فرمایشات مقام معظم رهبری، توصیه‌های مقام محترم ریاست جمهوری و براساس سند تحول بنیادین صورت گرفته که به پژوهش و اولویت آن در آموزش ابتدایی تأکید کرده است. به گفته‌ی صادق‌پور، در این جشنواره ۱۸۳ پروژه‌ی دانش‌آموزی در سطح اختراع و آزمایش و ۲۱ پروژه‌ی تألیفی ارائه شده‌اند.

زمینه‌ی یادگیری پایدار

مرتضی شکوهی، معاون دفتر آموزش دبستانی و دبیر چهارمین جشنواره‌ی کشوری جابر بن حیان و نخستین جشنواره‌ی دانش‌آموزان مؤلف نیز گفت: «به‌منظور ایجاد زمینه‌ی یادگیری عمیق و پایدار دانش‌آموزان، طرحی با عنوان پروژه‌های علمی را برای اجرای هرچه مطلوب‌تر برنامه‌ی درسی پیش‌بینی کرده‌ایم. با انجام این پروژه‌ها، دانش‌آموزان عملاً به جریان جست‌وجوگری وارد می‌شوند و با کمک و راهنمایی معلم و اولیای خود به فعالیت‌های علمی و پژوهشی می‌پردازند.»

او گفت: «از دوره‌ی دوم ابتدایی دانش‌آموزان را هدایت می‌کنیم که پروژه‌های آزمایش، تولید و ساخت انجام دهند. در پروژه‌ی آزمایش، دانش‌آموز موضوعی را انتخاب می‌کند که بتواند فرضیه‌هایی را در خصوص آن تنظیم و در تلاشی علمی آن فرضیه‌ها را بررسی کند و نتایج حاصل را در قالب گزارش پروژه‌ی علمی ارائه دهد.»

مرتضی شکوهی درباره‌ی اولین جشنواره‌ی دانش‌آموزان مؤلف دوره‌ی ابتدایی گفت: «این جشنواره در پرورش توان نویسنده‌ی دانش‌آموزان، احیای

جایگاه درس انشا و قدرت نوشتاری و خواندن دانش‌آموزان و تقویت جایگاه زبان‌آموزی مؤثر است.



مثل‌های آذربایجانی را گردآوری کرده‌ام

نازیلا سلیمانی‌فرد، دانش‌آموز پایه‌ی ششم ابتدایی از دبستان مادر شکبیا، ناحیه‌ی ۸ تبریز، استان آذربایجان شرقی، گفت: «مثل‌های ترکی آذربایجانی را و اینکه چه کاربردی دارند و در کجاها استفاده می‌شوند نوشته و به‌صورت کتابی در آورده‌ام.»

او دیگر کتاب تألیفی‌اش را که به‌زودی منتشر خواهد کرد، «راز و رمزهای طبیعت» عنوان کرد.

وسيله‌ای برای خنک کردن منطقه‌ی زندگی‌ام ساختم

کیور احلال زهی، دانش‌آموز اهل تسنن کلاس ششم، از شهرستان سراوان استان سیستان و بلوچستان، دبستان فرهنگیان، سازنده‌ی دستگاه خنک‌کننده و خوشبوکننده‌ی فضای باز است. او گفت: «این وسیله را در قالب کار گروهی و راهنمایی آموزگارمان ساختیم. احلال زهی درباره‌ی چگونگی کار این دستگاه گفت: در این وسیله پمپ آب به وسیله‌ی یک تایمر و تقویت‌کننده به برق متصل می‌شود و با استفاده از لوله‌ی مسی در حیاط لوله‌کشی می‌شود که روی لوله‌ی



مسی به وسیله‌ی اتصالات و سوپاپ‌های فشار آب تعبیه شده تا آب به‌صورت ذرات از سوپاپ‌ها به بیرون انتقال داده شود.»

روغن‌های گیاهی اثر آنتی‌اکسیدانی بهتری دارند

میینا اتابکی، دانش‌آموز کلاس ششم، مدرسه‌ی فرشتگان، از شهرستان شاهین‌شهر استان اصفهان، نیز با انجام آزمایشی گروهی به عملکرد بهتر روغن زیتون در جلوگیری از زنگ زدن فلزات



در مقایسه با سایر روغن‌ها، اشاره کرد و گفت: «برای انجام این آزمایش ۱۲ میخ آهنی انتخاب کردم. یکی را آغشته به روغن زیتون، دومی را آغشته به روغن آفتابگردان، دیگری را آغشته به روغن صنعتی و چهارمی را بدون روغن در محیط مرطوب قرار دادم. مشاهده کردم که میخ آغشته به روغن زیتون دیرتر دچار زنگ‌زدگی می‌شود. برای حصول اطمینان از نتیجه‌ی به‌دست آمده، این آزمایش را در سه مرحله‌ی دیگر و به‌صورت آزمایشگاهی ادامه دادم تا فرضیه‌ام تأیید شود.»

تأثیر کاربردی انرژی گرمایی خورشید در کاهش تخریب جنگل‌ها و قطع درختان

امیررضا اسدپور، دانش‌آموز پایه‌ی ششم ابتدایی مدرسه‌ی شهید فلاحی از منطقه‌ی عشایری کلیبر استان

شوند و یادگیرندگان مادام‌العمری شوند که هیچ‌وقت از یادگیری خسته نشوند و همیشه به دنبال یادگیری و کارآفرینی باشند.»



جابر در میان عشایر

فعالیت‌های دانش‌آموزان عشایری نیز در این جشنواره پنهان از نظرها نبوده است. **علی نجات روستا** از مدرسه‌ی آیت‌الله طالقانی سرچک در استان لرستان دانش‌آموزان عشایری پایه‌ی ششم را در ساخت خودروی الکتریکی راهنمایی کرده است. آن‌ها به تجدیدنپذیر بودن سوخت‌های فسیلی آگاه‌اند و دنبال استفاده از نیروهای جایگزین هستند. به همین دلیل خودرویی با وزن ۲۹۰ گرم ساخته‌اند که نیروی رانش خود را از ۲ باتری نه ولتی می‌گیرد. دانش‌آموزان سازنده‌ی این طرح به موضوع جلوگیری از آلودگی هوا و محیط‌زیست اهتمام دارند.



روح‌الله دریکوند، یکی از دانش‌آموزان عشایری



برق مصرفی به ۳۰ کیلووات برسد، هشدار دهد و در صورت تداوم افزایش مصرف به بیش از ۳۰ کیلووات، ال‌ای‌دی آن روشن شود.»

هشداردهنده‌ی سیل

کوثر نوروزی، دانش‌آموز پایه‌ی ششم ابتدایی از دبستان امام خمینی استان آذربایجان شرقی، با طرح «هشداردهنده‌ی سیل» در این جشنواره شرکت کرده بود. او گفت: «با بهره‌مندی از این سیستم، قبل از اینکه در منطقه‌ای سیل بیاید، به مردم و مسئولان منطقه اطلاع‌رسانی می‌شود؛ آژیر برای افراد نابینا و چراغ‌های آلارمی برای افراد ناشنوا.»

پای صحبت معلمان

حمد حیدری، رئیس اداره‌ی تکنولوژی و گروه‌های آموزشی استان سیستان و بلوچستان گفت: «مبنای تحول در نیروی انسانی است و هر جامعه‌ای تکامل و توسعه‌اش به داشتن نیروهای انسانی قوی و علم و پژوهش بستگی دارد. به همین دلیل، دانش‌آموزان ما از همان دوران کودکی و از زمانی که وارد مدرسه می‌شوند، باید به کارهای تحقیقی و پژوهشی روی آورند تا در آینده محقق، پژوهشگر و عالم باشند.»

فاطمه منصورزاده، کارشناس تکنولوژی و گروه‌های آموزشی استان اصفهان، نیز گفت: «برگزاری این جشنواره سبب شد دانش‌آموزان به دنبال پژوهش بروند و با دیگران ارتباط برقرار کنند. از روش‌های مصاحبه و مشاهده برای کسب اطلاعات استفاده کنند و با روش‌های پژوهشی آشنا



آذربایجان شرقی نیز با طرح «تأثیر کاربردی انرژی گرمایی خورشید بر کاهش قطع درختان و تخریب جنگل‌ها در زندگی عشایری» در این جشنواره شرکت کرده بود. او گفت: «در این آزمایش که به صورت گروهی و با راهنمایی معلم‌مان انجام شد، فکر کردیم چه کنیم تا درختان کمتری برای سوزاندن و تولید گرما قطع شوند.» او توضیح داد: «برای این کار از فویل آلومینیومی برای تولید حرارت و گرما استفاده کردیم، به طوری که میزان جذب نور خورشید توسط فویل آلومینیوم، با افزایش قطر فویل، به قدری می‌شود که می‌تواند آب کتری را بجوشاند. این دانش‌آموز عشایری اظهار امیدواری کرد با بهره‌مندی از فویل‌های آلومینیومی قطور، گردشگران کمتر برای تولید آتش و حرارت چوب درختان را بسوزانند.»

هشداردهنده‌ی میزان مصرف برق خانگی

سیدآرمین دانش، دانش‌آموز کلاس ششم مدرسه‌ی فرزانه از استان اصفهان نیز به ساخت دستگاهی در قالب کار تیمی اشاره کرد که در صورت افزایش میزان مصرف برق خانگی به بیش از ۳۰ کیلووات ساعت، ابتدا آژیر می‌کشد و در صورت تداوم افزایش مصرف، لامپ‌های ال‌ای‌دی آن روشن می‌شود. او درباره‌ی چگونگی این کار گفت: «برای عملیاتی کردن این کار در مسیر برق خانه که به کنتور وصل می‌شود، یک حس گر جریان گذاشتم تا جریان برق خانه را اندازه‌گیری کند و بعد یک آی‌سی روی آن برنامه نصب کردم که اگر میزان

جعبه‌ی سیاه آموزگار

ارزشیابی توصیفی دائمی

نجمه دائمی

روز مرگ نمره‌ها و روز جولان جملات توصیفی و نوازش‌کننده‌ی بچه‌ها فرا رسیده است و حال آموزگاران می‌خواهند با جملاتی زیبا و توصیفی دفتر نمره و دفتر تکالیف و مشق یا برگه‌های هفتگی دانش‌آموزان را پر کنند و بنوازند، اما باز هم نمی‌دانند چه بنویسند؟ اگر از من بپرسید، می‌گویم سلیقه‌ای است و هر چه دل تنگت می‌خواهد بنویس. ولی شما که گوش نمی‌دهید. همه می‌خواهید مثل هم بنویسید که این امکان ندارد، چون به تعداد آموزگاران کروی زمین روش آموزش و طرز نوشتن داریم. وقتی پنج تا انگشت با هم یکی نیستند، چطور می‌خواهید که همه به یک شکل بنویسند و رفتار کنند. مگر خداوند انسان‌ها و گیاهان و جانوران و هر چه را متفاوت نیافریده است! پس چرا نگرانید؟!

و اما با یک نگاه در کلاس می‌توان فهمید کلاس در وضعیت سفید است یا قرمز. باید گفت که دفتر نمره شده جعبه‌ی سیاه آموزگار و آن قدر آموزگاران روی دفترهای نمره مانور می‌دهند و به آن علاقه‌مندند که از جعبه سیاه‌های دیگر مثل دفتر املا، پوشه‌ی کار، فهرست وارسی (چک‌لیست)، رفتارها و گفتارهای دانش‌آموزان و غیره غافل می‌شوند.

با آمدن ارزشیابی توصیفی یا کیفی، دست آموزگار باز است و او می‌تواند از همه‌ی ابزارها برای ارزشیابی استفاده کند. به هر حال، باید تا می‌توانید از گل نازک‌تر به دانش‌آموزان نگویید. این شعار ماست. مگر نه که مولوی می‌گوید: «ما برای وصل کردن آمدیم». اما خدایی، بدون جعبه سیاه هم نمی‌توان بود، مگر می‌شود. مگر داریم؟ و من به‌عنوان سرگروه جدید کلاس سوم، با همه‌ی این تفاسیر، هیچ‌وقت زحمات همکاران عزیزم را نادیده نمی‌گیرم و آموزگاری را بالاترین و اولین هنر و شغل می‌دانم و کوچک‌ترین و جزئی‌ترین هنر و ابتکار آموزگار و دانش‌آموزان را هم به حساب همان جعبه‌ی سیاه می‌گذارم.

اشاره

نجمه دائمی آموزگاری از استان گلستان است. به نظر می‌آید او ارزشیابی توصیفی را خوب شناخته است و به کار می‌بندد. می‌گوید نه! پس بعد از خواندن «بچ‌بچ ممنوع» که دل‌نوشته‌ی یکی از دانش‌آموزانش به نام ریحانه حاجی‌زاده است، «جعبه‌ی سیاه آموزگار» او را نیز بخوانید تا به گفته‌ی ما برسید. کلاس، آموزگار، زنگ تفریح و خانه از کلیدواژه‌های این مطلب هستند.

بچ‌بچ ممنوع!

ما نمی‌دانیم چه وقتی باید بچ‌بچ کنیم. در کلاس وقتی که هنوز آموزگار نیامده است، مبصر می‌گوید: «بچ‌بچ ممنوع». وقتی آموزگار می‌آید، می‌گوید: «بچ‌بچ ممنوع». در زنگ تفریح خانم ناظم می‌گوید: «بچ‌بچ...!» در خانه که هستیم مادر و پدر می‌گویند: «... ممنوع!» ما آخر نفهمیدیم که چه موقع‌هایی بچ‌بچ کنیم. اوای چقدر بچ‌بچ ممنوع؟

جعبه‌ی سیاه آموزگار

اگر خدای نکرده هواپیمایی سقوط کند، کارشناسان به دنبال جعبه‌ی سیاه آن می‌گردند تا ببینند و بررسی کنند چه اتفاقی افتاده است. حال اگر کارشناسی به کلاس شما سری بزند و شما حضور داشته یا نداشته باشید - ان‌شاء‌الله که همیشه باشید و صعود داشته باشید نه سقوط - فکر می‌کنید اولین چیزی که توجهش را جلب می‌کند، چیست؟

بله! درست است. دفتر نمره یا دفتر ثبت شاخص‌های آموزگار است. با نگاهی تقریبی به دفتر شاخص‌ها می‌توان فهمید که اوضاع از چه قرار است؟ اما این روزها، با وجود اینکه چندین سال از تشریف‌فرمایی ارزشیابی کیفی و توصیفی گذشته است، هنوز بعضی از همکاران در سردرگمی برای نوشتن دفتر نمره یا دفترهای دیگر به سر می‌برند.

جناب صدای همه چی دون!

محمد بحرانی
درباره‌ی اهمیت
هنرنمایش
برای آموزگاران
می‌گوید

معصومه حبیب پور
عکاس: غلامرضا بهرامی



اشاره

تئاتر، سینما و تلویزیون زمینه‌ی کاری و آموزشی مناسبی برای هنرمندان و البته دانش‌آموزان است. آیا فکر کرده‌اید این رسانه‌ها یا عوامل این حوزه را به کلاس ببرید؟ اگر آثار شگرف این عوامل را دیده‌اید، در اثرگذاری آن داخل کلاس و روی دانش‌آموزان شک نکنید.

در این زمینه، یکی از برنامه‌های خوب سیمای جمهوری اسلامی ایران در شبکه‌ی نسیم، «خندوانه» بوده است که به دلیل انتخاب موضوع خنده و همچنین عوامل مؤثری از جمله عروسک، عروسک‌گردان، صداپیشه و عنصر نمایش، بسیاری از بینندگان را به پای صفحه‌ی نمایش می‌کشید.

آیا از دانش‌آموزان خود پرسیده‌اید چه اندازه به هنر نمایش علاقه دارند؟ آیا استعداد یک یا چند تن از آن‌ها را شناسایی کرده و از عنصر نمایش و فن بیان در کلاس برای تدریس یک درس خاص استفاده کرده‌اید؟ از آن جایی که شخصیت عروسکی جناب خان (استاد همه‌چی دون و ببعی) برای کودکان جالب توجه بوده است، گفت‌وگویی با صداپیشه‌ی این عروسک داشته‌ایم که نظراتان را به آن جلب می‌کنیم.

و عروسکی شده‌ام. [با خنده اضافه کرد] سابقه‌ام دارد سنگین می‌شود.

صداپیشه یعنی چه؟

در سال‌های اخیر به کسانی که به جای عروسک‌ها صحبت می‌کنند به‌طور خاص صداپیشه می‌گویند.

حالا برگردیم به قدیم‌ترها. آیا به صداپیشگی علاقه داشتید و مثلاً آموزگاری در دبستان شمارا کشف کرد؟

یادم می‌آید که در دوران مدرسه موجبات خنده‌ی افراد را فراهم می‌کردم. اما کسی غیر از خودم و دوست نزدیکم در دبیرستان، مرا کشف نکرد. علاقه‌ای هم به فعالیت در گروه‌های تئاتری مدرسه نداشتم.

اما ورود من به صحنه‌ی هنر، به وسیله‌ی دوستی به نام علی بهرامی فر در دبیرستان اتفاق افتاد.

رشته‌ی انسانی ادامه‌ی تحصیل می‌دادم. الان لیسانس بازیگری و کارشناسی ارشد کارگردانی تئاتر دارم.

چندسال سابقه‌ی کار عروسکی دارید؟

از سال ۱۳۸۰ وارد عرصه‌ی کار کودک

با تشکر از حضور شما در این گفت‌وگو، خودتان را معرفی کنید!

من محمد بحرانی هستم. سال ۱۳۶۰ بعد از تولد شیراز را دیدم. رشته‌ی تجربی را دوست داشتم. به اصرار خانواده به رشته‌ی ریاضی وارد شدم و اگر دست خودم بود در



شما در کار هنری خود، در واقع با نمایش آموزش می‌دهید؟ آیا این تلاش هنری در فرایند یاددهی-یادگیری مناسب است؟

به نظرم هنر نمایش در هر جا و دوره‌ای می‌تواند اثربخش باشد و اثر آن از ذهن بیرون نمی‌رود. مثلاً شیوه‌ی سخنرانی در کلاس‌های امروز حتی برای دبستان جایگاهی ندارد و اثر آن زودگذر است. بهتر است آموزگاران حتماً آموزش‌های تئاتری ببینند و در اطراف آن مطالعه و با بچه‌ها تئاتر اجرا کنند.

از ارتباط با بچه‌ها چه حسی دارید؟

سال‌هاست برای کودکان کار می‌کنم. مثلاً استاد «همه‌چی دون» که صدایش را اجرا می‌کردم و سال ۸۶ از شبکه‌ی دوم سیما پخش می‌شد، میان بچه‌ها حاضر بود و به سؤال‌های آن‌ها جواب می‌داد. در مجموع از ارتباط با بچه‌ها حس خوبی دارم.

در دبستان دانش‌آموز خوبی بودید؟

شیطنت می‌کردم، اما معمولاً از روی درس‌ها خوب می‌خواندم. رابطه‌ام با آن‌ها خوب بود.

آیا نام آموزگاران خود را به یاد دارید؟

در شیراز به دبستان فیاض‌بخش می‌رفتم. آموزگار پایه‌ی اول من خانم **موسوی** و در پایه‌ی سوم خانم **جاویدی** بود.

چه حرفی با آموزگاران دارید؟

فیلم‌های خوب، انیمیشن‌های روز دنیا و نمایش‌ها را ببینند. آن‌ها باید بازی‌های بچه‌ها را بازی کنند تا بدانند بچه‌ها چگونه فکر می‌کنند. اگر آموزگار یک کلمه از آن اصطلاحات را بگوید، بچه‌ها ذوق می‌کنند، چون می‌بینند معلم از خودشان است.

شما بازخوردی از اجرای کارهای نمایشی به همراه موسیقی دارید؟

البته اگر خندوانه را می‌گویید، عرض می‌کنم خانم بارداری نامه نوشته بود که وقتی جناب خان برنامه اجرا می‌کند، من حال خوب فرزندم را حس می‌کنم. این دلایلی دارد که یکی به خاطر تأثیر موسیقی جنوبی است و دیگری وابسته به نیت ماست که می‌خواهیم حال خوبی به جامعه تزریق کنیم.



من و کلاس هوشمندم

آشنایی با نرم افزار Smart Class

Smart Class

محمدصادق اسماعیلی فر
نادیا غلامی پور

اشاره

با فراگیر شدن ارزشیابی توصیفی، نیاز به پوشه‌ی کار برای هر دانش آموز، یکی از اولویت‌های کلاس را تشکیل می‌دهد. با وجود مزایای فراوان این ابزار ارزشیابی، مشکلاتی مثل وقت‌گیر بودن تکمیل آن، و حجیم و جاگیر بودن پوشه‌ها، در استفاده از آن‌ها محدودیت‌هایی را ایجاد کرده است. حال اگر بتوانیم بخشی از کارهای دانش آموزان را به صورت الکترونیکی در پوشه‌ای ذخیره کنیم، مشکل حجیم و وقت‌گیر بودن را تا حدودی رفع کرده‌ایم.

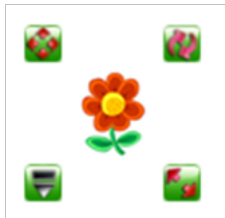
فارغ از نرم افزارهایی که برای تهیه‌ی پوشه کار الکترونیکی طراحی شده‌اند، ما می‌توانیم در آغاز سال برای هر دانش آموز یک پوشه‌ی الکترونیکی باز کنیم و درس‌ها را در آن طبقه‌بندی کنیم. هر بار که دانش آموز از تخته‌ی هوشمند استفاده و فعالیت یا مسئله‌ای را حل می‌کند، از کار او فیلم یا عکس تهیه می‌کنیم و در پوشه‌ی مخصوص وی قرار می‌دهیم. تهیه‌ی فیلم و عکس از این‌گونه فعالیت‌ها، به دوربین و تجهیزات خاصی نیاز ندارد. تخته‌ی هوشمند کلاس من تمام این کارها را انجام می‌دهد، زیرا آن را به نرم افزار (اسمارت کلاس) مجهز کرده‌ام. در ادامه این نرم افزار را با توجه به قابلیت بالا معرفی می‌کنیم.

یادگیری، در صفحه قرار می‌دهد. برای این کار مراحل زیر را طی می‌کنیم:

۱. ابتدا روی ابزار چندرسانه‌ای  کلیک و تصویر را انتخاب می‌کنیم.


۲. با نگه داشتن دکمه‌ی سمت چپ ماوس و کشیدن آن به اندازه‌ی دلخواه، تصویر را در صفحه ایجاد می‌کنیم.


۳. اکنون باید به تعداد مورد نیاز این تصویر را در صفحه ایجاد کنیم. برای این کار ابتدا ابزار نشانگر  را انتخاب و روی تصویر ساخته شده در مرحله‌ی ۲ کلیک می‌کنیم. حالتی مطابق شکل زیر ایجاد می‌شود:




۴. روی علامت مربع پایین سمت چپ کلیک می‌کنیم. نوار ابزاری جدید با نام تنظیمات تصویر به شکل زیر ایجاد می‌شود.









۵. روی علامت  که برای کپی تصویر در نظر گرفته شده است، کلیک می‌کنیم. نوار ابزار جدیدی ظاهر می‌شود که دو گزینه دارد.


۶. روی شکل  که عمل چسباندن را انجام می‌دهد کلیک می‌کنیم.

۷. شکل نشانگر ماوس به  تغییر می‌یابد. اکنون اگر در هر نقطه از صفحه کلیک کنید، شکلی مشابه ظاهر خواهد شد.

۸. مراحل ۶ و ۷ را تکرار می‌کنیم تا تعداد دلخواه از تصویر مورد نظرمان روی صفحه ایجاد شود.

اسمارت کلاس برای اجرا به نصب نیاز ندارد و یکی از ویژگی‌های مثبتش، فارسی بودن آن است. این برنامه قابلیت اجرا به همراه کلیه نرم افزارهای رایانه‌ای را دارد. هنگام کار با یک ورق‌زن، می‌توان از مژیک شبرنگ  آن برای تأکید بر برخی نکات مهم استفاده کرد. اسمارت کلاس با داشتن ابزارهایی مانند قلم‌مو، قلم هندسی ، گونیا ، نقاله ، خط‌کش، پرگار  و ساعت  مجموعه‌ی وسیعی از امکانات آموزش الکترونیک را در اختیار آموزگار قرار می‌دهد. برای آشنایی بیشتر با نحوه‌ی استفاده از امکانات این نرم افزار، مثالی ساده و عملی از صفحه‌ی ۶ کتاب ریاضی پایه‌ی دوم می‌آوریم.

هدف از اجرای فعالیت ۱ این صفحه آن است که دانش آموزان بتوانند با دسته‌بندی اشیاء در دسته‌های ده‌تایی و قرار دادن تعداد دسته‌های ده‌تایی و یکی در جدول ارزش مکانی، عدد دو رقمی به دست آمده را بخوانند و با حروف و عدد بنویسند.

پیش از شروع کلاس، آموزگار تصویری مانند  را از اینترنت دانلود می‌کند و به تعداد دلخواه و منطبق با اهداف



را انتخاب می‌کنیم. نمونه‌ای از فعالیت دانش‌آموز در تصویر نشان داده شده است.



$$\begin{array}{r} ۳۴ \\ ۳۶ \end{array}$$



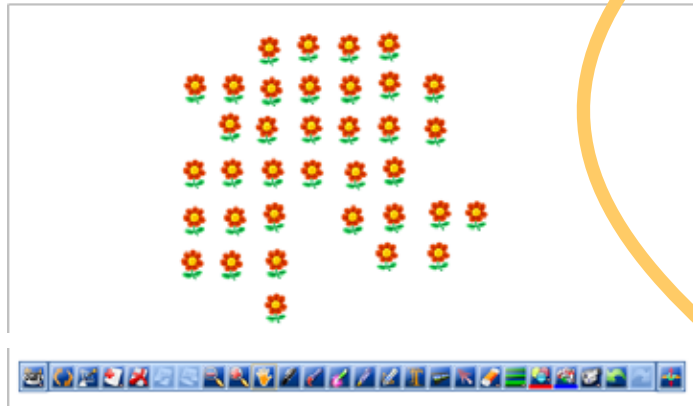
پی‌نوشت،
1. Smart Class

هوشمند Smart Class



پس از تشویق مناسب دانش‌آموز، مجدداً از نوار ابزار دکمه‌ی فیلم را انتخاب و از منوی مربوطه، «پایان ضبط» را انتخاب می‌کنیم. برای ذخیره‌ی فیلم موردنظر، مجدداً دکمه‌ی ضبط فیلم را می‌فشاریم و روی گزینه‌ی «ذخیره کردن» کلیک می‌کنیم. در پنجره‌ی باز شده و پس از انتخاب پوشه‌ی الکترونیکی دانش‌آموز، این فایل را با نامی مشخص، مثل «فعالیت ۱- صفحه‌ی ۶- ریاضی»

ذخیره می‌کنیم تا در آینده برای دسترسی به آن دچار مشکل نشویم. همچنین، می‌توان یک نسخه از فعالیت انجام شده را چاپ کرد و در اختیار دانش‌آموز یا درون پوشه‌ی کار قرار داد. برای این کار، در نوار ابزار روی آیکون کلیک می‌کنیم و در منویی که باز می‌شود، گزینه‌ی «چاپ کردن»



پس از مهیا کردن محتوای مورد نیاز، اکنون نوبت سامان‌دهی فعالیت‌های درون کلاس است. پس از اجرای مراحل مقدماتی، ایجاد انگیزه و مراحل دست‌ورزی ذکر شده در کتاب راهنمای معلم، یکی از صفحات ایجاد شده را باز می‌کنیم و از دانش‌آموز می‌خواهیم به پای تخته‌ی هوشمند بیاید. قبل از آغاز فعالیت، در نوار ابزار دکمه‌ی ضبط فیلم را می‌فشاریم و گزینه‌ی «شروع ضبط» را انتخاب می‌کنیم تا بتوانیم از نحوه‌ی انجام فعالیت دانش‌آموز فیلم بگیریم و آن را در پوشه‌ی کار الکترونیکی او ذخیره کنیم.

اکنون دانش‌آموز با استفاده از ابزار قلم شکل را به دسته‌های ده‌تایی تقسیم می‌کند و با رسم یک جدول ارزش مکانی، تعداد دسته‌های ده‌تایی و یکی را در آن می‌نویسد. در نهایت، از او می‌خواهیم عدد دو رقمی به دست آمده را به عدد و حروف نیز بنویسد.

پس از تشویق مناسب دانش‌آموز، مجدداً از نوار ابزار دکمه‌ی فیلم را انتخاب و از منوی مربوطه، «پایان ضبط» را انتخاب می‌کنیم. برای ذخیره‌ی فیلم موردنظر، مجدداً دکمه‌ی ضبط فیلم را می‌فشاریم و روی گزینه‌ی «ذخیره کردن» کلیک می‌کنیم. در پنجره‌ی باز شده و پس از انتخاب پوشه‌ی الکترونیکی دانش‌آموز، این فایل را با نامی مشخص، مثل «فعالیت ۱- صفحه‌ی ۶- ریاضی»

افزایش «سلامت یادگیری» با پوشه‌ی کار الکترونیکی



بهمن قره‌داغی

اشاره

این واقعیتی است که بشر در آغاز هزاره‌ی سوم، یعنی عصر نانو تکنولوژی، دانایی و انفجار اطلاعات، و به تعبیری «عصر انفجار و اضطراب اطلاعاتی»، خواسته و ناخواسته فشارهای فناورانه‌ی انکارناشدنی را تجربه خواهد کرد. بر این اساس، نظام‌های آموزشی با شکل جدیدی از یادگیری به نام یادگیری الکترونیکی روبه‌رو هستند که در نتیجه‌ی آن نیز راهی جز ورود به دنیای مجازی الکترونیکی ندارند. به باور نگارنده، راه‌هایی از این فشارها، دانش‌آموختن پیوسته و مهارت‌ورزیدن شغلی نظام‌دار در عرصه‌ی اطلاعات، و پذیرش تغییرات جدید است.

کلیدواژه‌ها: پوشه‌ی کار الکترونیکی، ارزشیابی توصیفی، سلامت یادگیری

● در ارزشیابی کیفی - توصیفی که به‌عنوان رویکردی تازه و متناسب با زمان و البته در ادامه‌ی منطقی مبانی سنجش و

اندازه‌گیری، در دهه‌ی هشتاد خورشیدی، در نظام آموزشی ایران طرح شد، «پوشه‌ی کار» (کار پوشه، کارنما، سنجش پرونده‌ای، پوشه‌ی عملکرد) از شیوه‌هایی است که آموزگار با یاری گرفتن از آن، سوابقی هدفمند از دانش‌آموز را گردآوری و مدیریت می‌کند که با مراجعه به آن‌ها، به‌راحتی و با کمترین خطا بتواند در مورد فرایند پیشرفت تحصیلی و نحوه‌ی یادگیری دانش‌آموزان قضاوت کند و در صورت نیاز به والدین دانش‌آموزان و اولیای مدرسه نیز گزارش پیشرفت تحصیلی ارائه دهد. ضمن اینکه پوشه‌ی کار به دانش‌آموز امکان می‌دهد:

- شاهد رشد و پیشرفت خود باشد و در نتیجه اعتماد به نفس او افزایش یابد.
- اشتباهات خود را بشناسد و اصلاح کند.
- این کار توان ریسک کردن، نهراسیدن از اشتباه، جرئت پذیرش اشتباه و اصلاح آن را به وی می‌دهد. به این ترتیب، دانش‌آموز را در فرایند آموزش خود سهیم می‌کند.
- بین آموخته‌های قبلی و جدید خود

ارتباط برقرار کند. به این ترتیب، «مهارت خودارزیابی» که از بنیادی‌ترین اصول تعلیم و تربیت است در دانش‌آموز تقویت می‌شود.

- غیرمستقیم در فرایند یادگیری مفاهیم درسی خود سهیم شود.
- با انتخاب و قرار دادن نمونه کارهایش در پوشه‌ی کار خود، برای تصمیم‌گیری‌های آگاهانه و قضاوت مسئولانه فرصت تمرین پیدا کند.

در این راستا و در این شرایط، چند سؤال ذهن نگارنده را به خود مشغول داشته است:

- راستی، به جای این همه پوشه‌های کاغذی که همه‌ی مدارس و با امکانات متفاوت، در این باره یکسان عمل می‌کنند، نیکوتر آن نیست که در برخی مدارس برخوردار و به‌ویژه مدارس هوشمند، از پوشه‌های الکترونیکی استفاده شود؟ نمی‌شود گامی در کوچه‌باغ پسر از بهار فراداها نهاد؟
- آیا دسترسی، حمل و نقل و مدیریت پوشه

کارهای الکترونیکی ساده‌تر و آسان‌تر نیست؟
آیا با تشکیل پوشه‌ی کار الکترونیکی چندرسانه‌ای، مشاهدات آموزگار از عملکرد دانش‌آموزان در فضای مجازی دیداری نمی‌شود؟

اهمیت و ضرورت استفاده از پوشه‌ی کار الکترونیکی

تجربه‌ی کار با پوشه کارهای کاغذی حکایت از آن دارد که فرایندها و فرآورده‌های یادگیری غیرشناختی دانش‌آموزان را نمی‌توان به شکل عینی مستند کرد. بنابراین، راه یا راه‌های نرفته‌ای متناسب با زمان را باید برگزید. از آنجا که هزاره‌ی سوم میلادی به دلیل فراوانی استفاده از واژه‌ی الکترونیک (تجارت الکترونیک، بانکداری الکترونیک، کتاب الکترونیک، بلیت الکترونیک، کارت الکترونیک، شهر الکترونیک، پرسش‌نامه‌ی الکترونیک، پست الکترونیک، روابط عمومی الکترونیک، دولت الکترونیک و...) هزاره‌ی الکترونیکی خواهد بود، شاید الکترونیکی‌سازی پوشه‌کار راهی عقلانی باشد که در این نوشتار بدان پرداخته شده است.

برخی از فایده‌های استفاده از پوشه‌ی کار الکترونیکی در مدارس

- دسترسی آسان، به هنگام، کم هزینه و فرامگانی، به اطلاعات پیشرفت تحصیلی و تربیتی دانش‌آموز
- اطلاع‌رسانی متنوع (چندرسانه‌ای).
- اشغال نشدن فضای فیزیکی کلاس.
- تنوع در ارائه‌ی بازخوردها و افزایش عمق یادگیری.
- ساده‌سازی خودسنجی‌ها.
- امکان جست‌وجوی سریع اطلاعات و گزارش‌سازی آسان.
- کاهش استفاده از کاغذ و کمک به اقتصاد جامعه و حفظ محیط‌زیست.
- ایجاد خاطرات خوش از پوشه‌ی کار در دوران مدرسه.

در ادامه، برای سه مورد از موارد ذکر شده، شرحی اجمالی ارائه می‌شود:

۱. دسترسی آسان، به هنگام، سریع و کم‌هزینه و فرامگانی، به اطلاعات پیشرفت تحصیلی و تربیتی دانش‌آموز

اکثر اولیا، به‌ویژه در شهرهای بزرگ، دفعات مراجعه‌شان به مدارس فرزندانشان بسیار محدود است. اما بسیاری از همین اولیا، در محیط‌های کار، منزل و... فرصت‌های محدود ولی مکرری دارند که بی آنکه در خدمت سازمان یا خانواده باشد، بی‌ثمر سپری می‌شود. با توسعه‌ی میکروچیپ‌ها، فناوری فایبر اپتیک، اینترنت، ارتباطات دیجیتال و... اطلاعات پوشه‌ی کار الکترونیکی هر دانش‌آموز می‌تواند به سرعت و به سهولت هر چه تمام‌تر و بی‌درنگ در اختیار آن‌ها قرار گیرد. به عبارت دیگر، با الکترونیکی‌سازی محتوای پوشه‌ی کار، مرزهای زمانی و مکانی از بین می‌رود، بدین معنا که ذینفعان تعلیم‌وتربیت، در طول شبانه‌روز و هر جا که باشند، بدون نیاز به حضور در مدرسه، می‌توانند از عملکرد پیشرفت تحصیلی دانش‌آموز آگاهی یابند، با آموزگار فرزندشان در تعامل باشند و ترمیم‌های آموزشی و مداخله‌های به هنگام را مطابق رهنمودها و توصیه‌های آموزگار اعمال کنند. به بیان دیگر، با الکترونیکی‌سازی پوشه کارها، اولیا می‌توانند عملکرد تحصیلی و شایستگی‌های عمومی فرزند خود را که آموزگار آگاهانه، هدفمند و منظم، جمع‌آوری، انتخاب و سازمان‌دهی کرده است، به‌صورت داندلود و قابل ذخیره در دیسکت یا سی‌دی یا به شکل ضمیمه به ایمیل شخصی خود، در اختیار داشته باشند و هرگاه که نیاز داشتند، روند پیشرفت تحصیلی فرزند خود را مشاهده کنند و در کمترین زمان ممکن به آن دسترسی داشته باشند. برای مثال، در صورتی که اعضای شورای مدرسه بخواهند در خصوص وضعیت تحصیلی دانش‌آموزی تصمیم‌گیری کنند، همه‌ی اعضا می‌توانند

همزمان نسبت به بررسی پوشه‌ی کار دانش‌آموز اقدام کنند.

۲. اطلاع‌رسانی متنوع (چندرسانه‌ای)

از آنجا که محیط‌های الکترونیکی به کاربران امکان می‌دهند با استفاده از عناصر تصویری، ارتباطی، گرافیکی و اجزای شبیه‌سازی شده و متحرک‌سازی، علاوه بر متن، به راحتی از صوت، تصویر، ویدئو و... نیز استفاده کنند، لذا با الکترونیکی‌سازی پوشه کارهای دانش‌آموزان و با به خدمت گرفتن امکانات چندرسانه‌ای، فصل تازه‌ای به روی مدارس و دانش‌آموزان گشوده می‌شود. برای مثال، در پوشه کارهای کاغذی، وقتی آموزگار از شیوه‌ی سنجش مشاهده‌ای برای ارزشیابی عملکرد دانش‌آموزان در حیطه‌های مهارتی، عاطفی-اجتماعی و جسمانی کمک می‌گیرد، آنچه نمود عینی دارد، تنها اوراقی کاغذی است، تحت عنوان فهرست و آرسی، مقیاس درجه‌بندی یا رویدادنگاری. لیکن پوشه‌های کار الکترونیکی، علاوه بر آن‌ها، به آموزگار امکان می‌دهند با استفاده از نرم‌افزارهای گوناگون، به شکل عینی، ذینفعان تعلیم‌وتربیت را در جریان پیشرفت تحصیلی دانش‌آموز قرار دهند.

۳. ساده‌سازی خودارزیابی

شاید به جرئت بتوان ادعا کرد انجام هیچ فعالیتی در حوزه‌ی یاددهی-یادگیری به ثمر نخواهد نشست، مگر آنکه یادگیرنده قادر باشد خود به کنترل و ارزیابی از یادگیری‌های خود بپردازد. بدان معنا که دانش‌آموز درباره‌ی فعالیت و کار خود قضاوت کند، یعنی به خودارزیابی برسد. در ساده‌ترین و کلی‌ترین تعریف، خودارزیابی یا خودارزیابی، عبارت است از قضاوت دانش‌آموز درباره‌ی کیفیت کارها و فعالیت‌های خود، براساس شواهد و ملاک‌های روشن، به منظور انجام بهتر آن‌ها در آینده. مفهومی که در پارادایم‌های نوین یادگیری نیز آشکار و پنهان بدان اشاره شده است. بدان معنا که به متولیان آموزش توصیه می‌شود در آموزش، از

کمک به کودکان برای بهبود مهارت‌های ارتباطی

فعالیت‌های درمانی برای معلمان، والدین و درمانگران

منصوره محمدی پرفکر



نویسنده: دپورا. ام. پلامر

مترجمان: فهیمه آرین، حمدالله عبدالملکی

ناشر: آوای نور (تهران ۶-۶۶۹۶۳۵۵-۰۲۱)

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۳

قیمت: ۱۱۵۰۰ تومان

ارتباط چیست؟ می‌توان گفت، ارتباط فرایندی پیچیده است که هر انسانی به نوعی از مهارت‌های آن دست می‌یابد. در ارتباط با کودکان و در این زمینه، ایده‌هایی مطرح شده‌اند. زبان در لذت‌بخشی معنی کلمات، صدا یا حرکات ماهیچه‌ها و زبان بدن یا حرکات صورت، بخشی از وسایل ایجاد ارتباط و مهارت اجتماعی شناخته می‌شود.

در مقابل، اختلال ارتباطی نیز داریم که در رابطه با کودک توصیه می‌شود. برای درمان به موقع و متناسب با نیاز او، از درمانگر گفتار یا زبانی استفاده شود. کتاب فوق‌العاده‌ای برای حمایت از کودکان دارای مشکلات تکلمی، زبانی و ارتباطی ارائه می‌کند. مترجمان آن می‌گویند، هدف ما در اینجا تأکید بر اهمیت کمک به کودکان برای افزایش تاب‌آوری ارتباطی آنان است. بنابراین، توجه به روش‌های گفتاردرمانی و زبانی نسبت به بهبود مهارت‌های گفتاری و زبانی تأثیر بیشتری دارند.

کتاب کمک به کودکان برای بهبود مهارت‌های ارتباطی، در دو بخش شامل چهارده فصل، به موضوع‌های سلامت ارتباطی، بازی به مثابه یک ابزار درمانی در برقراری ارتباط و ارائه‌ی فعالیت و بازی می‌پردازد.

آیا می‌خواهید تعدادی از بازی‌ها و ایده‌ها را در محیط یادگیری یا کلاسی خود بررسی کنید و به اجرا بگذارید؟

با انجام دادن پیشنهادها، فعالیت‌های جمعی کودک در تمرین مهارت‌های ارتباطی بیشتر می‌شود.

رویکرد شناخت‌گرا به سمت فراشناخت حرکت کنند، با این انگاره که دانش‌آموز نحوه‌ی تکامل خود را تشخیص دهد، از چگونگی و طریقه‌ی پیشرفت خود آگاه شود، معیار پیشرفت را مشخص کند، توانایی ارزشیابی از خود را کسب کند، در مقابل فعالیت‌ها و اقدامات خود احساس مسئولیت کند، قدرت داوری و قضاوت در او تقویت شود، و...

در ساده‌ترین شکل خودارزیابی انتظار این است که دانش‌آموزان از میان کارهای خود، نمونه‌هایی را که بیانگر پیشرفت آن‌ها در یادگیری هستند، برای درج در پوشه‌ی کار خود برگزینند. اما با توجه به اینکه انتظار این است که هر دانش‌آموز، ماهانه ضمن بررسی پوشه‌ی کار خود، نتایج بررسی‌های خود را در قالب فرم‌هایی مشخص به آموزگار گزارش کند، پیداست که دانش‌آموزان پایه‌های اول و حتی دوم، از آنجا که هنوز توان نگارش و جمله‌آفرینی را به گونه‌ای که منظور آن‌ها را در برگیرد ندارند، نمی‌توانند نتایج خودارزیابی‌های خود را به اطلاع آموزگار برسانند. لذا با الکترونیکی کردن پوشه کارها، آن‌ها خواهند توانست با یاری جستن از امکانات صوتی یا نگاره‌ای، نتایج خودارزیابی‌هایشان را گزارش کنند. با این عمل، مهارت مهم خودارزیابی در آن‌ها تقویت خواهد شد. برخی از تنگناهای استفاده از پوشه‌ی کار الکترونیکی، در کنار فایده‌های غیرقابل انکار آن، که با محدودیت‌ها و تنگناهای اقتصادی فرهنگی و فناوری نیز مواجه است عبارت‌اند از:

- نداشتن زیرساخت‌های لازم و مناسب.
- نبود دسترسی همه‌ی آموزگاران، دانش‌آموزان و اولیا به رایانه و اینترنت، به‌ویژه در مناطق محروم و روستایی.
- ناآشنایی برخی از آموزگاران، دانش‌آموزان و اولیا با رایانه و اینترنت و پایین بودن سواد اطلاعاتی آن‌ها.
- دسترسی نداشتن اولیا و دانش‌آموزان به خطوط پر سرعت اینترنت برای دسترسی بر خط به پوشه کارها.
- نبود نرم‌افزارهای مناسب در مدارس.

منبع

۱. قره‌دانی، بهمن (۱۳۹۴). سفر تا بیست ارزشیابی برای یادگیری، راهنمای اجرای ارزشیابی کیفی - توصیفی در دبستان. زنده‌اندیشان. تهران.

تلنگر به بارنشست

تنظیم و تدوین: شهلا فهیمی

سؤال مسابقه‌ی تلنگری برای تفکر شماره‌ی ۷، درباره‌ی موانع و دلایل کم‌توجهی معلمان به امر مشاوره و راهنمایی در فرایند تعلیم و تربیت بود. **رضا بیابانی**، آموزگار دبستان شهید منتظری بشرویه، از خراسان جنوبی، در این زمینه نوشته است:

تشویق آموزگاران فعال در زمینه‌ی مشاوره و راهنمایی مهم است. تشکیل کارگاه‌های آموزشی در این حوزه می‌تواند کارساز باشد.»

اعظم اسفندیاری از منطقه‌ی ۱۴ تهران به مسابقه‌ی شماره‌ی ۴ و مواجهه‌ی آموزگار با سؤالات مرتبط و غیرمرتبط دانش‌آموزان چنین پاسخ داده است:

بچه‌ها در کلاس می‌توانند با یکدیگر تبادل نظر کنند، اما در هر مورد بهتر است آموزگار دانش‌آموز را به تفکر و حل مسئله رهنمون شود و بلافاصله به دادن جواب اقدام نکند. معلم باید هنرپیشه باشد.» در عرصه‌ی تعلیم و تربیت از صحبت‌های **حسین خوش‌نویسان** در مسابقه‌ی «تلنگری برای تفکر» شماره‌ی ۱ از سال ۹۴-۱۳۹۳ استفاده کردیم و درخواست کردیم ده نکته‌ی تعلیم و تربیتی از آن استخراج شود. **فرزانه فرهادی** از شهرستان ساوه نوشته است: «آموزگار باید مخاطب خود را خوب بشناسد. همچنین، وی باید درس جدید را با توجه به آموخته‌های قبلی دانش‌آموز شروع کند. این معلم باید ظاهری آراسته و مرتب داشته باشد.

معلمی بازنشستگی ندارد. معلم باید در حد درک و فهم مخاطب و سن و سال دانش‌آموز حرف بزند.»

مسابقه‌ی تلنگری برای تفکر شماره‌ی ۲ به اهمیت رفاقت به جای رقابت می‌پرداخت. در این زمینه، **مرجان فولادی** نوشته است:

«آفتابی لب درگاه شماست که اگر در بگشایید، به رفتار شما می‌تابد.»

طیبه منیدری آموزگار از ششتمد خراسان رضوی در این زمینه نوشته است: «رازدار و محرم اسرار بودن آموزگار و توجیه نکردن اشتباهات خود از عوامل مهم از بین رفتن رقابت و جایگزینی رفاقت است.»

اشاره

همان‌طور که در شماره‌ی اول مجله وعده داده بودیم، سرفصل «تلنگر به بارنشست» را گشودیم. مواردی که در پایین منعکس شده‌اند، مهم‌ترین بخش‌های پاسخ‌های برخی عزیزان هستند که به‌طور تصادفی از میان خیل عظیم شرکت‌کنندگان مسابقه انتخاب شده‌اند.

در مسابقه‌ی شماره‌ی ۵ تلنگری برای تفکر و در ارتباط با موانع درس‌پژوهی، **مرضیه میری** از خلیل‌آباد استان خراسان رضوی گفته است: «به همکاری متقابل بین آموزگاران نیاز است، ولی به دلیل کمبود وقت، این کار میسر نمی‌نماید.»

در زمینه‌ی سؤال تلنگری برای تفکر شماره‌ی ۶ مجله در سال ۹۴-۱۳۹۳ که پرسیده بود: «اساسی‌ترین سازوکار ایجاد و تقویت مهارت خواندن در دانش‌آموزان کدام‌اند؟» **مسعود محبی** از تایباد خراسان رضوی نوشته است:

«اساسی‌ترین سازوکار، تقویت کتابخانه‌های کلاسی و تشویق به استفاده از آن‌هاست.»

و باز در ارتباط با موانع درس‌پژوهی، **آمنه صادقی آهنگر**، آموزگاری از بابل نوشته است: «با توجه به اهمیت درس‌پژوهی در بالا بردن تجربیات همکاران فرهنگی، باید در هفته یک ساعت برنامه‌ای به نام این درس باشد. یعنی به جای ۲۵ ساعت کلاس، ۲۴ ساعت داشته باشند. (البته در ابلاغ ۲۴ ساعت است، ولی برنامه‌ی درسی مدرسه ۲۵ ساعت است و دانش‌آموزان در هفته یک ساعت زودتر تعطیل شوند).»

در همین زمینه، **فرانک صادقین** از هرسین استان کرمانشاه نوشته است:

«ما باید اعتقاد داشته باشیم که تجربه‌ها تأثیر بلندمدت در رشد دارند. از همفکری در کار گروهی دریغ نکنیم.»

همراهان ما

در این شماره نیز کارشناسان مجله مقالات و نامه‌های رسیده‌ی خوانندگان گرامی را بررسی کردند. امیدواریم به زودی مطالب جدیدتر و کاربردی دیگری از این همکاران ببینیم تا در مجله به کار بگیریم.

آذربایجان شرقی

حوری ضیایی خسروشاهی، عجب‌شیر: «خلافت دانشاوبوسی». فریبا مؤیدنیا، خوی: «آهنگ دوستی سردهیم»، «بهره‌گیری از نظریه‌ی هوش چندگانه». فائزه عابدی، تبریز: «خاطره»، «تعریف بازی».

کریم عباسی اول، مرند: «والدین و مهار استرس»، فنون کاهش استرس»، «تأثیر انتظارات معلم»، «پرسش در کلاس درس»، «هوشمندسازی»، «ارزشیابی کیفی».

جعفر شیردلی، ناحیه‌ی ۱ تبریز: «مغالطه در ادبیات ششم». نیر مرکب‌سازی، مدرسه‌ی سیداحمد خمینی، «غلبه بر ترس امتحان».

آذربایجان غربی

بهروز آیرملو، ماکو: «نامه‌ی سرگشاده‌ی یک معلم». کامل خسروی، بوکان: «تمرکز و تداعی».

حسن خلیلی بابا، اشنویه: «بررسی رابطه‌ی تعالی معنوی و اضطراب امتحان در دانش‌آموزان...».

اردبیل

بهنام عزیزی، لیلای عزیزی، پارس‌آباد: «چرا نباید از تنبیه استفاده کرد؟»

اصفهان

زهره اسماعیلی، نجف‌آباد: «یک

درس به یادماندنی».

اعظم سادات عمادی، زهرا منصوریان، سمیرم، شهرضا: «ارزیابی کتاب‌های قدیم و جدید ریاضی». زینب طوطیان، کاشان: «ضرب حشی»، «نکته‌های خواندنی» و «آزمایش علوم».

زهرا اولیایی، شهرضا: «معاملاتی که در کار خود متخصص هستید»، «یادگیری و عواطف یادگیرنده».

فاطمه نذری، اصفهان: «به بهانه‌ی هفته‌ی دفاع مقدس». مقاله‌ی شما دیر به دست ما رسید.

کبری شاکری، فولادشهر: «بررسی تشویق و تنبیه».

سمیه قاسمی مقدم، شاهین‌شهر: «شیوه‌ی نودراملای کلمات چندشکلی».

البرز

زهرا گرمی، طالقان: «طرح‌ها». محسن کردلو، اسمعیل آزادی، زینب اسماعیلی، ناحیه‌ی ۴: «نقش بدکار کردی خانواده در بروز اختلالات».

ایلام

پروین محمدی، دبستان توحید، ایلام: «ریاضی آسان می‌شود».

بوشهر

حسین باقری، دزراک: «پاسان‌شناسی در مدارس ابتدایی»، «تکلیف شب».

تهران

لیلا افشار بکشلو، منطقه‌ی روابط کریم شهریار: «ارزشیابی توصیفی». سعیدعبداللهی، پرنده: «هستندسازی تجربه‌های برتر».

زهرا اصلتیان، فاطمه واحد جوقان، دبستان شهید هاشمی‌نژاد: تهران «آموزش کار گروهی».

مریم جعفری، مدرسه‌ی دکتر دانشپور: «در مورد ارزشیابی توصیفی». ثریا تهمنش، تهران: «مدرسه‌ی هراسی».

خراسان جنوبی

حسن رضاترابی، بیرجند: «شوق دیواره‌ی تدریس».

خراسان رضوی

سعیده حسن آبادی، ناحیه‌ی ۱ مشهد: «هم زمین داریم هم نیروی انسانی».

عباس صادق‌پور، مهولات: «تجربیات آموزشی».

مریم خسروی فرد، دبستان حکیمی، سبزوار: «لواست‌های عددی».

شهین اسماعیلی، مشهد: «اوقات فراغت».

فرشته اخباری، دبستان نجمیه، سبزوار: «انشا و خلاقیت».

سیده مریم جلالی، دبستان پروین اعتصامی، بجستان: «یک تجربه و خاطره».

خراسان شمالی

قلیچ بیچرانلو، شیروان: «تقویت مهارت خلاقیت و نوآوری».

خوزستان

آسیه عموری، دبستان شاهد دوم مهر، آبادان: «هدف آموزش‌های قرآنی». غلامحسین ظفری، اهواز: «اهمیت طرح درس».

الهام مرضات، بهبهان: «طراحی اقدام‌پژوهی».

نورعلی رئیسی، گچساران: «آنکه واقعا یک معلم بود».

زنجان

سیده معصومه موسوی فر، خداپند: «بررسی مجلات رشد».

زهرا کریمی، درمانگر مرکز اختلالات یادگیری، زنجان: «گذری بر ناتوانی‌های یادگیری و مشکلات توأم با آن».

سمنان

مصطفی اسکندری، مه‌ری

رضوانی، شاهرود: «رویکرد نوین به نقش معلم».

بتول مونس‌ی سرخ، دبستان مقدار، آرادان: «روش تدریس واو استثنای مسابقه بده تا بهتر یاد بگیری».

فارس

مژده شکیبایی، مدرسه‌ی غفاری، نیریز: «تاریخ تعلیم و تربیت».

منیره اسدی، نورآباد ممسنی: «بررسی رابطه‌ی راهبردهای حل مسئله و نمرات ریاضی دانش‌آموزان پایه‌ی ششم».

زهرا هنریخش، آموزگار، داراب: «نقدی بر ارزشیابی در مدارس ابتدایی».

قم

مهدی رضانی متین: «من معلمم». زهره نعمتی، دبستان حاج فاطمی، ناحیه‌ی ۱ قم: «اقدام‌پژوهی».

کردستان

مسعود ساعد پناه، بانه: «بررسی رشد اخلاقی دانش‌آموزان و عوامل آموزشگاهی».

۴۴۴، قروه، «کودکان تیزهوش؛ پر استعداد».

محمد هوشیار فتحی، دیواندره: «من نمی‌خواهم بروم! کمک به کودکان».

فرزاد خوش‌کلام، مریوان: «معلم اثربخش»؛ «شیوه‌های جدید آموزشی».

ناصر خضری‌پناه، سقز: «لذت تربیت هدفمند».

شرافت خرامانی، سنندج: «خاطره‌ی اوایل خدمت».

شیرین مخدومی، قروه: «آیا تلفن همراه مانع تحصیل دانش‌آموز می‌شود».

کرمان

رباب قاسمی، رفسنجان: «تفاوت‌های جنگ نرم و سخت».

کرمانشاه

زهره یلی‌نژاد، کرمانشاه: «اهمیت



با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های دانش آموزی

به صورت ماهانه و ده شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

رشد کودک برای دانش آموزان پیش دبستانی و پایه اول دوره آموزش ابتدایی

رشد نوجوان برای دانش آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره آموزش ابتدایی

رشد دانش‌آموز برای دانش آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره آموزش ابتدایی

مجله‌های دانش آموزی

به صورت ماهانه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

رشد نوجوان برای دانش آموزان دوره آموزش متوسطه اول

رشد جوان برای دانش آموزان دوره آموزش متوسطه اول

رشد جوان برای دانش آموزان دوره آموزش متوسطه دوم

رشد جوان برای دانش آموزان دوره آموزش متوسطه دوم

مجله‌های بزرگسال عمومی

به صورت ماهانه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

♦ رشد آموزش ابتدایی ♦ رشد تکنولوژی آموزشی

♦ رشد مدرسه فردا ♦ رشد معلم

مجله‌های بزرگسال تخصصی:

به صورت فصل‌نامه و سه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

- ♦ رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی ♦ رشد آموزش زبان و ادب فارسی
- ♦ رشد آموزش هنر ♦ رشد آموزش مشاور مدرسه ♦ رشد آموزش تربیت بدنی
- ♦ رشد آموزش علوم اجتماعی ♦ رشد آموزش تاریخ ♦ رشد آموزش جغرافیا
- ♦ رشد آموزش زبان‌های خارجی ♦ رشد آموزش ریاضی ♦ رشد آموزش فیزیک
- ♦ رشد آموزش شیمی ♦ رشد آموزش زیست‌شناسی ♦ رشد مدیریت مدرسه
- ♦ رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کار دانش ♦ رشد آموزش پیش دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان گروه‌های آموزشی و... تهیه و منتشر می‌شود.

♦ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶.

♦ تلفن و نمابر: ۰۲۱ - ۸۸۳۰۱۴۷۸

♦ وبگاه: www.roshdmag.ir

آموزش در کودکی».

فیروز اسدی، ناحیه‌ی ۱ کرمانشاه، دبستان شاهد: «مهارت برقراری ارتباط».

گلستان

نجمه دائمی، دبستان عصمت، فاضل‌آباد: «زنگ علوم».

زهرا کمشی‌کمر، علی‌آباد کنول: «قطعه‌ی گمشده‌ی پازل مجلات رشد»، «مسئولیت‌پذیری اجتماعی».

رابعه رستگار، گنبدکاووس: «گام‌هایی برای پرورش هوش هیجانی».

زهرا علیخانی، علی‌آباد کنول: «نان خشک در کلاس».

گیلان

محمدصادق ابراهیمی چابکی، مرکز اختلالات یادگیری جنت، خمخام: «حرکت انگشت در مهارت خواندن».

علی‌رضا باوری کلور، رشت: «ضرورت توجه به کنش‌های اجرایی».

لرستان

پرستو رجب‌روشن، دبستان شاهد، الیگودرز: «مادران و بازی با مسئله‌ی ریاضی»، «بالا بالاتر».

مازندران

طاهره وقایعی، ساری: «چگونه توانستم مشکل رفتاری ابوالفضل را بهبود دهم».

زینب رمضانی، سلمان‌شهر: «خصوصیات معلم پایه‌ی اول».

شعبانعلی قلی‌نژاد ملک‌شاه، دبستان اندیشه‌ی ۲، ساری: «آموزش مساحت و محیط».

نیما ارزانی، سلمان‌شهر، عباس‌آباد: «اولیا و پرورش خلاقیت»، «نقش والدین در بازی کودکان».

سیده بنین هاشمی تروجنی، توران کابلی قره‌تپه، بهشهر: «بررسی راهبردهای حل مسئله».

منور حسین‌زاده، قائمشهر: «مکعب جادویی».

محسن عبدی تلاوکی، دبستان شاهد پسران: «روابط انسانی در مدارس».

خدیجه بابایی، زیرآب: «چگونه مشکل حل مسئله‌ی ریاضی را حل کردم».

طاهره کرفسی، بهشهر: «فلسفه‌ی عبادت».

مرکزی

اکرم محمدیان، دبستان فجر، ساوه:

«شخصیت‌دادن به دانش‌آموز».

مریم سهیلی، فاطمه شاطریان، زرنده: حکیم‌آباد: «روش تدریس اجتماع پژوهشی».

میلاذ قمی: «هفت‌فن ماهرانه برای جذب همکاری».

اکرم فضایی، خمین: «بیان تجربه‌ی کاری».

فاطمه محمدی، خمین: «دانش‌آموزان دیرآموز».

هرمزگان

لیلا پارساپور، دبستان دانش، بندرعباس: «سفری به اصفهان».

همدان

رحیم نادری، بهار: «آموزش اثربخش در چند پایه».

یزد

سودابه میرزایی، ناحیه‌ی دو، یزد: «خداحافظی با آموزش ابتدایی».

مجید درخشانی، معاون پرورشی مجتمع روستایی بهار، تفت: «لبخندهای مدرسه‌ای».

آثار این دوستان رسید:

ابراهیم تیموری، «بررسی یک چالش ریاضی در چهارم».

شه‌دخت بهرام، مدرسه‌ی شهید موحد: «نقش باورهای دینی در ارتقای فرهنگ».

سعید انصاری، منطقه‌ی قهاوند: «دانه‌هایی برای شکفتن».

؟؟؟ گنج‌زمان؟
هادی فرج‌تبار، «آموزش دادن به دانش‌آموز دارای اختلال».

؟؟؟ «چشم دل باز کن».

زهرا زورقی: «بررسی شیوه‌های نوین آموزشی».

سیده طیبه اندرواز: «لگوی تدریس بارش مغزی».

هادی جاهد: «راهکاری در بهبود مهارت املا».

شیمای برهانی، مرضیه دهقانی و پروین صمدی: «رابطه‌ی هوش معنوی با خودکارآمدی معلمان».

امید آوند، بخش ارم: «قصه، معلم جذاب...».

کلاسی با تفاوت‌های فردی آموزش دشوار است یا آسان؟

ظاهره خردور

توجه به تفاوت‌های فردی، یکی از موضوع‌های مهم در امر آموزش است. نگاه‌های دانش‌آموزان هنگام تدریس، حاکی از آن است که عده‌ای متوجه درس شده‌اند، عده‌ای هنوز درگیر موضوع قبلی هستند و عده‌ای چاره‌ای زیادی در ذهن دارند. چه کنیم؟ تفاوت میزان ضریب هوشی در دانش‌آموزان امری اجتناب‌ناپذیر است. معلمی که در کلاس با کودکان دارای ویژگی‌های یادگیری متفاوت روبه‌رو می‌شود، باید درس را ادامه بدهد و برود، یا باید منتظر کودکانی شود که هنوز درگیر لایه‌های مفاهیم اولیه هستند؟! با دانش‌آموزانی که سرعت فراگیری آن‌ها خیلی زیاد است چه باید کرد؟ ترمز باید گرفت یا ...

من چه می‌کنم؟

- برای اینکه کلاسی آرام و بی‌دغدغه داشته باشیم:
- به اصل یادگیری توجه می‌کنم؛ یعنی توجه دارم که همگی دانش‌آموزان در یک سطح نیستند.
- سؤال‌هایی تهیه می‌کنم در سطح کودکان ضعیف، متوسط و سطح بالای یادگیری و هر بر که سؤال را به کودک با توانایی خودش می‌دهم و اجازه می‌دهم کودکانی که هم‌سطح هم نیستند، در کنار هم قرار بگیرند یا خود به تنهایی سؤال را پاسخ دهند و یا پاسخ را از کودکان مستعدتر یاد بگیرند.
- کودکان مستعد را به بیرون از کلاس هدایت می‌کنم تا زمانی را برای یادگیری درس‌های دیگر در اختیار داشته باشند. در این حال، در کلاس با کودکان ضعیف‌تر مجدداً درس‌ها را مرور می‌کنم.
- از کودکان می‌خواهم آنچه را سبب خستگی، دیرفهمی، ترس، نداشتن اعتمادبه‌نفس و ... می‌شود بیان کنند. بعد آن‌ها را شناسایی و به‌طور خصوصی با آن‌ها صحبت می‌کنم.
- با والدین کودکان گفت‌وگو می‌کنم و از آن‌ها می‌خواهم در انجام تمرین‌هایی که در حد توانایی کودکان داده می‌شود، با آن‌ها همراه شوند و در یادگیری بیشتر هدایتشان کنند.
- از والدین می‌خواهم علاقه‌مندی کودک را شناسایی کنند و هم خود آن‌ها و هم آموزگار مربوطه را در جریان علاقه‌مندی آن‌ها بگذارند.
- در این صورت، همه‌ی دانش‌آموزان متوجه خواهند شد که همگی در یادگیری استعدادی دارند، اما استعدادها با هم متفاوت هستند و آن‌ها باید برای رشد و پیشرفت هم‌کلاسی‌هایشان به یکدیگر کمک کنند.



دولت و ملت، همدلی و هم‌زبانی

رشد تراک

نحوه اشتراک:

پس از واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سهراب آزمایش کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست، به دو روش زیر، مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد به نشانی: www.roshdmag.ir و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی؛
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی یا از طریق دورنگار به شماره ۱۹۲ ۷۷۳۳۳۳۰۰۰. لطفاً کپی فیش را نزد خود نگه دارید.

عنوان مجلات در خواستی:

- ◆ نام و نام خانوادگی:
- ◆ تاریخ تولد:
- ◆ میزان تحصیلات:
- ◆ تلفن:
- ◆ نشانی کامل پستی:
- ◆ استان:
- ◆ شهرستان:
- ◆ خیابان:
- ◆ پلاک:
- ◆ شماره پستی:
- ◆ شماره فیش بانکی:
- ◆ مبلغ پرداختی:
- ◆ اگر قبلاً مشترک مجله رشد بوده‌اید، شماره اشتراک خود را بنویسید:

امضا:

- نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱
- تلفن امور مشترکین: ۱۴-۷۷۳۳۹۷۱۳ و ۷۷۳۳۵۱۱۰ و ۷۷۳۳۶۶۵۶-۰۲۱

- ◆ هزینه اشتراک سالانه‌ی مجلات عمومی رشد (هشت شماره): ۳۵۰/۰۰۰ ریال
- ◆ هزینه اشتراک سالانه‌ی مجلات تخصصی رشد (سه شماره): ۲۰۰/۰۰۰ ریال